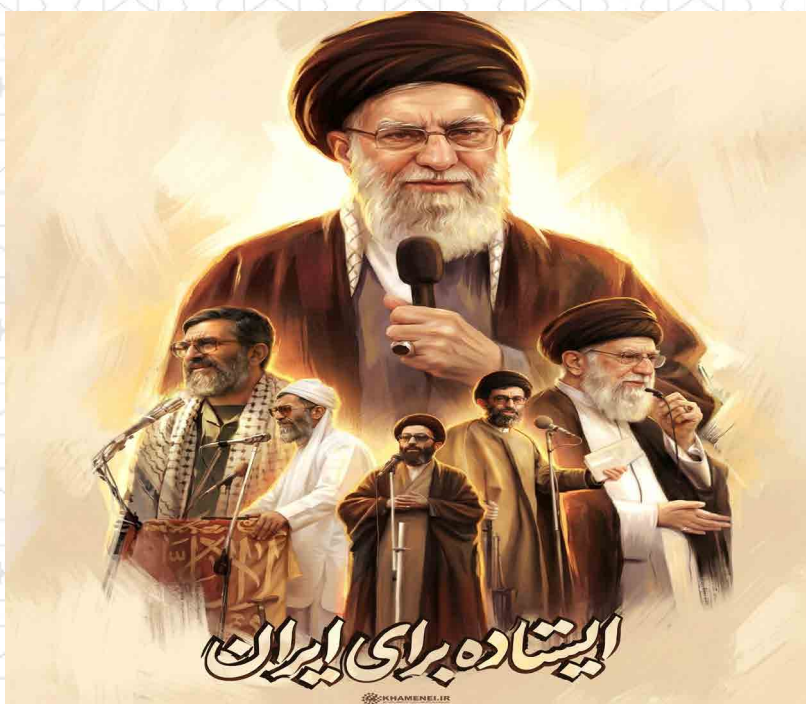
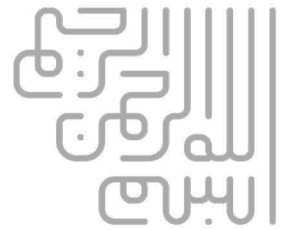


ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب؛ درآمدی راهبردی به «نظریه آینده» آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (قدس الله نفسه الزکیه)



تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۲۶
Publish Date : 2026/08/17



عنوان: ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب؛ درآمدی راهبردی به «نظریه آینده»
آیت الله سیدعلی خامنه‌ای (قدس الله نفسه الزکیه)
تهیه و تدوین کنندگان (Authors): صابر اکبری خضری، مهدی کیانی
واژه‌های کلیدی: آینده ایران، رهبر انقلاب، نظریه آینده
ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

DOI: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21781>

Permanent Link:

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

**عنوان: ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب؛ درآمدی راهبردی به «نظریه آینده»
آیت الله سیدعلی خامنه‌ای (قدس الله نفسه الزکیه)**

نوع گزارش: طرح / لایحه □، نظارتی □، راهبردی ■، پیش نویس قانونی □

نام دفتر: مطالعات حکمرانی (گروه آینده پژوهی)

مدیر مطالعه: علیرضا نصر اصفهانی

ناظر علمی: مهدی عبد الحمید

اظهار نظر کنندگان: حسن کریمی فرد (دفتر مطالعات سیاسی)، رضا مستمع، سینا عصاره نژاد

دزفولی (دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش)

گرافیک و صفحه آرایی: انسیه بهابزرگی

ویراستار ادبی: _____

تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۴/۴/۱



فهرست مطالب

چکیده.....	۷
خلاصه مدیریتی.....	۸
۱. مقدمه.....	۱۰
۲. پیشینه پژوهش.....	۱۱
۳. چارچوب ترسیم آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۱۴
۳-۱. محوریت امیدآفرینی.....	۱۵
۳-۲. راهبرد خلق استعاره.....	۱۵
۳-۳. محوریت کنشگری و مشارکت مردم.....	۱۶
۳-۴. چارچوب کلان خود و دیگری.....	۱۸
۴-۱. مستضعفان.....	۱۹
۴-۲. سنت‌های الهی.....	۱۹
۴. الهیات آینده.....	۱۹
۴-۳. نصرت الهی.....	۲۰
۴-۴. شکست دشمنان.....	۲۱
۵. طرح کلان و آینده تمدنی.....	۲۱
۵-۱. دهه شصت؛ صورت الهیاتی جامعه مطلوب.....	۲۲
۵-۲. دهه هفتاد؛ سازندگی و مقدمات جهش.....	۲۴
۵-۳. دهه هشتاد؛ دهه پیشرفت، الگوها و دغدغه عدالت.....	۲۵
۶. ایده‌های راهبردی.....	۲۷
۶-۱. فرهنگ و ساختار اجتماعی.....	۲۸
۶-۲. علم و فناوری.....	۳۵
۶-۳. سیاست خارجه.....	۳۸
۶-۴. اقتصاد.....	۴۲
۷. پیش‌بینی آینده جهان.....	۴۹
۷-۱. نهضت معنویت‌خواهی در جهان.....	۵۰
۷-۲. نظم نوین جهانی: جهان چندقطبی.....	۵۰
۷-۳. فروپاشی اسرائیل.....	۵۱
۷-۴. افول آمریکا.....	۵۲
۸. نتیجه‌گیری.....	۵۳
۸-۱. پیشنهادهای راهبردی.....	۵۴
منابع و مآخذ.....	۶۰

فهرست جداول

جدول ۱. مقایسه الگوی پیشرفت و توسعه در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۲۷
جدول ۲. تبیین گزاره‌های اساسی نقش مردم در وجوه مختلف حکمرانی و آینده ایران در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۳۰
جدول ۳. نسبت علوم انسانی با آینده ایران در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۳۸

فهرست شکل‌ها

شکل ۱. چارچوب کلی ترسیم آینده در اندیشه رهبر شهید انقلاب.....	۱۴
شکل ۲. مؤلفه‌های محوری الهیاتی در طرح مباحث آینده‌نگرانه در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۱۹
شکل ۳. سیر مفاهیم کلان آینده‌شناسانه در دهه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اندیشه‌های رهبر شهید انقلاب.....	۲۱
شکل ۴. سیر تطور مفاهیم کلان آینده‌نگر از ذهنی به عینی در اندیشه‌های رهبر شهید انقلاب.....	۲۳
شکل ۵. مقایسه مدل پیشرفت اقتصادی توسعه با سازندگی در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۲۵
شکل ۶. حوزه‌های اصلی طرح ایده‌های محوری ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۲۷
شکل ۷. ایده‌های راهبردی و کلیدواژه‌های محوری عرصه فرهنگ در نسبت با ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۲۸
شکل ۸. سیر تطور مفاهیم ناظر به عرصه فرهنگ در بیانات رهبر شهید انقلاب.....	۲۹
شکل ۹. ایده‌های راهبردی و کلیدواژه‌های محوری عرصه علم و فناوری در نسبت با ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۳۶
شکل ۱۰. کلیدواژه‌های مرتبط با رشد علمی در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۳۷
شکل ۱۱. ایده‌های راهبردی و کلیدواژه‌های محوری عرصه سیاست خارجه در نسبت با ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۳۸
شکل ۱۲. سیر کلیدواژه‌ها و استعاره‌های سیاست خارجه در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۳۹
شکل ۱۳. ایده‌های راهبردی و کلیدواژه‌های محوری عرصه اقتصاد در نسبت با ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۴۳
شکل ۱۴. سیر کلیدواژه‌ها و استعاره‌های اقتصادی در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۴۳
شکل ۱۵. مهم‌ترین پیش‌بینی‌های رهبر شهید انقلاب.....	۴۹
شکل ۱۶. نمودار مهم‌ترین پیش‌ران‌ها و ظرفیت‌ها برای ساخت آینده ایران در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۵۴
شکل ۱۷. مهم‌ترین چالش‌ها و موانع ناظر به ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب.....	۵۷



ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب؛ درآمدی راهبردی به «نظریه آینده» آیت الله سید علی خامنه‌ای (قدس الله نفسه الزکیه)

چکیده



گزارش حاضر با تمرکز بر بیانات و مواضع رهبر شهید انقلاب، به بازسازی سیر مفاهیم آینده‌شناسانه در اندیشه ایشان و ترسیم تصویری کلان از آینده ایران می‌پردازد. در این پژوهش، ابتدا بیانات رهبری در مقاطع تاریخی و دیدارهای شاخص با عموم مردم، نخبگان، روحانیون، دانشگاهیان و خبرگان رهبری مورد مطالعه و به صورت موضوعی و زمانی دسته‌بندی شده است. چارچوب‌های کلان ترسیم آینده در اندیشه ایشان در سه محور اصلی امیدآفرینی، خلق استعاره و دعوت به گفتمان عمومی شناسایی شده و سپس الهیات آینده، استعاره‌های تمدنی همچون حیات طیبیه، تمدن نوین اسلامی و الگو شدن بازتاب آنها در حوزه‌های فرهنگ و انسجام اجتماعی، سیاست، علم و اقتصاد تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد الهیات فعال و ساخت‌گرایانه، بنیان نگاه رهبری به آینده است و تبدیل آن به تمدن، مستلزم پیوند عمیق میان فقه حکومتی، علوم انسانی بومی و طراحی نهادی کارآمد است. گزارش بر ضرورت توسعه علوم انسانی مبتنی بر مبانی اسلامی، تولید طرح نظری روزآمد برای الگوسازی انقلاب اسلامی، توجه به مردم و انسجام اجتماعی، تقویت هویت اسلامی، گفتمان‌سازی فرهنگی، وحدت و بیداری اسلامی و پشتیبانی نرم‌افزاری اقتصاد مقاومتی تأکید می‌کند. محصول نهایی پژوهش، شبکه‌ای مفهومی و چارچوبی تحلیلی برای فهم و ترسیم آینده بر مبنای اندیشه رهبر شهید است که می‌تواند در خط‌مشی‌گذاری و آینده‌پژوهی مورد استفاده قرار گیرد.



خلاصه مدیریتی

■ بیان/شرح مسئله

آینده هر جامعه محصول تصاویری است که نخبگان از آینده در ذهن و گفتمان خود می‌سازند؛ تصاویری که جهت تاریخ، اولویت‌ها و کنش‌های جمعی را شکل می‌دهد. از این رو، شناخت تصویر آینده ایران در اندیشه مهم‌ترین خط‌مشی‌گذار کشور، یک نیاز راهبردی برای کل نظام تصمیم‌گیری است. این گزارش، با تمرکز بر بیانات رهبر شهید انقلاب، می‌کوشد تصویر کلان آینده ایران و مسیر تحول آن را پس از انقلاب، در قالب یک شبکه مفهومی در اختیار مدیران و خط‌مشی‌گذاران قرار دهد.

■ نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

ترسیم آینده در این اندیشه بر چهار ستون استوار است: امید، روایت، مردم و نسبت خود/دیگری. امیدآفرینی موتور حرکت جامعه و شرط امکان هر آینده مطلوب است و یأس، ابزار تخریب و ممانعت از پیشرفت تلقی می‌شود؛ بنابراین مدیریت امید و ذهنیت اجتماعی، خود خط‌مشی‌گذاری آینده‌نگر است. خلق استعاره‌ها و روایت‌هایی مانند تهاجم فرهنگی، جنبش نرم‌افزاری و اقتصاد مقاومتی، چارچوب ادراک نخبگان و مردم از موقعیت کشور را می‌سازد. مردم-به‌ویژه جوانان و نخبگان- فاعلان اصلی آینده‌اند. در نهایت، آینده مطلوب در نسبت دوقطبی اسلام-ایران در برابر استکبار تعریف می‌شود و این نسبت، هم هویت داخلی و هم جهت سیاست خارجی را شکل می‌دهد.

آینده در چارچوب فلسفه‌ای الهیاتی از تاریخ فهم می‌شود. محوریت مستضعفان و وعده وراثت زمین، آینده را به سود مستضعفان و ارزش‌های الهی تعریف می‌کند و حمایت از آنان را به تکلیف الهیاتی ارتقا می‌دهد. سنت‌های الهی، سرنوشت ملت‌ها را به تغییر درون و عمل آنها پیوند می‌دهند و پیروزی انقلاب و بیداری اسلامی در این منطق خوانده می‌شود. نصرت الهی مشروط به ایمان، اخلاص و جهاد است؛ پس الهیات منطق اقدام و مسئولیت است.

تصویر نهایی، آینده‌ای تمدنی برای ایران و جهان اسلام در برابر تمدن مادی غرب است. در دهه ۶۰ هجری شمسی، مفاهیمی چون جامعه مهدوی و حیات طیبیه، افق آینده را ترسیم می‌کنند و سپس در قالب «تمدن نوین اسلامی» عینیت می‌یابند. دهه ۷۰ با سازندگی آغاز می‌شود اما نابرابری و اشرافی‌گری، عدالت را به معیار نقد و تهاجم فرهنگی را به هشدار راهبردی تبدیل می‌کند. در دهه ۸۰، با تقویت زیرساخت‌ها، مفهوم «پیشرفت اسلامی - ایرانی» جایگزین سازندگی صرف می‌شود. دهه ۱۳۹۰ با جنگ اقتصادی و دوگانه آرمان/واقعیت، به طرح نظریه نظام انقلابی و اقتصاد مقاومتی می‌رسد و اقتصاد به مؤلفه‌ای امنیتی-تمدنی تبدیل شد.

فرهنگ و انسجام اجتماعی در این تصویر، نرم‌افزار اصلی نظام و مقدم بر اقتصاد است. مردم‌محوری یعنی مردم رکن مشروعیت و حکمرانی‌اند و نسبت امام و امت، حضور و بیعت آنان را شرط اعتبار قدرت می‌داند. ضعف ساختارهای رسمی، نقش نهادهای مردمی و مفاهیمی چون افسران جنگ نرم و آتش به اختیار را برجسته کرده است. انسجام و وحدت ملی پیش شرط پیشرفت و بقا است. هم‌گرایی هویت ایرانی-اسلامی پایه انسجام است و در برابر تهاجم فرهنگی، تقویت قدرت فکری، کرسی‌های آزاداندیشی، جهاد تبیین و بازسازی انقلابی فرهنگ و سبک زندگی قرار می‌گیرد.

علم ستون فقرات اقتدار آینده و پیوند خورده با هویت و استقلال ملی است. جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم، شکستن ذهن ترجمه‌ای و تبدیل ایران از مصرف‌کننده به تولیدکننده علم را هدف گرفته است. خط‌مشی‌گذاری علمی به زنجیره علم، فناوری، صنعت و اقتصاد مقاومتی گسترش یافته تا علم نافع و مسئله‌محور در خدمت چالش‌های کشور قرار گیرد. در علوم انسانی،

بومی‌سازی و اسلامی‌سازی برای پاسخ به بحران‌های هویتی و اجتماعی و ارائه الگوی بدیل نظری در برابر گفتمان‌های مسلط جهانی، یک ضرورت راهبردی قلمداد می‌شود.

سیاست خارجی در چارچوب تقابل اسلام و استکبار و افق تمدن نوین اسلامی صورت‌بندی می‌شود. استکبارستیزی هویت پایدار جمهوری اسلامی و مقاومت در برابر نظم سلطه، قاعده‌ای راهبردی است؛ هزینه تسلیم در بلندمدت بیش از هزینه مقاومت است. صدور انقلاب به معنای گسترش فکر و الگو است و کارآمدی و عدالت داخلی، شرط الگو شدن در جهان اسلام است. وحدت جهان اسلام و قدرت جمعی، لازمه تحقق افق تمدنی است و همکاری سیاسی و اقتصادی در این چارچوب ارزیابی می‌شود. فلسطین و جبهه ضد صهیونیستی، محور وحدت و میدان تقابل با استکبار معرفی می‌شوند.

اقتصاد، نه تنها ابزاری برای تحقق «حیات طیبه»، که میدانی برای تقابل میان سلطه یا استقلال است. الگوی مطلوب در این میان، نه اقتصاد دولتی و نه لیبرالیسم‌رها، بلکه نظامی با حضور «دولت ناظر و حاکم» در کنار «مردم به‌مثابه بازیگران اصلی تولید» است. دوران سازندگی پس از جنگ، اگرچه زیرساخت‌ها و آبادانی را به ارمغان آورد، اما به دلیل پیامدهایی نظیر نابرابری و اشرافی‌گری، «عدالت» را به مطالبه اصلی جامعه بدل ساخت. در دهه ۸۰، رویکرد «پیشرفت همراه با عدالت» و بهره‌گیری از ظرفیت‌های درونی و مردمی برجسته شد و در ادامه، دهه ۹۰ به واسطه تحریم‌ها و آسیب‌پذیری وابستگی به نفت، به صورت‌بندی «اقتصاد مقاومتی» انجامید. درون‌زایی، تاب‌آوری، مردمی‌سازی، گذار از اقتصاد نفتی، خصوصی‌سازی عادلانه، اصلاح الگوی مصرف، تقویت تولید و مدیریت جهادی، ارکان اصلی این الگو را تشکیل می‌دهند.

تصور آینده جهان بر نهضت جهانی معنویت‌خواهی، گذار از نظم تک‌قطبی به نظم چندقطبی با حضور یک قطب اسلامی، فروپاشی رژیم صهیونیستی و افول آمریکا استوار است. این روندها فضای جدیدی برای نقش‌آفرینی جبهه اسلام و کشورهای مستقل می‌گشاید، به شرط آنکه به ایمان، علم و اقتدار اقتصادی مجهز باشند. ایران در این افق، محور شکل‌گیری قطب اسلامی و بازیگری تمدنی تعریف می‌شود.

■ پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

پیشنهادها معطوف به تقویت پیشران‌ها و رفع چالش‌های آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب است. سه پیشران اصلی عبارت‌اند از:

- نیروی انسانی جوان، مؤمن و تحصیل‌کرده به‌عنوان بزرگ‌ترین سرمایه راهبردی کشور و محور خط‌مشی‌گذاری در آموزش، اقتصاد و فرهنگ؛

- غنای سرزمینی و موقعیت جغرافیایی (معادن، سواحل و کریدورها) به‌عنوان پایه اقتصاد مقاومتی و نفوذ منطقه‌ای؛

- پیوند دین و دانش به‌عنوان دو رکن قدرت نرم و سخت، که هم انسجام اجتماعی و هم اقتدار فناورانه را ممکن می‌سازد.

در این میان، چهار چالش اصلی شناسایی می‌شود: پیری جمعیت و خطر از بین رفتن پنجره جمعیتی؛ ضعف در تشخیص مسئله و غفلت از اقتصاد و معیشت؛ ناامیدی اجتماعی که اراده ملی را فرسوده می‌کند و خودکم‌بینی تاریخی که توان ملی را کوچک جلوه می‌دهد. پاسخ رهبری، مجموعه‌ای از خط‌مشی‌های جمعیتی، استقرار نظام اندیشه‌ورزی و اولویت‌گذاری، جهاد تبیین برای بازسازی امید و هویت و نهادینه‌سازی منطق «ما می‌توانیم» در سطح فردی و ملی است. در نتیجه، تصویر آینده ایران، ایران را در مرکز روندی معنویت‌خواه، عدالت‌طلب و چندقطبی قرار می‌دهد و از مدیران می‌خواهد خط‌مشی‌گذاری در فرهنگ، علم، سیاست خارجی و اقتصاد را با این افق تمدنی، مردم‌محور و عدالت‌گرا سازگار کنند.



۱. مقدمه

مطالعه آینده بستگی زیادی به روندها و وقایع گذشته دارد. همچنین در این فرایند، روایت و دیدگاهی که برنامه‌ریزان، سیاست‌مداران و نخبگان از جامعه ارائه می‌دهند و همچنین تصویر آنان از آینده، تا حد زیادی در شکل‌گیری واقعیت آینده اثرگذار است. می‌توان گفت سناریوهایی که در آینده تحقق آنها محتمل است، چیزی جز صورت‌های ذهنی امروزین نسبت به آینده نیست. از این جهت فهم تصاویر آینده از دیدگاه برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران جامعه اهمیت دارد. این تصویر در بسیاری از جریان‌های اجتماعی اثرگذار بوده و به آینده شکل می‌دهد. همچنین دیدگاه‌ها نسبت به آینده واجد فرایندهای تاریخی هستند، بدان معنا که در سیر تحولات تاریخی و در مواجهه با شرایط اجتماعی مختلف، تصویر آینده دچار تحولات اساسی می‌گردد. مطالعه این تحولات می‌تواند فرایند شکل‌گیری مفاهیم آینده‌شناسانه را فراروی خط‌مشی‌پژوهان قرار داده و بدین واسطه امکان پیش‌بینی فهم دیدگاه‌ها نسبت به آینده فراهم شود.

رهبر شهید انقلاب به‌عنوان اصلی‌ترین خط‌مشی‌گذار کشور، در مقاطع گوناگون تاریخی، دیدگاه‌های خود را نسبت به آینده مطرح کرده‌اند. برخی از این دیدگاه‌ها مانند بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، صراحتاً درخصوص آینده ایران مطرح شده‌اند. برخی از این نظرات نیز در قالب اصول، توصیه‌ها و خطوط کلی، به‌صورت غیرمستقیم، رهنمودهایی برای آینده ایران ارائه می‌دهند. به‌نظر می‌رسد برای ترسیم تصویری از آینده ایران، مطالعه و فهم دیدگاه رهبری از آینده یکی از مهم‌ترین مراحل است. برای نیل به این فهم لازم است ابتدا یک تصویر کلان از اندیشه ایشان در حوزه‌های گوناگون به‌دست‌آمده و سپس در هر حوزه، مطالعه دقیق‌تر صورت گیرد. همچنین سیر زمانی مفاهیم آینده‌شناسانه در دیدگاه ایشان امری است که می‌تواند چارچوب‌های کلان فهم ایشان از آینده را به همراه تغییرات آن بازنمایی کند.

گزارش حاضر به دنبال آن است تا با شناخت سیر مفاهیم آینده‌شناسانه در دیدگاه‌های رهبر شهید انقلاب به تصویری کلان از آینده مبتنی بر دیدگاه ایشان دست یابد. همچنین با مطالعه تاریخی مفاهیم آینده‌شناسانه در دیدگاه رهبری سعی دارد تا تغییرات این مفاهیم در دوره‌های گوناگون پس از انقلاب اسلامی را بررسی نماید. در فرایند مطالعه اندیشه آینده‌شناسانه رهبری، ابتدا بیانات ایشان در ارتباط با وقایع تاریخی مطالعه شده است. برخی از مقاطع و برخی دیدارهای خاص از منظر مطالعه آینده اهمیت ویژه‌ای دارد که پژوهش حاضر نیز نقطه اصلی تمرکز خود را بر این دیدارها و مقاطع گذارده است. مباحث آینده‌شناسانه رهبری در جلسات خاص و در تخطب با مخاطبان خاصی بیان شده است. در گفت‌وگو با عموم مردم، مفاهیم آینده بیشتر در دیدار ابتدای سال در اجتماع زائران رضوی و در دیدار با مردم در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره) بیان گردیده است. همچنین رهبر شهید بخش مهمی از مباحث آینده‌شناسانه خود را در دیدار با نخبگان، اساتید دانشگاه‌ها و دانشجویان مطرح کرده‌اند. دیدار با طلاب و روحانیون نیز یکی از موقعیت‌های دیگری است که رهبری به طرح مباحث آینده‌شناسانه پرداخته‌اند. از دیدارهای مهمی که سالیانه در آن بحث از آینده مطرح شده است، دیدار با خبرگان رهبری است. این گزارش با تمرکز بر دیدارهای فوق و سایر دیدارهای بااهمیتی که در تاریخ پس از انقلاب اسلامی رخ داده است به تحلیل سیر دیدگاه‌های آینده‌شناسانه رهبر شهید می‌پردازد.

پس از مطالعه بیانات رهبری در ارتباط با آینده، مفاهیم مرتبط با حوزه‌های گوناگون دسته‌بندی شده است که دسته‌بندی مذکور فصول این پژوهش را تشکیل می‌دهند. در ابتدا چارچوب‌های کلان ترسیم آینده در اندیشه رهبر شهید به دست آمده‌اند. در این خصوص می‌توان به چهار مقوله امیدآفرینی، خلق استعاره، دعوت به مشارکت عمومی، و الگوی خود-دیگری اشاره کرد. سپس بحث الهیات آینده مطرح شده است؛ در این بخش دیدگاه‌های رهبری به‌عنوان یک فقیه شیعه موردبررسی قرار گرفته‌اند. در بخش بعدی به مباحث کلان ایشان درخصوص آینده پرداخته شده است؛ مقصود از این بخش

استعاره‌های کلانی است که چارچوب تصویر آینده را مستقیماً ترسیم کنند. از جمله این چارچوب‌ها مواردی مانند حیات طیبه، تمدن، الگو شدن و ... است.

در سیر اندیشه رهبر شهید انقلاب می‌توان این مورد را مشاهده نمود که اندیشه ایشان اولاً واجد یک بعد کلان است که در آن مفاهیم الهیاتی از مبانی اعتقادی اخذ شده است. این مفاهیم کلان که عمدتاً در دهه شصت موضوع جلسات فکری است. در ادامه تاریخ انقلاب اسلامی، پس‌زمینه طرح مفاهیم متعدد است. اما در دهه‌های بعد با گذشت زمان و وقوع حوادث گوناگون، مفاهیم مطرح شده بیشتر صورت عینی گرفته و در حوزه‌های مشخص، استعاره‌های معینی خلق می‌شوند. در این گزارش به سیر زمانی این گزاره‌ها در وجه کلان تمدنی آن به اضافه سیر زمانی آنها در حوزه‌های مختلف پرداخته شده است.

پس از طرح مباحث کلان آینده در فصول بخش اول، فصولی به مطالعه بخشی مباحث آینده‌شناسانه در نگاه رهبری می‌پردازند؛ لذا در بخش دوم به مطالعه دیدگاه ایشان در بخش‌های فرهنگ و انسجام اجتماعی، سیاست، علم و اقتصاد پرداخته شده است؛ در این فصول علاوه بر مطالعه سیر زمانی مفاهیم آینده‌شناسانه، به مطالعه زمینه‌های اجتماعی مفاهیم و ظهور و بروز مفاهیم در هر دوره تاریخی پرداخته شده است. پس از طرح این دیدگاه‌ها و مطالعه سیر زمانی مفاهیم، فصلی در بیان پیش‌بینی‌های آینده رهبری طرح شده است و در نهایت پیشنهادی راهبردی و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

در فرایند این پژوهش، پس از مطالعه و دسته‌بندی بیانات رهبری، تصویر آینده در دیدگاه ایشان براساس فرایندهای تحلیلی دریافت شده است و پژوهشگران در بررسی متون و ارتباط آن با وقایع تاریخی سعی در ارائه تفسیری فراتر از متن بیانات رهبر شهید دارند. این مهم سبب می‌شود تصویر به‌دست‌آمده صرفاً بخش‌هایی از بیانات نبوده و ارتباط بین آنها کشف شود؛ لذا می‌توان ماحصل فرایند پژوهش را تصویری کلان از مفاهیم آینده‌شناسانه در نگاه رهبری دانست که در آن مفاهیم مرتبط با یکدیگرند و شبکه‌ای مفهومی را شکل می‌دهند.

پیامد این مطالعه برای آینده‌شناسی آن است که پژوهشگران و ناظران را با رشد و افول مفاهیم در هر دوره آشنا می‌کند. ماحصل کار این است که می‌توان برخی مفاهیمی که در دوره‌ای مطرح بوده‌اند و در شرایط کنونی دچار رکود شده‌اند را در متن شرایط تاریخی آن بازشناخت. این مهم سبب می‌شود تا برخی اهداف، اصول و آرمان‌هایی که به دلایل مختلف کمتر مطرح می‌شوند، در ترسیم آینده مدنظر قرار گیرند. همچنین برخی از مفاهیم در شرایط خاصی مطرح شده‌اند و به دلایلی دیگر ترسیم‌گر آینده نیستند، این مفاهیم را نیز می‌توان با توجه به شرایط تاریخی آن تحلیل کرد. همچنین در پایان می‌توان از یک چارچوب تحلیلی در مورد آینده از نگاه رهبری یاد کرد که در حوزه‌های گوناگون مبین دیدگاه ایشان به آینده است، از این چارچوب در فهم و ترسیم آینده مبتنی بر دیدگاه ایشان می‌توان بهره برد.

۲. پیشینه پژوهش



درخصوص دیدگاه‌های رهبری درباره آینده ایران، برخی پژوهش‌ها ابعادی از نظرات ایشان را بررسی نموده‌اند. شیداییان (۱۳۸۶) با تحلیل بیانات امام (ره) و رهبری، الزامات آینده انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی (ره) و رهبر شهید انقلاب را واکاوی می‌کند و بر خط‌مشی‌گذاری فرازمانی، تقویت حوزه فرهنگی (مانند اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها و تعمیق معنویت)، حوزه سیاسی-اجتماعی (مردم‌سالاری دینی و وحدت ملی)، روابط بین‌الملل (حمایت از مستضعفین و دیپلماسی انقلابی)، مدیریتی (شایسته‌سالاری)، دفاعی (خودکفایی نظامی) و فرایند زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی (عج) تأکید دارد. این پژوهش، آینده ایران را به‌عنوان امانت



الهی ترسیم می‌کند که نیازمند حفظ استقلال و اجرای احکام اسلام است، و نقش رهبری را در ترسیم چشم‌انداز بیست‌ساله برجسته می‌سازد[۱].

در حوزه آینده‌پژوهی منطقه‌ای، جاودانی مقدم و برجویی فرد (۱۳۹۴) آینده اسرائیل را در چارچوب نظریه پیتر شوارتز با تأکید بر دیدگاه رهبر شهید انقلاب بررسی کرده‌اند. آنها پیشنهادهایی مانند برگزاری همه‌پرسی و تسلیح کرانه باختری را به‌عنوان عوامل تسریع فروپاشی رژیم صهیونیستی معرفی می‌کنند، که این امر به‌طور غیرمستقیم بر جایگاه ایران در آینده جهان اسلام و مقابله با سلطه‌گری غرب تأثیرگذار است. این دیدگاه، بخشی از نظریه آینده رهبری را تشکیل می‌دهد که بر استکبارستیزی و حمایت از فلسطین تمرکز دارد[۲].

پیروزمند و زنگنه (۱۴۰۳) آینده انقلاب اسلامی را با توجه به افول فرهنگ غرب تحلیل کرده‌اند. براساس منظومه فکری رهبر شهید، افول لیبرال دموکراسی غرب منجر به سلب مرجعیت فرهنگی آن و تقویت مرجعیت فرهنگ اسلامی می‌شود. این پژوهش، تغییرات ساختاری جهانی و پیامدهای توحیدمحور را پیش‌بینی می‌کند و بر گام دوم انقلاب به‌عنوان زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی تأکید دارد[۳]. بختیاری و قاسم آقا (۱۳۹۳) الگوی ارزش‌های اسلامی-انقلابی برای نسل‌های آینده را بر مبنای دیدگاه‌های امام و رهبری استخراج کرده‌اند. هفت بعد کلیدی شامل حاکمیت الهی، ظلم‌ستیزی، استقلال، حمایت از مستضعفین، مردم‌سالاری دینی، آزادی و عدالت اسلامی است که برای تربیت نسل‌های آینده انقلاب ضروری تلقی می‌شود[۴].

نیکویه و همکاران (۱۳۹۸) چارچوبی برای ارزیابی آینده‌محور سیاست‌های کلی ابلاغی رهبر شهید ارائه داده‌اند. با رویکرد مدیریت پروژه، مراحل پیش‌ارزیابی، ارزیابی اصلی و پس‌ارزیابی را با ۲۹ مؤلفه معرفی می‌کنند، که این امر جهت عملیاتی‌سازی نظریه آینده رهبری در برنامه‌ریزی کلان ایران انجام شده است[۵]. افطاری و همکاران (۱۴۰۴) با روش فراترکیب، شاخص‌های حکمرانی مطلوب آینده را از بیانات رهبری و بیانیه گام دوم استخراج کرده‌اند. هفت دسته‌بندی شامل توحید، مدیریت جهادی، مشارکت اجتماعی، تعالی معنوی، امنیت ملی، سبک زندگی اسلامی و تمدنی، نقشه راهی برای آینده ایران ارائه می‌دهد[۶]. گندمی و سواری (۱۴۰۳) مؤلفه‌های مدیر تراز آینده انقلاب را براساس سیره شهید رئیسی در بیانات رهبری تحلیل کرده‌اند. مضامین فراگیر شامل ابعاد شخصیتی (اخلاص، ایمان)، عملکردها (جهادی، فسادستیز، مردمی) و پیامدها (زنده کردن امید) است که الگویی برای مدیران آینده ایران ترسیم می‌کند[۷].

در گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در موضوع دیدگاه‌های رهبر شهید انقلاب ناظر به آینده ایران گزارشی یافت نشد. مقالات مذکور همگی به بُعدی از دیدگاه‌های آینده‌شناسانه ایشان پرداخته‌اند ولی آن را به‌مثابه یک امر کلی یکپارچه بررسی نکرده‌اند. همچنین در روش استنباط نتایج عمدتاً بر نقل برخی از جملات ایشان اکتفا شده است. پژوهش حاضر در صدد آن است تا با بررسی چارچوب کلی دیدگاه رهبر شهید به نظریه آینده ایشان در تمامی ابعاد دست یابد. همچنین در روش استنباط نتایج، به جای نقل قول مستقیم مطالب، به بررسی سیر تاریخی مفاهیم، مقایسه مفاهیم با یکدیگر، بررسی تکرار و اهمیت مفاهیم و ارتباط مفاهیم با مخاطبان پرداخته است و سعی در ارائه تحلیلی داده‌بنیاد دارد.

۲-۱. روش‌شناسی پژوهش

گزارش حاضر از نظر ماهیت و جهت‌گیری روش‌شناختی، در زمره پژوهش‌های کیفی، تفسیری و تحلیلی داده‌بنیاد قرار می‌گیرد. هدف اصلی این مطالعه، فرارفتن از گردآوری صرف و نقل‌قول مستقیم بیانات و مواضع رسمی است. در این رویکرد، بیانات تفسیری فراتر از روبنای متن دریافت شده و با بررسی پیوند متقابل مفاهیم با یکدیگر و واکاوی نسبت آن‌ها با وقایع تاریخی، تلاش شده است تا یک شبکه مفهومی منسجم و چارچوب تحلیلی پویا برای فهم «نظریه آینده» در اندیشه کلان خط‌مشی‌گذاری استخراج و تبیین شود. این روش فرارفتن از توصیف سطحی و دست‌یابی به سازه‌های معنایی متصل‌به‌هم را امکان‌پذیر می‌سازد.

جامعه پژوهش این مطالعه شامل کلیه بیانات، مکتوبات، پیام‌ها و مواضع ابلاغی حضرت آیت الله خامنه‌ای در دوران رهبری (سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۴ ه.ش) است. با توجه به حجم گسترده داده‌ها در بازه زمانی طولانی، فرآیند نمونه‌گیری و گزینش هدفمند متون بر اساس معیارهای تخصصی زیر انجام گرفته است:

الف) اسناد صریح و مستقیم ناظر بر آینده: تمرکز ویژه بر بیانات و مکتوباتی بوده که صراحتاً و مستقیماً آینده ایران را صورتبندی کرده‌اند؛ به عنوان نمونه بارز، سند راهبردی «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» به عنوان سند محوری تحلیل مد نظر قرار گرفته است. ب) اسناد و خطوط کلی غیرمستقیم: استخراج اصول، توصیه‌ها و خطوط کلی خط‌مشی که به صورت غیرمستقیم، رهنمودها و اصول راهبری اساسی برای ساخت آینده ایران ارائه می‌دهند.

ج) گزینش مقاطع و دیدارهای شاخص: با توجه به اینکه مباحث آینده‌شناسانه معمولاً در جلسات خاص و در مخاطب با مخاطبان و اتمسفر معینی بیان شده است، این پژوهش نقطه تمرکز خود را بر مقاطع تاریخی حساس، دوره‌های گذار و همچنین دیدارهای کلیدی زیر معطوف ساخته است:

■ گفتگوهای کلیدی با عموم مردم: تمرکز بر بیانات ابتدای سال در اجتماع زائران حرم مطهر رضوی و سخنرانی‌های سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) به عنوان تریبون‌های اصلی گفتمان عمومی.

■ دیدارهای نخبگانی و دانشگاهی: تحلیل عمیق بیانات ایرادشده در جمع نخبگان علمی، اساتید دانشگاه‌ها و دانشجویان که مخاطبان اصلی ایده حرکت علمی و پیشرفت تمدنی هستند.

■ دیدارهای حوزوی و تبلیغی: بررسی بیانات در دیدار با طلاب و روحانیون به عنوان قشر فعال در تبیین فکری، ترویج معنویت و بسیج عمومی جامعه.

■ دیدارهای ساختاری و حاکمیتی: واکاوی سخنرانی‌های سالیانه در جمع اعضای مجلس خبرگان رهبری به عنوان یکی از مهم‌ترین موقعیت‌های طرح مباحث کلان حاکمیتی مرتبط با چشم‌انداز کشور.

فرآیند سیستماتیک تحلیل داده‌ها در این پژوهش با هدف استخراج الگوهای کیفی و اجتناب از برداشت‌های جزیره‌ای، طی سه گام متوالی و هم‌افزا ساماندهی شده است:

گام اول: کدگذاری موضوعی و مفهومی: پس از مطالعه دقیق متون گزینش‌شده بیانات، مفاهیم مرتبط با حوزه آینده استخراج و در قالب فصول مشخص، دسته‌بندی موضوعی شدند. این کدگذاری در دو سطح اصلی صورت پذیرفت: (۱) چارچوب‌های کلان و ارکان حاکم: استخراج اصولی کلی که بر تمامی مفاهیم آینده‌شناسی حاکم بوده و سایر گزاره‌ها از قواعد آن پیروی می‌کنند (نظیر امیدآفرینی، راهبرد خلق استعاره، مشارکت مردم و الگوی خود-دیگری). (۲) بررسی‌های بخشی: دسته‌بندی موضوعی بر اساس حوزه‌های تخصصی شامل فرهنگ و انسجام اجتماعی، سیاست خارجی، علم و فناوری، و اقتصاد کشور.

گام دوم: تحلیل زمانی و تاریخی: این پژوهش به بررسی سیر تحولات تاریخی و مواجهه با شرایط اجتماعی دهه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته است. یافته‌های تحلیل زمانی نشان می‌دهد که مفاهیم آینده‌شناسانه در اندیشه ایشان واجد تطور مشخصی هستند؛ بدین معنا که مفاهیم و استعاره‌های کلان از حالت‌های ذهنی و الهیاتی (عمدتاً در دهه شصت) به تدریج به سمت وضعیت‌های عینی، انضمامی و ساختاری (در دهه‌های هفتاد، هشتاد و نود) تغییر شکل یافته‌اند تا در پاسخ به مسائل روز نظیر فشارهای اقتصادی و نوسازی‌های ساختاری کارآمد واقع شوند.

گام سوم: به کارگیری شاخص‌های چهارگانه استنباط معنایی: به منظور دستیابی به تفسیر عمیق فراتر از ظاهر متون بیانات و درک شبکه روابط متقابل مفاهیم، فرآیند تحلیل بر چهار شاخص محوری استوار گردیده است:

■ بررسی سیر تاریخی مفاهیم: ردیابی خط زمانی هر مفهوم هویتی یا پیشرفت‌خواهانه از زمان نخستین ظهور تا تطور آن در شرایط کنونی.

- مقایسه مفاهیم با یکدیگر: تحلیل هم‌سنجی مفاهیم مختلف جهت استخراج مدل تبیین یا انطباق (به عنوان نمونه مقایسه مدل پیشرفت بومی در برابر مدل توسعه تقلیدی غربی).
 - بررسی میزان تکرار و ثقل معنایی: ارزیابی میزان تکرار، اهمیت و تشدید معنایی کلیدواژه‌ها و استعاره‌های تولیدشده در مقاطع گوناگون تاریخی.
 - تحلیل اتمسفر مخاطب و نوع مخاطبان: بررسی ارتباط مستقیم مفاهیم مطرح‌شده با شرایط سیاسی-اجتماعی حاکم بر جلسه و ترکیب تخصص مخاطبانی که مورد خطاب بیانات قرار گرفته‌اند.
- پیاده‌سازی دقیق این روش‌شناسی کیفی و داده‌بنیاد، اولاً آشکار می‌سازد که چگونه برخی مفاهیم آینده‌شناسانه در دوره‌ای به عنوان دغدغه اصلی مطرح شده و به مرور در پی حوادث تاریخی یا ساختاری دچار رکود موقت شده‌اند. این موضوع به خط‌مشی‌گذاران اجازه می‌دهد اصول، آرمان‌ها و اهداف برتر انقلاب را که تحت تأثیر موانع به حاشیه رفته‌اند، مجدداً بازشناسی کرده و در اسناد آینده‌نگارانه فعال سازند. همچنین فرآیند تفسیری فراتر از متن، مانع از تقلیل نگاه نظام اسلامی به تک‌جملات پراکنده گردیده و تصویری منسجم، متصل و نظام‌مند عرضه می‌کند که در آن هر مفهوم جایگاه متمایز خود را در پازل کلان تمدن نوین اسلامی و آینده تمدنی کشور به خوبی نمایان می‌سازد.

۳. چارچوب ترسیم آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب

منظور از چارچوب ترسیم آینده در دیدگاه رهبر شهید انقلاب، اصولی کلی است که بر بیانات آینده‌ای ایشان حاکم است و هر مفهوم آینده‌شناسانه‌ای که توسط ایشان مطرح می‌شود در این چارچوب قرار داشته و از قواعد آن پیروی می‌کند. درخصوص این چارچوب، چهار رکن اساسی را می‌توان برشمرد؛ رکن اول امیدآفرینی، رکن دوم خلق استعاره، رکن سوم دعوت به گفتمان عمومی و رکن چهارم الگوی خود و دیگری است که در ادامه، این چهار رکن، شرح داده می‌شود.

شکل ۱. چارچوب کلی ترسیم آینده در اندیشه رهبر شهید انقلاب



۱-۳. محوریت امیدآفرینی

یکی از ارکان اصلی ترسیم آینده در نگاه رهبری امیدآفرینی است. این موضوع در تمامی مقاطع پس از انقلاب اسلامی توسط رهبر شهید مطرح شده است. نکته اساسی این است که امیدآفرینی ارتباط زیادی با انسجام اجتماعی دارد. امید، باوری به مثبت بودن آینده است که می‌تواند افراد را به ادامه فعالیت ترغیب نماید، به همین دلیل امید در شکل‌دهی به جامعه و ترسیم آینده نقش مهمی را داراست. در دیدگاه رهبری امید بزرگ‌ترین قوه محرکه انسان است که اگر وجود داشته باشد سبب حرکت شده و در صورتی که نباشد منجر به زوال خواهد بود [۸]. همچنین امید عامل اصلی در صحنه بودن مردم است [۹].

در نگاه رهبری امیدآفرینی ابعاد گوناگونی دارد. یکی از ابعاد امیدآفرینی در اندیشه ایشان، جنبه الگو بودن و امیدآفرینی انقلاب اسلامی برای سایر مردم جهان است. از طرفی یکی از ابعاد مهم این موضوع، تلاشی است که دشمن در راستای القای ناامیدی و یأس آفرینی می‌کند [۱۰]. در دیدگاه رهبری، بنا بر تجربه تاریخی، استعمار و استکبار جهانی برای آنکه بتوانند به بهره‌کشی از ملتی بپردازد، کاری که ابتدائاً انجام می‌دهند زوال روح امید در مردم مورد استعمار است که به این واسطه آن مردم در انجام هرگونه اقدامی ناتوان شده و انسجام خود را از دست می‌دهند [۱۰]. یأس آفرینی در اندیشه رهبری به حدی مذموم است که ایشان سخنان ناامیدکننده را از آن استکبار می‌دانند [۸].

در بیانات ایشان، ناامیدی سبب زوال آینده می‌شود: «ناامیدی درد بزرگی است و برای نابود کردن یک ملت، از همه وسایل مؤثرتر، ناامید کردن آن ملت است. ملتی را ناامید کنید، نابود می‌شود. وقتی امید نبود، حرکت و نشاط نیست. وقتی حرکت و نشاط نبود، آینده نیست [۱۱]. در این صورت‌بندی، ناامیدی است که سبب «نابودی ملت و آینده» می‌شود، لذا باید با هرگونه جریان رسانه‌ای که به ناامیدسازی و توهم بن‌بست منجر می‌شود، به شدت مقابله کرد، چراکه این مسئله احساس افتخار را از ملت می‌گیرد [۱۲]. یکی از وجوه آینده‌شناسانه مفهوم ناامیدی آن است که در نگاه رهبری، ناامیدی شکست قطعی را رقم می‌زند [۹].

با ورود به دهه نود و تشدید فشارهای اقتصادی، مسئله امیدآفرینی و مقابله با یأس در بیانات رهبری بیشتر تکرار می‌گردد. این موضوع هم از نظر تکرار این مفهوم، هم از نظر تشدید معنایی عبارات مرتبط با موضوع قابل‌پیگیری است. به‌عنوان مثال رهبری در موضوع یأس آفرینی می‌فرماید: «شما اگر ایران‌دوست هستید، یکی از علائم و شاخص‌های ایران‌دوستی شما این است که امیدآفرینی کنید؛ اگر یأس آفرینی کردید، نمی‌توانید بگویید ایران‌دوستید. شاخص عمده ایران‌ستیزی یأس آفرینی است، امیدسوزی است، القای ناتوانی است، القای بن‌بست است؛ اینها شاخص‌های ایران‌ستیزی است. آنهایی که ایران را دوست دارند، نقطه مقابل این، حرکت می‌کنند [۱۳].»

یکی از دیگر موضوعات مهم مرتبط با امیدآفرینی، مسئله جریان نقد و انتقادهاست [۱۴]. از آنجاکه امیدآفرینی در نگاه رهبری اهمیت بالایی دارد، بر مقوله انتقاد اولویت می‌یابد و نحوه انتقاد با شرایطی همراه می‌شود. این مهم باید به‌گونه‌ای باشد که مانع از یأس آفرینی و سیاه‌نمایی باشد: «دشمن، دشمن است دیگر. آنچه مهم است این است که ما به این جو [سیاه‌نمایی دشمن] کمک نکنیم؛ من این را می‌خواهم عرض بکنم؛ آن نقطه اصلی عرض من همین است. ما به این جو کمک نکنیم؛ ما در آلوده کردن فضای عمومی ذهن مردم تأثیر نگذاریم؛ یعنی ما باید در جهت عکس عمل کنیم. گاهی اوقات توجه نمی‌کنیم و این اتفاق می‌افتد؛ گاهی اوقات در بیان برخی از مشکلات مبالغه می‌کنیم، گاهی اوقات در بیان آن انتقادی که نسبت به یک دستگاهی یا به یک شخصی داریم، مبالغه می‌کنیم. این مبالغه مضر است؛ این مبالغه در آلوده کردن و هرچه بیشتر مضطرب کردن افکار عمومی به کار خواهد رفت؛ این کاری است که باید به آن توجه کرد و ویروس بدبینی را نباید گسترش داد [۱۵].»

۲-۳. راهبرد خلق استعاره

حکمرانی در دوره کنونی عنصری صرفاً برخاسته از نهادها، برنامه‌ریزی و اجرا نیست. فراتر از مفهوم «حکمرانی» که بر عناصر مذکور دلالت دارد، در عصر حاضر، مفهوم «حکمرایی» مطرح است. در این نگاه قدرت صرفاً ناشی از اعمال مستقیم قانون نیست، بلکه



قدرت در تعریف معنای مفاهیم کلیدی، کلان‌روایت‌ها، چارچوب تفکر و گفتمان‌های اصلی است. در این چارچوب، خلق استعاره‌ها اهمیت کلیدی دارند. استعاره‌ها چارچوب‌های ذهنی و زبانی هستند که معنای مواجهه با پدیده‌ها را تغییر می‌دهند. به واسطه استعاره‌ها می‌توان در موقعیت‌های مختلف، فهم عمومی از پدیده را تغییر داد، امری که در سیاست عمومی و بین‌المللی تأثیر به سزایی دارد.

اما در صحنه سیاسی ایران، خط‌مشی‌گذاری روایی و خلق استعاره با نگاه تقلیل‌گرا به سیاست مغفول واقع شده است. در شرایطی که عمده‌تأ امور عینی و اعمال قدرت به‌عنوان عنصر اصلی سیاست تلقی می‌شود، ساخت روایت و خلق استعاره به‌عنوان عنصر محوری در سیاست به‌کناره می‌رود، این موضوع سبب می‌شود در عرصه گفتمان‌سازی عمومی، جامعه دچار یاس، ناامیدی، تشویش خاطر و پراکندگی در فهم پدیده‌ها شود. این امر ناشی از آن است که خلق روایت‌ها و استعاره‌های دچار تشتت، ناهماهنگی و در برخی موارد، ضدیت با اهداف است و امری نهادینه در ساختار حکمرانی نیست.

رهبر شهید انقلاب به‌عنوان اصلی‌ترین حکمران کشور، در عرصه سیاست عمومی داخلی و سیاست خارجی متوجه امر روایت و خلق استعاره بوده‌اند. ایشان در تمامی کنش‌های سیاسی‌شان، سعی در ارائه دیدگاه‌های خود در مخاطب با مردم داشته‌اند. در بسیاری از موارد حساس تاریخی نیز، برای ساخت روایت به دیدار با عموم اقشار مردم پرداخته‌اند. یکی از موارد مشهود در تلاش ایشان برای خلق استعاره برای عموم مردم، تعیین شعار سال بوده است؛ به‌عنوان مثال عبارت «تولید» پای ثابت شعارهای سال از سال ۱۳۹۸ بوده است. در کنار این موارد برخی از جریانات کلان را استعاره‌های رهبری ایجاد نموده‌اند، از جمله این جریانات می‌توان به استعاره «تهاجم فرهنگی» اشاره کرد. این مفهوم مواجهه با دیگری را بازنمایی می‌کند و در این مواجهه دشمنی دیگری استکباری را در امر فرهنگ یادآوری می‌کند، معنای حاصل آن است که ملت ایران بر هویت ملی و دینی خود پایبند است و در بسیاری از عرصه‌ها دشمن خود را شکست داده است، حال این «دشمن» است که فرهنگ و هویت را هدف قرار داده است، پس در برابر آن باید «آرایشی جنگی» گرفت. این استعاره در سال‌های طولانی با عبارات مشابهی مانند شیخون فرهنگی، غارت فرهنگی، ناتوی فرهنگی و... مطرح شده است.

یکی از جریانات مهمی که با حکمروایی رهبری شکل گرفته و اثر عظیمی را در کشور گذاشت، رشد علمی دهه هشتاد و نود بوده است. این رشد علمی از استعاره «جنبش نرم‌افزاری» و «جنبش علمی» آغاز گشته و اهداف بلندی چون «مرجعیت علمی» را مطرح کرده است. این استعاره که به خودانگیختگی و حرکت متکی است توانست جریان مهمی را در جوانان و دانشجویان شکل داده و مبنایی برای اعتمادبه‌نفس ملی و خلق ظرفیت‌های جدید شود. در بیانات و پیام‌های رهبری موارد متعددی را می‌توان یافت که بر خلق استعاره‌ها و مفاهیم متکی‌اند. مخاطب این استعاره‌ها غالباً عموم مردم و جوانان هستند و به این دلیل است که قهرمان روایت‌ها در منظومه حکمروایی رهبری عموم مردم هستند. در ادامه گزارش مفاهیم و استعاره‌های اصلی رهبری در هر حوزه مطرح می‌شود.

۳-۳. محوریت کنشگری و مشارکت مردم

در اندیشه رهبری، مردم جایگاه ویژه‌ای دارند. ایشان هم در مباحث فکری مبتنی بر مبانی اسلامی برای مردم جایگاه ویژه‌ای قائل هستند و هم در سیاست‌ورزی، یکی از پایه‌های حکمرانی و تحلیل را بر مبنای مردم قرار می‌دهند [۱۶]. اعتقاد به مردم صرف یک عقیده نیست، بلکه از منظر جامعه‌شناختی نیز زمینه انسجام اجتماعی برای پیشبرد بسیاری از اهداف لازم و ضروری است. رهبری نیز در بیانات متعدد موفقیت در آینده را منوط به همراهی مردم می‌داند [۱۷]. تکیه به مردم در نگاه رهبری در برابر دیدگاهی است که برای پیشبرد اهداف صرفاً بر همراهی نخبگان تأکید می‌نماید [۱۸]، این دیدگاه برخاسته از مبانی اسلامی است که در آن بر مردم نسبت به نخبگان اولویت قائل است؛ امیرالمؤمنین (ع) در نامه به مالک‌اشتر می‌فرماید: «باید محبوب‌ترین کارها نزد تو اموری باشد که در جهت رعایت حق از همه کامل‌تر و از نظر عدالت شامل‌تر و از نظر رضایت عمومی مردم جامع‌تر باشد، زیرا خشم

توده مردم خشنودی خواص را بی‌اثر می‌سازد؛ اما ناخشنودی خاصان با رضایت عامه مردم بخشوده و جبران‌پذیر است.» همچنین در دیدگاه رهبری در نسبت با مردم، مفهوم جنبش یا نهضت مطرح است؛ بدین معنا که در ارتباط با مسائل کنونی و همچنین ساخت آینده، مردم باید در مشارکت با یکدیگر دست به اقداماتی منسجم بزنند. امری که در مبانی اسلامی نیز در آیه شریفه ۲۵ سوره حدید بدین شکل مطرح است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند.) در این آیه شریفه حرکت مردمی برای برقراری عدالت مورد انتظار است. در این خصوص نکته‌ای که اهمیت دارد آن است که حکمرانان باید این مشارکت مردمی را پذیرفته و برای آن زمینه‌سازی نمایند.

در همین راستا بسیاری از استعاره‌های جریان‌سازی که توسط رهبر شهید مطرح شده‌اند، مخاطب اصلی‌شان عموم مردم بوده‌اند. در این بیانات عمدتاً وظیفه اصلی راهبری جریان را مردم باید برعهده گرفته و نوعی خیزش عمومی توصیه می‌شود. در این دعوت‌ها به نهضت عمومی عمدتاً سویه مربوط به آینده دارد، به‌طوری‌که ساخت آینده روی دوش مردم است و قهرمان پیروزی‌های آینده نیز مردم‌اند. یکی از آینده‌نگرترین خطاب‌های رهبر شهید، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است که در ابتدای آن صراحتاً ذکر می‌شود: «خطاب به ملت ایران».

این دعوت به نهضت عمومی سابقه طولانی دارد و در جای‌جای بیانات رهبر شهید دیده می‌شود. ایشان در ابتدای دوره سازندگی عموم مردم را به امر سازندگی دعوت می‌نمایند [۱۹]. همچنین با بروز مسائل فرهنگی و طرح استعاره تهاجم فرهنگی، برای مقابله با دشمن، به طرح دعوت عمومی می‌پردازند و این امر تا جایی اهمیت می‌یابد که نهضت عمومی مردم را مقدم بر ساختارهای رسمی می‌دانند و استعاره «آتش به اختیار» را به کار می‌برند [۲۰]. در موارد دیگری مانند جنبش نرم‌افزاری و اقتصاد مقاومتی، نیز دعوت عمومی برای ساخت آینده صراحتاً مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال، رهبر شهید در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، یکی از ارکان بایسته در اجرای این خطمشی‌ها را مردم‌محوری دانسته و بر پیشرفت کارها به‌واسطه مردم تأکید می‌نمایند [۲۱]. نکته‌ای که در دعوت به نهضت عمومی باید به آن اشاره نمود این است که نقش برخی اقشار در این دعوت پررنگ‌تر به‌نظر می‌رسد. از میان اقشار گوناگونی که مخاطب دعوت عمومی‌اند جوانان نقش پررنگی در نهضت عمومی برای ساخت آینده ایران دارند. این مهم در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مشهود است: «دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به‌دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند [۲۲].»

همچنین در نگاه رهبر شهید انقلاب، نوجوانان نیز یکی از اقشاری است که با جوانان جمع بسته شده [۲۳] و مورد توجه ایشان در ارتباط با ساخت آینده ایران قرار می‌گیرد. نوجوانان و جوانان اگرچه مورد تهدید جنگ نرم دشمن قرار دارند، اما یکی از پایه‌های ساخت آینده هستند: «بعد از آنکه شما نوجوانان عزیز در این میدان با عظمت و در این بهار باطراوت نوجوانی، حرکت درست را انجام دادید، آن وقت انسان می‌تواند مطمئن باشد که فردای این کشور، فردای بهتر از امروز است؛ شما مردان فردا، مدیران فردا، فعالان فردا، و شخصیت‌های فردا هستید. فردای این کشور متعلق به شما نوجوانان است؛ شما هستید که این کشور و این ملت را و این حرکت و این تاریخ را اداره خواهید کرد؛ خودتان را برای آن روز آماده کنید [۲۴].»

همچنین در عرصه آرمان‌خواهی و پیگیری اهداف انقلاب اسلامی یکی از اقشاری که همواره مورد خطاب قرار می‌گیرند، دانشجویان و دانشگاهیان بوده‌اند [۲۵]. این خطاب به دانشگاهیان هم در عرصه علم و فناوری ذیل استعاره جنبش نرم‌افزاری اهمیت می‌یابد و هم در عرصه آرمان‌خواهی در نسبت با اهداف انقلاب اسلامی بیان می‌شود. یکی دیگر از اقشار بااهمیت در دعوت به نهضت عمومی



طلاب و روحانیون هستند که نقش مهمی در بسیج عمومی مردم در پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌اند. این قشر هم در بعد تفکر و مبانی انقلاب اسلامی وظایف زیادی بر دوش دارد و هم در مسئله تبلیغ مورد خطاب رهبری است [۲۶].

۴-۳. چارچوب کلان خود و دیگری

کلان‌ترین شکل آینده‌شناسی رهبر شهید را می‌توان در چارچوب خود و دیگری فهم کرد. در این چارچوب خود به معنی جامعه اسلامی است که در آن مقابله‌ای نفس‌گیر با استکبار جهانی وجود دارد. این موضوع را می‌توان در تمامی بیانات ایشان ناظر به حال و آینده مشاهده نمود. همان‌طور که در اساسی‌ترین شعارهای دین مبین اسلام مانند ذکر تهلیل، نفی آلهه غیر از خدا بر اثبات خدا مقدم است، در اندیشه رهبر شهید نیز این مسئله توحیدی حضوری پررنگ دارد، به‌گونه‌ای که در بیانات ایشان نفی استکبار جهانی و مقابله با آن بر بسیاری از مسائل داخلی پیشی گرفته و اهمیت بیشتری می‌یابد.

این موضوع را می‌توان در جای‌جای مباحث ایشان یافت، ایشان نه تنها در مسائل سیاست خارجی به نفی دیگری می‌پردازند، بلکه در خلق استعاره برای موضوعات مختلف از چارچوب مقابله با دیگری استفاده می‌نمایند. در فرهنگ ایشان از استعاره تهاجم فرهنگی استفاده می‌نمایند که بیانگر نگاه ایشان به عرصه فرهنگ به‌عنوان عرصه‌ای است که در آن منازعه با دیگری از جنس جنگ و جدال صورت می‌گیرد. در استعاره جنگ اقتصادی نیز عبارت «جنگ» بیانگر نگاه ایشان نسبت به اهمیت مواجهه با دیگری در عرصه اقتصادی است.

ایشان یکی از اساسی‌ترین دلایل لزوم رشد علمی را استقلال کشور می‌دانند: «به‌طور علمی معتقدم که یک خودآگاهی جمعی باید در همه محیط‌های علمی نسبت به فرهنگ وارداتی و تحکم‌آمیز و زورگویانه غربی به وجود آید [۲۷].» در تأکید ایشان نسبت به اهمیت انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای نیز توجه به «خود» در برابر «دیگری» مشاهده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که ایشان انرژی هسته‌ای را برای آینده‌ای مستقل در حوزه انرژی ضروری می‌دانند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این چارچوب فهم کلان روایتی است که ایشان از تاریخ پیش از انقلاب اسلامی ارائه می‌دهند. در ترسیم تاریخ ایشان از جریان‌های دیگری استکباری یاد می‌کنند که سعی در تغییر هویت ملت‌ها داشته و با ابزارهای مختلف منابع مادی و معنوی آنان را به تاراج می‌برند.

۴. الهیات آینده



بنیادی‌ترین دیدگاه‌ها نسبت به آینده را باید در مبانی الهیاتی راجع به آینده جست. مبانی الهیاتی حکم نگرش‌های کلانی را دارند که در تمامی بیانات و کنش‌های عینی رهبر شهید سایه گسترده‌اند. در این بخش بنیادی‌ترین مبانی الهیاتی مرتبط با آینده بررسی می‌گردند. این مبانی در طرح کلان تمدنی و بخش‌های گوناگون فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و علمی خود را به‌صورت اصول و انگیزه‌های عمل بازتاب می‌دهند. همچنین این مبانی الهیاتی در حکم فلسفه تاریخ برای گفتمان انقلاب اسلامی هستند که طبق آنها سرانجام تاریخ و فرایند رسیدن به آن مشخص می‌گردد.

شکل ۲. مؤلفه‌های محوری الهیاتی در طرح مباحث آینده‌نگرانه در نگاه رهبر شهید انقلاب



مأخذ: همان.

۴-۱. مستضعفان

یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌های الهیاتی که مورد توجه امام خمینی (ره) و رهبر شهید (ره) بوده است، نگرش ایشان به وراثت زمین توسط مستضعفان مبتنی بر آیه شریفه ۵ سوره قصص است: «وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم). در این آیه شریفه، آینده جهان مبتنی بر پیروزی نهایی مستضعفان در زمین است، امری که در حکم سرانجام تاریخ در فلسفه تاریخ انقلاب اسلامی است. این نگرش آینده‌شناسانه که وعده پیروزی اسلام را می‌دهد، باعث شده تا انقلاب اسلامی نیز یکی از مهم‌ترین اقدامات خود را حمایت از مستضعفین چه در سطح ملی، چه در سطح بین‌المللی تعریف نماید [۲۸].

۴-۲. سنت‌های الهی

سنت‌های الهی در فلسفه تاریخ انقلاب اسلامی در حکم قواعد ضروری و حتمی هستند که بر حرکت تاریخی حاکم‌اند. این سنت‌ها هم در نسبت با عمل انسانی هستند؛ آن‌طور که در آیه ۱۱ سوره رعد بیان شده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه آنان خود را تغییر دهند). هم در مواردی در حکم قواعد حتمی و ضروری تاریخ عمل می‌نمایند، به‌عنوان مثال در آیه ۸۳ سوره قصص بیان شده است: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (سرانجام برای پرهیزکاران است).



در انقلاب اسلامی نیز سنت‌های الهی در موارد متعددی در نسبت با شرایط تاریخی جهان و کنش‌های مردم عمل کرده‌اند؛ تا آنجا که نفس پیروزی انقلاب اسلامی نیز خود یکی از سنت‌های الهی بود، چرا که این انقلاب در شرایطی به پیروزی رسید که فساد و تفکرات مادی بر تمام جهان سیطره یافته بود. [۲۹] همچنین تداوم حرکت انقلاب و بیداری مسلمین جهان نیز از سنت‌های الهی است: «خدای متعال، طبق قوانین و سنن قطعیه عالم، شرایط را به گونه‌ای ترتیب داده است که این حرکت عظیم اسلامی و بیداری مسلمین متوقف نشود و متوقف نشده است. در همه جای دنیای اسلام، روشن‌فکرترین قشرها و پیشرفته‌ترین نسل‌ها، به یاد اسلام سخن می‌گویند و دل‌هایشان به عشق اسلام می‌تپد [۳۰].»

۳-۴. نصرت الهی

سنت‌های الهی بسیار به عمل انسانی بستگی دارند، در انقلاب اسلامی نیز پیروزی در آینده مشروط بر عمل مجاهدانه قطعی پیش‌بینی می‌شود؛ لذا سنت‌های الهی نوید پیروزی و به اهتزاز درآمدن پرچم مستضعفان را می‌دهند [۲۸]. در بسیاری از بیانات رهبر شهید به آیات مرتبط با سنت نصرت الهی اشاره می‌شود: «[امام خمینی می‌فرمودند] از اول، ما به فکر بودیم ببینیم چه چیزی تکلیف ما است؛ مبارزه با رژیم شاه تکلیف ما بود؛ اعتراض به فلان عمل خلاف آنها تکلیف ما بود؛ ایستادگی در مقابل تحمیل آنها تکلیف ما بود؛ افشاگری در تسلط صهیونیست‌ها و اسرائیلی‌ها تکلیف ما بود؛ وهلم‌جرا! خود خدای متعال این‌جوری پیش آورد. این حقیقت قضیه است: ایمان بود، جهاد بود، اخلاص بود، عمل صالح بود و نصرت هم نتیجه قهری اینها است. خدای متعال اصدق القائلین است که فرموده: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا؛ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ. یا «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ». این آیات و روایات، حقیقت است، بیان واقعیات است [۳۱].»

یکی از ثمرات اعتقاد به سنت‌های الهی در فلسفه تاریخ، نگرش کلان تاریخی است. بر این اساس بسیاری از حوادثی که در یک مقطع رخ می‌دهند، در مقایسه با جریان کلان تاریخ معنای متفاوتی می‌یابند، لذا روایت یک حادثه ممکن است در نسبت با سنت‌های الهی و کلیت تاریخ متفاوت باشد. رهبری این موضوع را با ظرافت در داستان حضرت موسی (ع) برای آزادگان دفاع مقدس مثال می‌زنند: «آن روزی که خدای متعال، موسی را که بچه یک روزه یا چندساعته‌ای بود و مادرش او را به آب انداخته بود و به خدا سپرده بود، به او برگرداند، به وعده خود عمل کرد: «آنا راډوه الیک». خدای متعال در اینجا، دو وعده به مادر موسی کرد: یک وعده این بود که «آنا راډوه الیک»؛ ما او را به تو برمی‌گردانیم. مادر هم دلش به همین وعده اول بیشتر بند بود... وعده دومی هم بود که برای مادر موسی، خیلی باورکردنی نبود، این بود: «و جاعلوه من المرسلین»؛ نه فقط ما او را برمی‌گردانیم که پیامبر مرسل خودمان هم خواهیم کرد. اولی برای مادر موسی قابل فهم بود؛ یکی داخل آب می‌رود و موسی را می‌گیرد و به مادرش برمی‌گرداند - اگرچه خیلی دشوار بود - اما همین بچه را «جاعلوه من المرسلین»؟! آیه قرآن می‌فرماید: «فرددناه الی امه» او را به مادرش برگرداندیم، «کی تقرّ عینها» تا چشمش روشن شود، «و لتعلم انّ وعدالله حق» و بداند که وعده خدا درست است؛ یعنی آن وعده دوم هم عملی خواهد شد. دیدی وعده اول چطور زود عملی شد؟ دیدی بچه‌ای که در راه خدا داده بودی، چه طور زود به تو برگشت؟ آن وعده هم به همین شیرینی تحقق پیدا خواهد کرد. عزیزان من، آزادگان، رزمندگان، خانواده‌ها، هجران کشیده‌ها، دل‌دادگان به اسلام و انقلاب و حاکمیت جهانی اسلام و همه ملت! یازده سال گذشت. در مقیاس تاریخ، یک چشم برهم‌زدن است؛ بیشتر که نیست. شما اگر تاریخ را نگاه کنید و بخوانید، می‌بینید که ده سال و یازده سال و پانزده سال و بیست سال، در طول تاریخ هیچ است؛ یک چشم به هم‌زدن است. در یک چشم برهم‌زدن، وعده اول الهی تحقق پیدا کرد.»

۱. این موضوع در گزارش‌های حکمرانی مبتنی بر نظام سنن الهی هم اشاره شده است. نحوه دسترسی: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1754206>

۴-۴. شکست دشمنان

یکی از سنت‌های الهی که با عمل مجاهدانه براساس دیدگاه‌های الهی محقق خواهد شد، شکست دشمنان است. این موضوع در کلام رهبر شهید بازتاب یافته است: «شکست نداریم که پیروزی از آن اسلام است؛ این جبهه کفر با همه وسعت، با همه زرق و برق، با همه توپ و تشری که می‌زنند، بالاخره در مقابل امت اسلامی و جبهه اسلامی مبارز و مجاهد وادار به عقب‌نشینی خواهد شد. وَ لَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا؛ این سنت الهی است و تردیدی در این وجود ندارد. شرطش فقط این است که ما تلاش کنیم، ما حرکت کنیم، ما راه بیفتیم، ما کار کنیم؛ اگر ما کار کردیم، این سنت الهی است که دشمن باید عقب‌نشینی کند و عقب‌نشینی هم می‌کند [۳۲].»

۵. طرح کلان و آینده تمدنی

منظور از آینده تمدنی یک تصویر جامع و کلان از وضعیت ایران در آینده است و منظور بخش‌ها و ظرفیت‌های خاص آینده ایران نیست. این تصویر جامع معمولاً با واژه‌هایی چون تمدن، حیات طیبه، سازندگی، پیشرفت و... ترسیم می‌شود. نکته اساسی آن است که این تصویر در دوره‌های مختلف تاریخ بعد از انقلاب به صورت گفتمان‌های متفاوتی بروز کرده و در بخش‌های فرهنگ، اقتصاد، سیاست و علم آثار مختلفی گذاشته است.

این بخش به تحولات این تصویر از آینده تمدنی ایران از منظر تاریخی می‌پردازد و سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که در هر دوره تاریخی آینده تمدنی ایران با چه مفاهیمی در اندیشه رهبر شهید صورت‌بندی گردیده است و چه گفتمانی بر آن حاکم بوده است. همچنین مفاهیم متضاد هر دوره نسبت به این تصویر چه بوده است. یافته‌های این بخش حاکی از آن است که در تمامی مراحل تاریخ پس از انقلاب اسلامی، استعاره‌های کلان آینده از حالتی ذهنی و الهیاتی به سوی وضعیتی عینی و انضمامی تغییر شکل داده‌اند؛ مفاهیم اولیه تحت عنوان حیات طیبه و جامعه مهدوی صورت‌بندی شده، سپس مفهوم تمدن و الگو در مرکز توجه قرار گرفته و نهایتاً مفاهیمی چون اقتصاد مقاومتی و ایران قوی تصویرساز آینده می‌گردد.

شکل ۳. سیر مفاهیم کلان آینده‌شناسانه در دهه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اندیشه‌های رهبر شهید انقلاب

دهه شصت: صورت‌بندی الهی	دهه هفتاد: سازندگی و عدالت	دهه هشتاد: تثبیت و پیشرفت	دهه نود: مواجهه عینی و آرماتی
- تحقق سنت‌های الهی - حیات طیبه - جامعه مهدوی - تمدن نوین اسلامی	- سازندگی - عدالت‌گستری - تلاش مداوم - مقابله با - اشرافی‌گری	- نقد الگوی توسعه - الگوی پیشرفت - ایران، الگوی اسلامی، منطقه‌ای و جهانی	- درون‌زایی - گام دوم انقلاب - ایران قوی

مأخذ: همان.



۱-۵. دهه شصت؛ صورت الهیاتی جامعه مطلوب

در فضای ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، یک صورت الهیاتی اولیه را می‌توان مشاهده نمود که حاکی از وضعیت انقلاب اسلامی طبق سنت‌های الهی است. این سنت‌های الهی هم در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشته‌اند و هم در بقای آن مؤثرند، از این رو می‌توان این سنت‌ها را مربوط به آینده انقلاب اسلامی دانست. محور این سنت‌های الهی آن است که در شرایطی که فرهنگ غرب و سرمایه‌داری به صورت فراگیری توسعه یافت، انقلاب اسلامی با عنایت الهی به پیروزی رسید این موضوع را می‌توان در این بخش از بیانات رهبر شهید ملاحظه نمود:

«صاحب مسئله خود خدا است که دارد این فکر را پیش می‌برد؛ این، سنت‌های الهی است؛ ما هم یکی از آن کسانی و مجموعه‌هایی هستیم که این سنت روی ما عمل کرد. نه اینکه خیال کنیم ما بودیم که اسلام را در دنیا به این ابهت رساندیم که حالا در آفریقا و اروپا و همه‌جا مسئله اسلام برای استکبار جهانی، شده یک مسئله خطرناک که از آن احساس خطر می‌کنند - یعنی این شبهه برای ما به وجود نیاید که ما به عنوان خودمان هستیم که داریم استکبار جهانی را می‌ترسانیم و می‌لرزانیم - نه، اسلام است و سنت الهی در تاریخ اقتضا می‌کرد که تفکر اسلامی و اندیشه پاک الهی در یک نوبتی رو بیاید؛ و معلوم می‌شود آن نوبت آغاز شده. یکی از نشانه‌های ما هستیم؛ یکی از نشانه‌هایش لبنان است؛ یکی از نشانه‌هایش آفریقا و کشورهای مختلف اسلامی است؛ یکی از نشانه‌هایش احساس ضعف دنیا در مقابل تفکر الهی و توحیدی است که وجود دارد و دارد به وجود می‌آید [۲۹].»

در بیانات رهبری می‌توان این موضوع را پرتکرار یافت که انقلاب اسلامی در دوره‌ای به پیروزی رسید که فساد، ظلم و تباهی و اندیشه‌های مادی سراسر دنیا را گرفته بود و سنت الهی بر آن بود تا دین حق غلبه پیدا کند. این وضعیت منجر به آن می‌شد که هدایت الهی در موارد مختلفی به کمک انقلاب بیاید چنان که یک دست غیبی انقلاب را هدایت می‌کند [۳۳]. این صورت اولیه به مثابه ماهیت و تصویر آغازین انقلاب است و طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی در اندیشه رهبری حضور دارد تا آنجا که در بیانیه گام دوم انقلاب نیز یکی از مقدمات بیانیه اشاره به ظهور انقلاب اسلامی در عصری است که جهان بین شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان نمی‌کرد یک انقلاب با شعار دین پیروز گردد [۲۲].

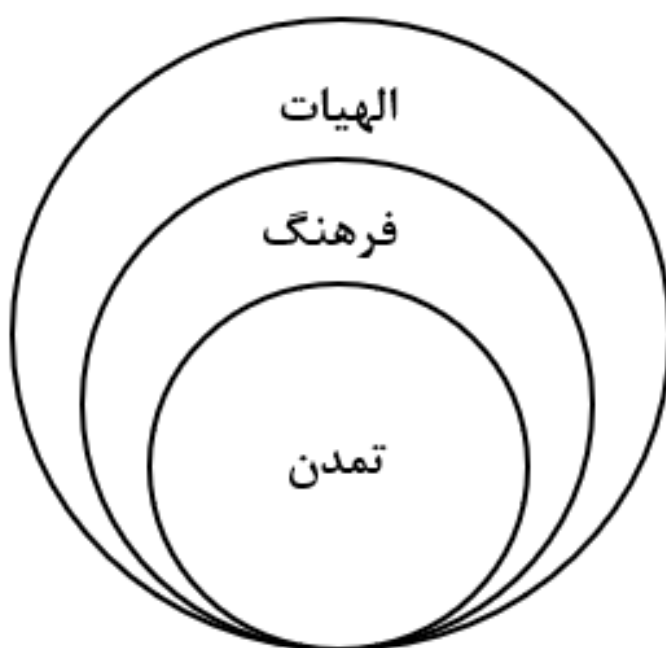
از مفاهیم الهیاتی بااهمیت دیگر در دوره آغازین انقلاب اسلامی تا پیش از دهه هفتاد ترسیم جامعه مهدوی است. جامعه پس از ظهور از آن جهت که ترسیم‌کننده آینده آرمانی جامعه است در شکل‌دهی به وضعیت کنونی جامعه نیز بسیار اهمیت دارد، لذا می‌توان مهم‌ترین مفاهیم آینده‌شناسانه را در آن یافت. بنا بر اندیشه رهبری، در جامعه مهدوی ظلم و استثمار رنگ می‌بازد، سطح اندیشه انسانی ارتقا می‌یابد و نیروهای طبیعت استخراج می‌شوند. در آن جامعه محوریت بافضیلت و اخلاق است. اما نکته مهم در رابطه با جامعه مهدوی آن است که چنین جامعه‌ای به تدریج ساخته می‌شود و انقلاب اسلامی نیز که خود موجب تسریع در ظهور است، باید تلاش نماید تا خود را به آن صورت آرمانی شبیه نماید [۳۴].

امکان ساخته شدن تدریجی جامعه مهدوی و نقش انقلاب در تسریع ظهور با شبیه شدن به آن باعث می‌شود تا آرمان‌های انقلاب بسیار مشابه با صورت‌های آرمانی جامعه مهدوی گردند، امری که می‌تواند مورد مطالعه آینده‌پژوهانه قرار گیرد. نکته دیگر این که ظهور در اندیشه رهبری امری ساختنی است و منتظران در ظهور امام‌زمان (عج) نقش دارند و این انتظار سبب رکود و بی‌عملی نمی‌گردد، بلکه باعث می‌شود منتظران در ساخت آینده نقش ایفا کنند، بنابراین این صورت‌بندی از ظهور معطوف به آینده است. مفهوم الهیاتی دیگری که در این دوره مطرح می‌شود مفهوم حیات طیبه است. حیات طیبه مفهومی است که هم بعد مادی و هم بعد معنوی زندگی انسان‌ها را در برمی‌گیرد [۳۵]. این مفهوم در بستر پاسخ به این تصور است که اسلام صرفاً پاسخ‌گوی نیاز عبودیت و جنبه‌های معنوی انسان بوده و برای اداره جامعه کارآمد نیست. اما طبق این بیان حیات طیبه صورتی مطلوب از زندگی انسان‌هاست که هم بعد معنا و هم بعد ماده را در برمی‌گیرد و از این جهت از سایر تفکرات جهان برتری دارد.

دو مفهوم حیات طیبه و جامعه مهدوی که در دهه شصت به صورت گفتمان اصلی مطرح می‌شوند، نشان‌دهنده این موضوع‌اند که

در سال‌های آغازین، محور اصلی صورت‌بندی آینده با استفاده از صورت‌های ذهنی و مفاهیم الهیاتی بوده است و به فراخور موضوع مفاهیم مربوطه بیان می‌شده‌اند. این صورت‌های ذهنی اولیه ضمن اینکه به مثابه روح کلی حاکم بر صورت‌بندی مفاهیم انقلاب‌اند و در دهه‌های بعد نیز حضور دارند، در پایان دهه شصت به تدریج به مفاهیم عینی‌تری چون مفهوم تمدن می‌رسند. مفهوم تمدن اگر چه خود حاکی از ایدئالی ذهنی است، اما بیش از مفاهیم پیشین صورت‌های ساختاری و سخت دارد و بر ابعاد عینی‌تر جامعه تأکید دارد.

شکل ۴. سیر تطور مفاهیم کلان آینده‌نگر از ذهنی به عینی در اندیشه‌های رهبر شهید انقلاب



مأخذ: همان.

می‌توان ماحصل مفاهیم بیان شده را در مفهوم تمدن نوین اسلامی خلاصه کرد. این مفهوم که از میانه دهه شصت هجری شمسی به مرور مطرح می‌شود را می‌توان صورت تعیین‌یافته مفاهیم الهیاتی دانست. از طرفی تمدن بستر تحقق حیات طیبیه‌ای است که مادیت و معنویت در آن به هم می‌آمیزند چرا که تمدن صرفاً مربوط به جنبه‌های ذهنی و روحی جامعه نیست بلکه بعد سخت جامعه را نیز شامل می‌شود. همچنین مفهوم تمدن اسلامی وضعیتی در برابر تمدن مسلط غربی دارد، تمدن غربی که خود از دانش مسلمین سر برآورده و امروز مشکلات معنوی و مادی فراوانی را برای بشریت به بار آورده است، لذا در برابر این دیگری مفهوم تمدن اسلامی مطرح می‌گردد.

از آنجا که تمدن اسلامی یک صورت تاریخی دارد و در آن صورت تاریخی، دیگری غربی نیز افول یافته بوده است، می‌توان آن را غرور آفرین دانست و آن را بستری برای عزت و اعتماد به نفس ملی ترسیم کرد [۳۶]. اما واقعیت مربوط به تمدن این است که صرفاً مرتبط با ایران نبوده و باید با کشورهای اسلامی این موضوع تحقق یابد، لذا برای دستیابی به این هدف، ایران باید کشوری مستقل و آباد گردد تا بتواند برای سایر ملت‌ها الگو باشد [۳۷]. این موضوع خود ضرورت دوره بعدی که دوره سازندگی است را می‌رساند. البته همواره این خطر وجود دارد که ملت ایران در رسیدن به اهداف خود شکست‌خورده و در این صورت آبروی اسلام به خطر می‌افتد [۳۸].

نتیجه منطقی الهیات انقلاب که باز می‌توان آن را از ابتدا تا سال‌های اخیر مشاهده کرد در دو موضوع متبلور می‌شود: یکی مواجهه با دیگری و همچنین الگو شدن آن برای سایر ملت‌ها. چرا که انقلاب در برابر تفکرات مادی سر برآورده است و لاجرم با آن به



درگیری می‌پردازد و از آن که نفع تفکرات مادی در این نیست که یک گزینه جایگزین در دنیا مطرح باشد لذا آنان با ملتی که بخواهند به صورت مستقل در دنیا حضور داشته باشند و الگوی سایر ملت‌ها شوند مقابله می‌کنند [۳۷]. این نتایج خود دارای ماهیتی الهیاتی در جهت ارزش‌های مبارزه با ظلم و امر به معروف و نهی از منکر هستند، اما این مفاهیم نیز با صورت‌های عینی‌تری در زمینه مسائل سیاسی و فرهنگی مطرح می‌شوند.

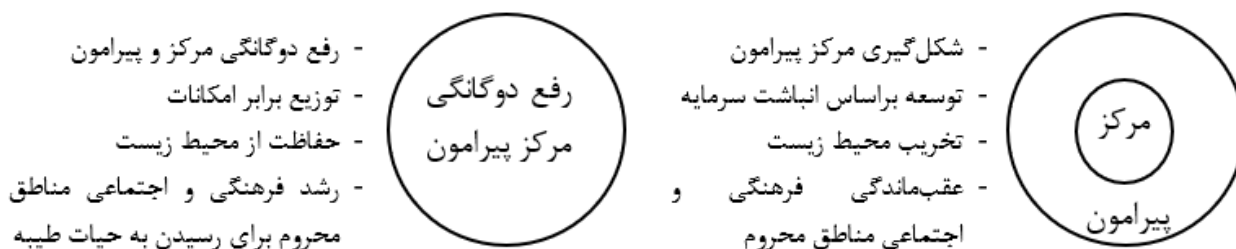
۲-۵. دهه هفتاد؛ سازندگی و مقدمات جهش

انقلاب در زمینه رفع گسترده محرومیت و جنگ در زمینه بازسازی، دو زمینه عمده تاریخی در طرح مفهوم سازندگی هستند. سازندگی یکی از اهداف انقلاب بود که با تأخیر به اجرا در آمد چرا که جنگ هشت‌ساله تحمیل گردید [۳۷]. سازندگی را می‌توان مفهومی معطوف به حوزه اقتصاد دانست که سعی آن در رفع محرومیت و دسترسی آحاد مردم به امکانات عمومی است [۱۹]. لذا از این جهت می‌توان آن را مفهومی محدودتر نسبت به مفهوم پیشرفت دانست، چرا که پیشرفت امری همه‌جانبه و گسترده‌تر است. از طرفی مفهوم سازندگی به مفهوم عدالت و توزیع امکانات در سطح آحاد جامعه تأکید دارد. امری که در طرح مفهوم پیشرفت در دهه هشتاد نیز مورد تأکید است، در طرح سازندگی از دیدگاه رهبری، رابطه مرکز و پیرامون شکل نمی‌گیرد و پیشرفت براساس آبادانی تمامی مناطق دنبال می‌شود، حتی به دلیل عقب‌افتادگی مناطق محروم، توجه بیشتری برای عمران مناطق پیرامونی صورت می‌گیرد، در این سیاست هدف آن است که مناطق محروم نیز واجد شرایطی شوند که مناطق برخوردار دارند، تحت چنین شرایطی است که مردم مناطق محروم نیز امکان رسیدن به حیات طیبه را خواهند داشت.

اما سازندگی ضرورت گسترش امکانات عمومی برای عده کثیری از مردم در دوره کوتاهی را ایجاد می‌کرد. امری که سبب رشد نقدینگی و افزایش تورم شد و در موارد متعددی به توسعه آمرانه و نوسازی منتهی گردید. در گفتمان نوسازی انباشت سرمایه در دست عده‌ای منجر به پیشرفت تلقی می‌شود، امری که با سازندگی مدنظر رهبری مغایر بوده است. این وضعیت سبب شد تا سرنوشت سازندگی با مفاهیم متضادی چون اشرافی‌گری و دنیاطلبی همراه گردد. این امر از سوی رهبر شهید به اشکال گوناگون مطرح شده است: «امروز بحمدالله مسئولین دلسوز و علاقه‌مند و رئیس‌جمهور انقلابی و مؤمن بر سر کارند، و کشور را می‌خواهند بسازند. اما عده‌ای، سازندگی را با مادی‌گرایی، اشتباه گرفته‌اند. سازندگی چیزی است، مادی‌گری چیز دیگری است. سازندگی یعنی کشور آباد شود، و طبقات محروم به نوایی برسند [۱۴].»

این امر سبب می‌شود تا رهبر شهید در بیانات متعددی به مسئولین خطر اشرافی‌گری را گوشزد کنند و مفهوم عدالت به عنوان مفهوم اصلی در پایان این دوره و دوره بعد مطرح گردد: «عدالت، مقوله‌ای است که امروز جمهوری اسلامی، مخاطب به آن است البته عدالت کامل و مطلق چیزی نیست که در ظرف دو سال و پنج سال و ده سال، به وسیله انسان‌های ناقصی از قبیل ما قابل استقرار یابد. عدالت، مقوله بسیار دشواری است... ولی آن چیزی که من می‌خواهم به مسئولان و به مردم عرض کنم، این نکته است که در دوران بازسازی، خطر دنیاطلبی بیشتر از همیشه است. در دوران بازسازی، ثروت‌ها انباشته می‌شود؛ چون دوران بازسازی، دوران تراکم کارها، دوران انباشت ثروت‌ها، دوران افزایش فعالیت‌های اقتصادی و دورانی است که اگر کسی می‌تواند تلاشی بکند و حرکتی اقتصادی بکند، راه برای او باز است. در چنین دورانی، آدم‌هایی که اهل دنیا هستند، آدم‌هایی که دلشان در بند زخارف دنیوی است، آدم‌هایی که منافع شخصی خود را بر منافع کشور و ملت و مصالح انقلاب ترجیح می‌دهند، دستشان باز است، برای این که بتوانند خدای نکرده به سمت اشرافی‌گری و زراندوزی و جمع مال و منال و سوءاستفاده بروند. دوران بازسازی، دوران شکوفایی و پیشرفت ملت و دوران ساختن کشور است. اما در همین حال، این دوران، دوران خطر گرایش آدم‌های ضعیف به سمت اشرافی‌گری و تجمل و انباشت ثروت و سوءاستفاده اقتصادی است. لذا همه باید خیلی مراقب باشند؛ هم مسئولان و هم آحاد مردم [۳۸].»

شکل ۵. مقایسه مدل پیشرفت اقتصادی توسعه با سازندگی در نگاه رهبر شهید انقلاب



مأخذ: همان.

همچنین مبتنی بر نتایج حاصل از الهیات انقلاب اسلامی، نگاه به دیگری تمدنی و همچنین نگاه به سایر ملت‌های اسلامی همواره مطرح بوده است. در طرح مفهوم سازندگی نیز این مفهوم به عنوان یک ضرورت برای الگو شدن ترسیم شد. بدین صورت که اگر کشور در امر سازندگی موفق باشد دشمنان مأیوس می‌شوند؛ اما اگر این امر با موفقیت طی نشود دشمنان جری‌تر شده و ملت‌های مسلمان از انقلاب اسلامی مأیوس می‌شوند [۳۹]. در همین دوره، از مفاهیم دیگری که مطرح شده است مفهوم تهاجم فرهنگی است. اگرچه این مفهوم بیشتر در فضای تبلیغات دشمن و سخنان مطبوعات و روشنفکران مطرح شد اما به نظر می‌رسد نوسازی دوره سازندگی و رشد طبقه متوسط مدرن در رواج فرهنگ مغایر با ارزش‌های انقلابی اثرگذار بوده است. به این مفهوم در بخش فرهنگ و اجتماع بیشتر پرداخته خواهد شد.

۳-۵. دهه هشتاد؛ دهه پیشرفت، الگوها و دغدغه عدالت

در این دهه امکان تحقق آرمان الگو شدن برای ملت‌های مسلمان حس می‌شود. آغاز دهه هشتاد در وضعیتی است که کشور در دوره سازندگی توانسته بسیاری از زیرساخت‌ها را توسعه داده و محرومیت‌های زیادی را رفع نماید. این پیشرفت‌ها در بیانات رهبری چنین منعکس شده است: «بسیاری از مسائل کنونی کشور ناشی از حساسیت موقعیت کشور ما در تسلسل پیشرفت تاریخی این ملت و این کشور است. ملت و کشور ما امروز در موقعیت بسیار مهم، حساس و خطیری قرار گرفته است. مسئله این است که در دوران بیست و چند ساله نظام جمهوری اسلامی - به خصوص بعد از جنگ تحمیلی - به توفیق الهی ملت ما توانسته است به پیشرفت‌های بزرگی دست پیدا کند و کارهای بسیار مهمی در این کشور انجام دهد. ملت ایران و مدیران مسئول و با اراده کشور در طول این سال‌ها توانسته‌اند به میزان زیادی این کشور را - که میراث یک حکومت فاسد و وابسته بود - به پیش ببرند؛ زیربناهای اساسی این کشور را بسازند؛ از لحاظ آب، از لحاظ انرژی، از لحاظ صنعت، از لحاظ خلاقیت و از لحاظ پیشرفت علمی و فناوری، کشور را از موقعیت بسیار خوبی برخوردار کنند» [۴۰].

این وضعیت سبب شد تا ایران در طرح تمدنی خود صحبت از یک الگوی تحقق یافته کند که می‌تواند برای سایر ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان جذاب باشد و برای دیگری استکباری باعث واهمه و ترس است. از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران در دل ملت‌ها عمق استراتژیک دارد و مبتنی بر پیشرفت‌های خود می‌تواند الگویی شود تا مسلمانان را تشویق و نام اسلام را بلند کند [۴۰]. در این شرایط است که کشور وضعیت خود را در تحقق وضع الهیاتی اولیه این گونه می‌بیند: «آن چیزی که می‌تواند در مقابل این امواج گشوده و کوبنده بایستد، یک هویت عظیم جمعی بین‌المللی است. امروز این هویت عظیم جمعی و بین‌المللی در حال شکل گرفتن است؛ محورش هم نظام جمهوری اسلامی است. روی اینها تأمل کنید؛ اینها چیزهای قابل عبور و آسان نیست» [۴۱]. این وضعیت سبب شد تا مفهوم پیشرفت و الگوی آن به صورت بسیار گسترده‌تر از مفهوم سازندگی مطرح شود. سازندگی امری بود



که برای مقابله با دیگری و رفع محرومیت‌ها مطرح می‌شد. اما در این دهه صحبت از پیشرفت به صورتی بنیادین مطرح می‌گردد، به‌طوری‌که پیشرفت امری ذاتی در زندگی انسانی و سنتی الهی است که نباید با آن مقابله کرد و باید به سمت معنای درست آن حرکت کرد [۴۲]. ایشان در این دوره جریانات مخالف نوآوری را مورد ذم قرار می‌دهند، چرا که سبب رکود اجتماعی می‌شوند [۴۳]. از طرفی تحولی را مقبول می‌دانند که ضمن حفظ ثبات اجتماعی و ماندن بر اصول باعث تغییر و پیشرفت شود و راهکار آن را در حفظ هویت ملی می‌دانند و از آنجاکه تحول امری ذاتی و سنت الهی است باید شیوه درست آن را معنا کرد و این شیوه درست از بحث نظری صاحب‌نظران به دست می‌آید که البته این بحث نظری باید ناظر به واقعیت‌ها باشد [۴۲].

در این شرایط، تعیین الگوی پیشرفت یکی از مسائلی است که در این دهه مورد توجه قرار می‌گیرد و نتیجه آن طرح موضوع «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» است، الگویی که مبنای آن انسان‌شناسی و جهان‌بینی اسلامی است و در عین حال محصول زیست و تفکر انسان ایرانی است [۴۳]. در امتداد این دیدگاه، سندهای چشم‌انداز دیگری نیز مطرح گردید: از جمله؛ سند مهندسی فرهنگی، نقشه جامع علمی کشور و طرح تحول آموزش و پرورش. الگوسازی و الگو شدن برای ملت‌ها از جمله مفاهیمی است که در دهه نود امتداد نیافته و به مشکلات عملی برخورد است.

اما در کنار پیشرفت‌های صورت گرفته مسئله پرتکرار این دوره عدالت است. اهمیت این موضوع به حدی است که در نام‌گذاری دهه چهارم انقلاب، این دهه به نام «پیشرفت و عدالت» عنوان می‌گیرد. آثار ناشی از نوسازی دهه هفتاد مباحث فساد و فاصله طبقاتی را در جامعه مطرح کرده بود و این موضوع خود به یک دغدغه اساسی در این دهه تبدیل شد. این موضوع سبب شد که سرریز شدن ماحصل پیشرفت‌های صورت گرفته به زندگی مردم یک دغدغه اساسی باشد [۴۰].

اما مفهوم پیشرفت از جهت چندجانبه بودن نیز با مفهوم سازندگی تمایز دارد. پیشرفت امری همه‌جانبه و معطوف به آینده است [۴۴] که از دیدگاه رهبری باید شاخص‌های آن با جهان‌بینی غربی متفاوت باشد. از این جهت به نقد الگوی مسلط پیشرفت که توسط سرمایه‌داری جهانی ترویج می‌شود، می‌پردازند. الگوهای توسعه همراه با شاخص‌های آن یکی از موضوعات اساسی مورد نقد رهبری در این دوره است. این شاخص‌ها اگرچه در مواردی مورد قبول واقع می‌شوند، اما در مواردی در حقیقت بستری برای ترویج فرهنگی غربی هستند و مورد تأیید نیستند. مبارزه با تبعیض، رفع بیماری‌ها، رشد علمی، رشد امنیت، رشد اخلاقی، انضباط اجتماعی از جمله شاخص‌های مدنظر پیشرفت‌اند. اما در بخشی از این شاخص‌ها اشاره می‌شود که پیشرفتی که سبب از خودبیگانگی می‌شود، مورد تأیید الگوی اسلامی و ایرانی نیست [۴۲]؛ منظور از از خودبیگانگی از بین رفتن روابط انسانی در خانواده، محل کار و جامعه است. چنین پیشرفتی سبب رشد فردگرایی و بروز نابهنجاری‌های اخلاقی در جامعه می‌شود.

همچنین در ادامه شاخص‌ها پیشرفتی که تقلیدی بوده و باعث از بین رفتن هویت ملی شود مورد تأیید نیست. اگرچه شاخص‌های فوق حدود پیشرفت را مشخص می‌نمایند اما در خصوص مسئله از خودبیگانگی و زوال هویت ملی شاخص‌ها بیشتر سویه سلبی دارند و بعد ایجابی آن به صاحب‌نظران واگذار شده است. امری که به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های مهم در طراحی پیشرفت برای نظام اسلامی است. امری که در موضوع دغدغه سبک زندگی مورد تأکید قرار گرفته است. سبک زندگی مربوط به بعد نرم‌افزاری زندگی است و اولویت آن بر پیشرفت بعد سخت زندگی یا اقتصاد به گونه‌ای است که پیشرفت در اقتصاد بدون پیشرفت در سبک زندگی امری بی‌فایده است، اما انقلاب از این جهت دچار نقصان است [۴۵].

جدول ۱. مقایسه الگوی پیشرفت و توسعه در نگاه رهبر شهید انقلاب

الگوی توسعه غربی	الگوی پیشرفت در نگاه رهبر شهید
شکل‌گیری مرکز - پیرامون	رفع محرومیت‌ها جهت آبادانی مناطق محروم
شکل‌گیری طبقه زرسالار	عدالت اقتصادی
اتکا به هویت جهان غرب	اتکا به هویت ملی
از خود بیگانگی و فردگرایی	بقا و رشد روابط انسانی (خانواده، همسایه و...)
الگوگیری از مدل‌های جهانی	تقدم شکل‌دهی به مدل ذهنی پیشرفت
تأکید بر اقتصاد به عنوان موضوع اصلی	تأکید بر سبک زندگی به عنوان موضوع اصلی

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۶. ایده‌های راهبردی



چارچوب‌های کلان آینده‌شناسی رهبر شهید انقلاب در عرصه‌های مختلف اجتماعی تبلور عینی دارد. ایشان در هر یک از عرصه‌های کلان اجتماعی چارچوب‌ها، استعاره‌ها، مفاهیم، اصول و اهداف کلانی را ترسیم کرده‌اند که با فهم آنها می‌توان به چارچوب فهم آینده‌شناسانه ایشان دست یافت.

شکل ۶. حوزه‌های اصلی طرح ایده‌های محوری ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب



مأخذ: همان.

اولین عرصه کلان حوزه فرهنگ و انسجام اجتماعی است؛ علاوه بر سیر تاریخی مطرح شده در این عرصه برخی چارچوب‌های کلان و مهم از جمله جایگاه مردم، انسجام ملی، هویت ملی، تهاجم فرهنگی، آرمان‌خواهی، مردمی‌سازی نهادهای فرهنگی، جهاد تبیین، موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی، اسلامی شدن جامعه و زنان و خانواده بحث شده‌اند. دومین عرصه کلان اجتماعی موضوع علم به عنوان یکی از اصلی‌ترین محورهای دیدگاه رهبری مورد مطالعه قرار گرفته است. در حوزه علم می‌توان به بحث جنبش نرم‌افزاری و علوم انسانی اشاره نمود. در عرصه سیاست نیز سیر تاریخی اهم موارد تبیین شده در مورد آینده انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این حوزه بحث‌های مربوط به ماهیت ضد استکباری جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب اسلامی، بحث وحدت اسلامی، مسئله هویت بین‌المللی ضد صهیونیست، بیداری اسلامی و استکبارستیزی بحث شده‌اند. در حوزه اقتصاد اهم مواردی که در ترسیم آینده مورد توجه رهبری بوده‌اند را می‌توان مواردی از جمله اقتصاد مردمی، غیرنفتی شدن اقتصاد ایران، خصوصی‌سازی، اصلاح الگوی مصرف، اقتصاد مقاومتی، رشد تولید و مدیریت جهادی دانست.

۱-۶. فرهنگ و ساختار اجتماعی

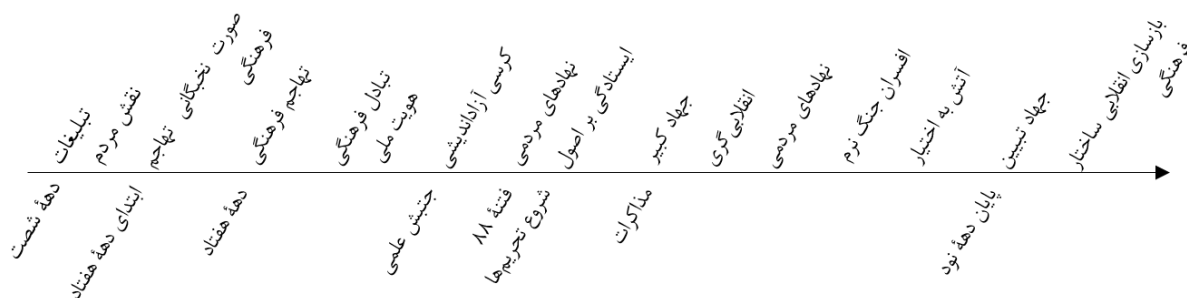
منظور از فرهنگ بعد نرم جامعه است که در انقلاب اسلامی بر بعد سخت آن اولویت دارد [۵۴]. ساختار اجتماعی ناشی از فرهنگ، ساختار روابط افراد جامعه را می‌رساند و باعث انسجام اجتماعی می‌شود. موضوع ساختار اجتماعی در کلیدواژه‌هایی چون وحدت و هویت متبلور می‌گردد. از آنجاکه کلیت پیروزی در آینده انقلاب از نظر رهبری وابسته به حضور و همراهی مردم است [۱۷]، در این بخش به مفاهیم آینده‌شناسانه این حوزه در طی تاریخ پس از پیروزی انقلاب پرداخته می‌شود.

شکل ۷. ایده‌های راهبردی و کلیدواژه‌های محوری عرصه فرهنگ در نسبت با ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب



مأخذ: همان.

شکل ۸. سیر تطوّر مفاهیم ناظر به عرصه فرهنگ در بیانات رهبر شهید انقلاب



۱-۱-۶. مردمی سازی و محوریت مردم

در این سال‌ها به دلیل هجوم آثار نظری در نقد مبانی جمهوری اسلامی، بر صورت تئوریک مردمی بودن نظام تحت عنوان «مردم‌سالاری دینی» تأکید می‌ورزند [۵۹]. در دهه نود نیز مفهوم مردم پایه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است [۲۱].

به کارگیری مفهوم مردم در شرایط مختلف تاریخی را می‌توان در جدول ذیل خلاصه نمود:



جدول ۲. تبیین گزاره‌های اساسی نقش مردم در وجوه مختلف حکمرانی و آینده ایران در نگاه رهبر شهید انقلاب

گزاره‌ها	زمینه بحث
مردم منشأ عملی حکومت‌اند.	دیدگاه‌های الهیاتی و مبانی اعتقادی
پیوند اجتماعی میان مردم امری الهی است.	
رابطه امام و امت سبب انسجام اجتماعی می‌گردد.	مبانی رفتار سیاسی
رابطه امام و امت قراردادی نیست و امری قلبی است.	
در نظام اسلامی اصل تکیه به مردم است، در برابر تکیه به نخبگان.	
توجه به مردم نیازمند رفتارهای اخلاقی متناسب است.	
در طرح موضوع سازندگی، مفهوم «اعتماد به نفس ملی» اهمیت می‌یابد.	در مواجهه با شرایط تاریخی
در طرح جنبش علمی، شعار «ما می‌توانیم» در سطح هویت ملی مطرح می‌گردد.	
در دوره تهاجم فرهنگی و روایت‌ها از «هویت ملی»، مفهوم هویت مطرح می‌شود.	
در مواجهه تئوریک با مدعیان دموکراسی، «مردم‌سالاری دینی» اهمیت می‌یابد.	

مأخذ: همان.

استعاره دیگری که حاکی از اهمیت نقش‌آفرینی نهادهای مردمی در امر فرهنگ است، استعاره «آتش به اختیار» است. در بیان این استعاره توجه به این امر بوده است که دستگاه مرکزی فرهنگ کشور دچار اختلال است، بنابراین باید فعالیت‌ها به صورت مردمی و حتی بدون نیاز به هماهنگی با دستگاه حاکمه صورت گیرد: «من به همه آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هر کدام کار کنید؛ مستقل و به قول میدان جنگ، آتش به اختیار. البته در جنگ، قرارگاه مرکزی وجود دارد که دستور می‌دهد، اما اگر چنانچه رابطه قرارگاه قطع شد یا قرارگاه عیبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستور آتش به اختیار می‌دهد. خب شما افسرهای جنگ نرمید - قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید - آنجایی که احساس می‌کنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمی‌تواند درست مدیریت کند، آنجا آتش به اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید. گاهی اوقات انسان احساس می‌کند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها دچار اختلال اند، دچار تعطیل‌اند؛ واقعاً آدم گاهی اوقات احساس می‌کند [۲۰].»

۲-۱-۶. انسجام اجتماعی و اتحاد ملی

یکی از تأکیدات همیشگی رهبران انقلاب اسلامی، تأکید بر حفظ وحدت کلمه و دوری از تفرقه بوده است. ایشان در اولین بیانات خود پس از انتصاب به رهبری بر لزوم حفظ وحدت مکرراً تأکید می‌کنند و بیان خود را مستند به توصیه همیشگی امام خمینی (ره) می‌نمایند: «همه باید در این برهه زمانی، دو درس را از امام به یاد داشته باشیم: اول، وحدت کلمه و حفظ انسجام و محبت به یکدیگر و دور ریختن عوامل تفرقه و اختلاف؛ دوم، حضور عمومی در صحنه است [۶۰].»

در بیان رهبری منظور از حفظ وحدت، تأکید بر انسجام اجتماعی است. انسجام اجتماعی در واقع رابطه‌ای بین افراد متکثر جامعه است که علی‌رغم تفاوت‌ها، حول یک محور گرد هم می‌آیند و وجودی واحد به نام اجتماع را ممکن می‌کنند. در بیانات رهبری مبنای رابطه اجتماعی میان افراد جامعه براساس آیه «لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ» موضوعی الهی ترسیم می‌شود [۶۱]. در حقیقت این موضع ایشان بیانگر تحلیلی از بنیاد جامعه است که مورد بحث فراوان صاحب‌نظران علوم اجتماعی بوده است، سؤال بنیادین این است که چه چیزی می‌تواند بنیاد جامعه باشد و بین افراد پراکنده رابطه‌ای بنا کند که منجر به شکل‌گیری اجتماع گردد.

ثمرات انسجام اجتماعی بسیار گسترده است به گونه‌ای که می‌توان گفت بنیاد هر پیشرفت و سازندگی وحدت و یکپارچگی عمومی مردم است: «ایرانی که آحاد مردم در آن، اتحاد و اتفاقی نداشته باشند، برای اسلام و انقلاب و نهضت اسلامی، هیچ افتخاری درست نمی‌کند؛ بلکه به عکس، موجب سرشکستگی هم خواهد شد» [۶۲]. در این بیان رهبری شرط هر نوع پیشرفت و سازندگی، اتحاد و وفاق عمومی است. دلیل این امر آن است که در صورتی که اتحاد وجود نداشته باشد، دودستگی‌ها و اختلافات منجر به هدررفت زمان و سرمایه گردیده و در موارد بحران‌های اجتماعی و امنیتی نیز ظهور می‌کند. در همین راستا رهبری عامل پیروزی‌های انقلاب اسلامی تاکنون را حفظ وحدت و انسجام می‌داند: «علت این که ما توانسته‌ایم تا به حال محکم بایستیم، همین اتحاد و اتفاق شما ملت است. هر چه این اتحاد و اتفاق بیشتر و محکم‌تر باشد، ما نیز در مقابل دشمنان شما می‌توانیم محکم‌تر بایستیم» [۶۳]. این موضوع نه در گذشته، بلکه در آینده نیز اهمیت دارد، چنان‌که رهبری راه حل مشکلات و علاج کار کشور را اتحاد می‌داند [۶۴].

در نگاه رهبری یک بعد مهم حفظ انسجام اجتماعی، تلاش برای حفظ انسجام در سطح مسئولان و نخبگان سیاسی است. در موارد متعددی رهبری مردم ایران را واجد عقلانیت لازم برای حفظ وحدت می‌داند [۶۵]. اما در مقابل مسئولان و نخبگان سیاسی را مکرراً از اختلاف‌افکنی بر حذر می‌دارند. توصیه رهبری به جناح‌های مختلف سیاسی آن است که با یکدیگر هم‌فکری کرده تا به هم نزدیک شوند، همچنین اختلافات واقعی را بسیار کم می‌داند: «به نظر من، اختلافات واقعی، کمتر از تظاهر به اختلاف است؛ این هم خودش نکته‌ای است. اختلاف و شکاف و جدایی واقعی بین برادران، به مراتب کمتر از آن چیزی است که بر زبان می‌آورند. من نمی‌دانم این حالت مبالغه‌گویی ما در حرف زدن‌ها و در اظهارات، چرا متوقف نمی‌شود؟! طوری حرف می‌زنند که آن خوش‌خیال‌های بیچاره‌ای که در بیرون نشسته‌اند، خیال می‌کنند که همین فردا اینها به هم می‌پزند و علیه یکدیگر اسلحه برمی‌دارند! حرف‌ها این گونه تند است» [۶۶].

در نگاه رهبری مسئولان سیاسی، مانند نمایندگان مجلس باید از اظهاراتی که منجر به دو دستگی می‌شوند به دور باشند [۶۷]. همچنین شعارهای سیاسی نباید به گونه‌ای باشد که وحدت ملی را خدشه‌دار نماید [۶۸]. به عقیده رهبری یکی از بدترین عادت‌های در دستگاه‌های کشور این است که در جریان امور یکدیگر را متهم می‌کنند [۶۹]. رهبری در خصوص لزوم وحدت کلمه مسئولین یک خط‌قرمز مهم را ترسیم می‌نماید و آن این است که باید حرف واحد از آحاد ایشان شنیده شود: «لازم می‌دانم در مورد مسئولان کشور تأکید کنم، در درجه اول، انسجام و اتحاد کلمه است. مسئولان کشور باید متحد باشند و حرفشان یکی باشد. یکی از توطئه‌های دشمن در چند سال اخیر این بوده است که بتواند آدم‌های نا معتقد به آرمان اسلامی را در صفوف مسئولان بالای کشور نفوذ دهد؛ برای این که انسجام مدیران ارشد کشور به هم بخورد» [۷۰].

یکی از دلایل اهمیت انسجام اجتماعی، ترس دشمنان از این اتحاد و طرح‌ریزی آنان برای ایجاد تفرقه است. اساس کار نظام سیاسی بر انسجام اجتماعی استوار است و دشمنان برای اختلال در نظام سیاسی بر تغییر انسجام اجتماعی حساب می‌کنند. امری که تا بدین روز با شکست مواجه شده است. در همین راستا یکی از عواملی که رهبری روی آن تأکید می‌نماید حفظ اتحاد کشور به‌رغم وجود زمینه‌های تجزیه مانند تکرر اقوام گوناگون است: «شما می‌دانید که عوامل تجزیه در داخل این ملت بزرگ منتفی و مفقود نیست. در مواردی، اختلاف زبان و اختلاف مناطق جغرافیایی هست؛ اما ملت رشید ایران از قبل از انقلاب و در جریان انقلاب تا امروز، این وحدت یکپارچه خود را بر همه عوامل تفرقه ترجیح داده است و علی‌رغم میل دشمن توانسته است اتحاد و یکپارچگی خود را در همه میدان‌های حساس حفظ کند. بر اثر همین یکپارچگی، ملت ما در جنگ پیروز شد» [۷۱].

یکی از زمینه‌های طرح موضوع انسجام اجتماعی، بحران‌ها و مقاطع حساسی است که نیاز به اتحاد ملی بیشتر از همیشه حس می‌شود. در سال‌های جنگ تحمیلی ۸ ساله تأکید بر انسجام ملی دیده می‌شود. در مقطع رحلت امام خمینی (ره) و آغاز رهبری آیت‌الله خامنه‌ای نیز یکی از مهم‌ترین مفاهیم مطرح‌شده موضوع وحدت و انسجام ملی است. این موضوع در شرایط مختلف با استعاره‌های متفاوتی مطرح می‌گردد که یکی از مهم‌ترین استعاره‌ها در شرایط جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی مطرح



شده است؛ این استعاره به اهمیت انسجام تحت عنوان اتحاد مقدس می‌پردازد: «اهل بیان، اهل قلم، آنهایی که حرف می‌زنند، آنهایی که می‌نویسند، آنهایی که تحقیق می‌کنند، آنهایی که توییت می‌زنند، بفهمند چه کار می‌کنند. این اتحاد مقدس، این اجتماع عظیم، این سپر پولادین از دل‌های مردم و اراده‌های مردم نباید خدشه‌دار بشود. امروز بحمدالله اتحاد وجود دارد. این اتحاد را مردم حفظ کنند [۷۲].»

۳-۱-۶. هم‌گرایی هویت ملی و دینی

نرم‌افزار انسجام ملی، هویت ملی است؛ به عبارت دیگر ساختار ارتباط و پیوند میان افراد پراکنده در جامعه، انسجام اجتماعی است و این ساختار در بستر برخی از معانی مشترک شکل می‌گیرد که از آن به هویت ملی تعبیر می‌شود. در جامعه انقلابی ایران دین مهم‌ترین عنصر هویتی است بدین معنا که بنیادی‌ترین امری که می‌تواند بین افراد جامعه پیوند مشترک ایجاد نماید دین است. رهبر شهید در موارد متعددی سعی بر ارائه روایتی دینی از هویت جامعه داشته‌اند؛ به‌عنوان مثال تأکید ایشان بر حضور مردم و جوانان در مراسمات معنوی در نشان‌دهنده دینی بودن هویت جامعه ایرانی است.

در میانه دهه هفتاد، با بروز تهاجم فرهنگی و بروز فرهنگ ناشی از سیاست‌های نوسازی، نوعی بحران هویت از جامعه ایرانی شکل می‌گیرد که در آن کیستی جامعه ایرانی به کیستی‌های غیراسلامی و انقلابی تعبیر می‌شود، رهبری در مواجهه با این روایت‌های ناسازگار هویتی، روایتی دینی و انقلابی از مردم، مسئولین و جوانان ارائه می‌دهند. همچنین در برابر مفاهیمی مثل خودی و غیرخودی که سعی در انکار یکپارچگی اجتماعی ایران دارند، بر تعریف موسع مفهوم خودی تأکید کرده و اصرار بر یکپارچگی اجتماعی دارند. در پایان این دهه به‌صورت ایجابی بر مفهوم «هویت» و لزوم شناخت آن تأکید ورزیده و از تقلیدی بودن برحذر می‌دارند.

نکته‌ای که در دیدگاه رهبری نسبت به مفهوم هویت حائز اهمیت است، تأکید ایشان بر ارتباط و نبود دوگانگی میان هویت ملی و هویت دینی است. طبق روایت سکولار از هویت ایرانی، ناسیونالیسم باستانی در برابر هویتی دینی قرار می‌گیرد و دین به‌عنوان عاملی در جهت عقب‌افتادگی ایران معرفی می‌شود. تأکید رهبری در به‌کارگیری مفهوم هویت ملی، بر تلفیق این دو بعد از هویت ایرانیان است: «آنچه را که من امروز به‌عنوان یک تکلیف برای جامعه جوان کشور حس می‌کنم، این است که جوانان باید از سرمایه هویت ملی و جمعی کشور، با همه وجود و همت خود دفاع کنند. هر مجموعه انسانی به یک هویت جمعی احتیاج دارد و باید احساس اجتماع و بستگی و هویت جمعی کند. در کشورهای دنیا معمولاً روی مفهوم ملیت تکیه می‌کنند. بعضی جاها هم‌روی قومیت تکیه می‌کنند. ملیت چیست؟ یک هویت جمعی است که با برخورداری از آن، هر کشور می‌تواند از همه امکانات خود برای پیشرفت و موفقیت استفاده کند. اگر این احساس هویت جمعی وجود نداشته باشد، بسیاری از مشکلات برای آن مجموعه پیش می‌آید و بسیاری از موفقیت‌ها برای آنها حاصل نخواهد شد؛ یعنی پاره‌ای از موفقیت‌ها در یک کشور، جز با احساس هویت جمعی به دست نخواهد آمد.

این هویت ملی و جمعی در کشور ما حتی از ملیت هم فراتر است. ما با این که ملیت را محترم و مقدس می‌شمیریم و بسیار هم‌روی ملیت -به معنای مثبت آن، نه به معنای منفی آن؛ همان چیزی که در عرف سیاسی دنیا به آن «ناسیونالیسم» گفته می‌شود- تکیه می‌کنیم؛ اما هویت جمعی و ملی ملت ایران، نظام اسلامی است که حتی از ملیت ایرانی، کارایی و جذابیت بیشتر و حوزه تأثیر وسیع‌تری دارد. اهمیت این هویت جمعی به این است که هم در مقیاس ایرانی دارای بازده و تأثیر است، هم در مقیاس اسلامی چنین تأثیری دارد و هم در مقیاس جهانی مؤثر است؛ یعنی چیزی که دیگر ملیت‌ها هیچ‌کدام اینها را ندارند؛ یک چیز فراملی است... نظام اسلامی، هم دارای کاربُرد ملی است، هم دارای کاربُرد اسلامی است، هم دارای کاربُرد جهانی است؛ یعنی فرا اسلامی است [۷۳].»

۴-۱-۶. تهاجم فرهنگی

در برابر عوامل هویت‌بخش و انسجام اجتماعی ایجاد شده ناشی از عناصر هویتی، آنچه می‌تواند ناقض این وضعیت باشد، عواملی است که به هویت ملی و انسجام اجتماعی آسیب می‌زنند و در بیانات رهبری این موضوع به بحث «تهاجم فرهنگی»، «جنگ نرم» و ... تعبیر می‌شود. از نظر تاریخی، انسجام اجتماعی دهه شصت تحت تأثیر فضای جنگ و سیاست‌های عدالت اقتصادی بالا بوده است. لذا مسئله تهاجم فرهنگی بیشتر ذیل تبلیغات دشمنان فهم می‌شده است [۷۴]. در این دهه، تبلیغات صرفاً برخی پیام‌ها هستند که از جوامع دیگری به ایران فرستاده می‌شوند، اما در گیرایی و پذیرش این پیام‌ها ابهام وجود دارد، چرا که انسجام اجتماعی بالا است. اما در ابتدای دهه هفتاد، تهاجم فرهنگی صورتی نخبگانی به خود می‌گیرد؛ بدین صورت که روشنفکرانی که در ابتدای انقلاب فعالیت‌های نداشتند، شروع به فعالیت در فضای نشر و مطبوعات کرده‌اند. هدف این طیف در ابتدا اثرگذاری بر ذهن مسئولان و سپس آحاد مردم تلقی شده [۶۶] و به موازات این جریان، فساد انگیزی و ترویج فحشا میان جوانان از مسائل فرهنگی معرفی می‌شود [۱۹].

این موضوع در همان سال‌های ابتدایی به مفاهیم «تهاجم فرهنگی»، «شیخون فرهنگی» و «غارت فرهنگی» تعبیر می‌شود [۱۴]. سیاست درهای باز و تسامح و تساهل با روشنفکران در آن دوره یکی از عواملی است که ضرورت طرح عمومی تهاجم فرهنگی را مشخص می‌کند. مسئله تهاجم فرهنگی تبدیل به امری همه‌جانبه و چندبعدی می‌شود: «ما در زمینه فرهنگ، با یک تهاجم و جنگ حقیقی و سازمان‌یافته روبه‌رو هستیم. از طرق مختلف، از راه‌های بسیار هنرمندانه و خوبی هم وارد می‌شوند؛ این‌طور هم نیست که خودشان همه‌جا مستقیم کار کنند! این‌طور هم نیست که همه‌جا به این تحلیلی که می‌کنند و این حرفی که می‌زنند، لباس تهاجم بپوشانند! همه کارشان به وسیله رادیوها و تفسیرهای سیاسی نیست؛ کتاب و مقاله می‌نویسند، کسانی را در محیط‌های آموزشی، آموزش می‌دهند و چیزهایی را منتقل می‌کنند [۷۵]!»

همچنین در پاسخ به جواب منتقدین موضوع تهاجم فرهنگی، بحث «تبادل فرهنگی» مطرح می‌شود که امری ستوده و سبب رشد فرهنگی است و سبب ارتباط میان فرهنگ‌ها می‌گردد. در وضعیتی که مخالفین به ترویج مباحث عقلی و تئوریک علیه مبانی نظام اسلامی پردازند، مباحث عقلی میان روحانیون و انتقال آن به مردم مطرح می‌شود [۷۶]. به‌علاوه در دوره‌ای که نهضت نرم‌افزاری و جهش علمی مطرح می‌شود، از بحث‌های آزاد یا کرسی‌های آزاداندیشی برای مقابله فکری عمیق با جریان روشنفکری کاذب و زمینه‌سازی پیشرفت واقعی یاد می‌شود [۴۲].

۵-۱-۶. جهاد تبیین

با اوج گرفتن تحریم‌ها و بروز برخی مشکلات اقتصادی در اواسط دهه هشتاد، این بحث پیش می‌آید که ایستادن روی شعارهای انقلابی و مکتبی باعث بروز مشکلاتی گردیده است، در برابر این دیدگاه به پافشاری بر اصول تأکید می‌شود [۷۷]. تأکید می‌شود که کوتاه آمدن از اصول نه تنها باعث رسیدن به اهداف نمی‌گردد بلکه اهداف را از بین خواهد برد [۷۸]. با تغییر دولت و پیگیری مذاکرات به‌عنوان راه‌حل مشکلات کشور، موضوع استکبارستیزی به یکی از مباحث بحث‌برانگیز تبدیل شده و رهبری بر آرمان‌خواهی بیشتر تأکید می‌نمایند. در این خصوص مفهوم «جهاد کبیر» که به معنی جهاد اطاعت نکردن از دشمن تعبیر می‌شود، مورد تأکید قرار می‌گیرد [۷۹].

همچنین بر آرمان‌خواهی تأکید می‌شود و قشر دانشجو به‌عنوان یکی از اقشاری که حائز این ویژگی است در جلسات متعدد و طولانی‌مدت به این موضوع دعوت می‌شود [۸۰]. در این زمان، موضوع انقلابی‌گری و شاخص‌های آن باز در جهت تداوم آرمان‌خواهی به‌مثابه موتور محرکه انقلاب مطرح می‌شود [۸۱]. اهمیت موضع انقلابی به حدی است که در زنجیره تمدنی از مرحله انقلاب تا تمدن اسلامی، انقلاب تداوم داشته و انقلاب صیورورت و شدنی دائمی است: «در مجموعه‌ی انقلاب، از اول انقلاب یک تفکر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب، تا وقت تشکیل نظام است؛ وقتی که نظام تشکیل شد و نهادها و مقررات و دیوان‌سالاری و



مانند اینها مستقر شد، دیگر انقلاب برود دنبال کارش؛ دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا می‌کنند به تنش و دعوا و سروصدا و کارهای غیرقانونی و از این حرف‌ها. یک چنین تفکری مال امروز نیست و از روز اول پیروزی انقلاب یک چنین تفکری وجود داشت؛ این تفکر، غلط است. انقلاب مرحله‌ای دارد [۸۲].» این موضوع در بیانیه گام دوم انقلاب، به این صورت اشاره شده است که شعارهای انقلاب فطری‌اند و دل‌زدگی به بار نمی‌آورند.

ایشان در دهه نود ضمن تأکید بر اقتضائات روز، آرمان‌های کلان تمدن اسلامی را نیز یادآور می‌شوند. لذا این دهه در کنار دیدن واقعیت‌ها، دهه مرور آرمان‌های بلند نیز هست. در این دهه بحث واژه‌سازی مطرح می‌شود [۸۳]. منظور از واژه‌سازی، استفاده از واژه‌های درون فرهنگی برای بیان مفاهیمی است که خاص فرهنگ ملی است، به‌عنوان مثال مردم‌سالاری دینی، معنایی متفاوت از دموکراسی دارد، در این نگاه واژه حامل معنایی نو و فراخور فرهنگ است. همچنین بحث حراست از زبان فارسی نیز یکی از دغدغه‌های مطرح شده است [۸۴]. یکی از موضوعات مهم تمدنی که به‌صورت ایجابی در برابر تهاجم فرهنگی قرار می‌گیرد، موضوع سبک زندگی است. این موضوع بعد مهم تمدن اسلامی است که از بعد سخت اقتصادی از اهمیت بالاتری برخوردار است، از طرفی انقلاب نیز در این بعد پیشرفت چندانی نداشته و اگر پیشرفتی در این بعد نداشته باشد، پیشرفت‌های بعد سخت تمدنی فایده‌ای نخواهد داشت [۴۵].

در سال‌های پایانی دهه نود و بعد از آن، موضوع «جهاد تبیین» مورد تأکید مکرر رهبری قرار می‌گیرد. همچنین مفهوم تبیین در کنار مفهوم گفتمان‌سازی به کار می‌رود. جهاد تبیین امری است که مخاطب آن عموم مردم است و در نتیجه این امر اذهان عمومی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. جهاد تبیین در برابر تهاجم همه‌جانبه دشمن جنبه‌ای فعالانه به کنشگران مردمی و مسئولین نظام اسلامی می‌دهد و آنان را از پاسخ‌گویی انفعالی باز می‌دارد. مفهوم «تبیین» گسترده و چندبعدی است و موضوعات مختلفی را در برابر می‌گیرد.

یکی از ابعاد مسئله تبیین آن است که این امر مربوط به شیوه خاص مبارزه در اسلام است. رهبری در بیاناتی درخصوص تمایز مبارزین اسلامی و گروه‌های چپ به مسئله تبیین به‌عنوان یکی از عناصر محوری مبارزات اسلامی اشاره نموده و می‌فرمایند: «تفکر اسلامی تبیین است. فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ؛ به پیغمبر خدا می‌گویند وظیفه تو رساندن است، حرف را باید برسانی. باید تبیین کنید [۸۵].» در توضیح این بعد از مسئله تبیین می‌توان گفت تبیین به تغییر ذهنی و موضوع افکار عمومی مرتبط است، امری که متفاوت از سطح عینی و تغییرات مادی است. تبیین را می‌توان از راه‌هایی چون نشر حقایق، استدلال و انتشار افکار صحیح، مقابله با شبهات و دروغ‌پردازی‌ها و ... محقق نمود؛ لذا یکی از جنبه‌های بسیار مهم تبیین، تبیین اندیشه‌های اسلامی و آئین حکمرانی اسلامی است [۸۶].

یک جنبه بااهمیت موضوع تبیین، مسئله خلق روایت است. در مسائلی که در جامعه رخ می‌دهند در صورتی که روایت صحیح صورت نگیرد، دشمن پیش‌دستی نموده و با غلبه روایت خود، رشته افکار عمومی را به دست می‌گیرد. در این خصوص به عقیده رهبری دشمن توانسته در برخی از مسائل تاریخی، مانند حادثه تسخیر لانه جاسوسی روایت خود را در جامعه غالب نماید. در اهمیت روایت‌پردازی در تبیین رهبری می‌فرماید: «شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر حادثه دفاع مقدس را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند، هر جور دلش می‌خواهد؛ توجیه می‌کند، دروغ می‌گوید [آن هم] ۱۸۰ درجه خلاف واقع؛ جای ظالم و مظلوم را عوض می‌کند. شما اگر حادثه تسخیر لانه جاسوسی را روایت نکنید - که متأسفانه نکردیم - دشمن روایت می‌کند و کرده؛ دشمن روایت کرده، با روایت‌های دروغ. این کاری است که ما باید انجام بدهیم؛ وظیفه جوان‌های ما است.»

یک جنبه دیگر در موضوع تبیین استفاده از زبان هنر در تبیین مفاهیم است. این مقوله را این‌گونه می‌توان تفسیر نمود که لازم است مفاهیم و معانی تولید شده برای تغییر ذهنیت جامعه در نظام نشانه‌شناختی درستی به مخاطب انتقال یابد و در صورتی که

این مهم صورت نپذیرد امر تبیین ناقص می‌ماند. رهبری در اهمیت استفاده از زبان هنر در تبیین می‌فرمایند: «با هیچ زبانی غیر از زبان هنر هم نمی‌شود اینها [زندگی شهدا] را گفت؛ فقط زبان هنر می‌تواند این ریزه‌کاری‌های زندگی اینها را بیان کند؛ حالا یا نوشته هنرمندانه یا شعر یا فیلم یا مستند یا امثال اینها که می‌شود کار کرد... بروید دنبال این کار... اینها احتیاج به تبیین دارد، اینها پیام دارد» [۸۷].

۶-۱-۶. بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی

بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور، مفهومی است که با روی کار آمدن دولت سیزدهم و در سال ۱۴۰۰ مطرح شد: «در مسئله فرهنگ و رسانه، به گمان بنده، ساختار فرهنگی کشور نیاز به یک بازسازی انقلابی دارد. ما مشکل داریم در ساختار فرهنگی کشور؛ و یک حرکت انقلابی لازم است. البته «حرکت انقلابی» یعنی خردمندانه و عاقلانه. معنای «انقلابی بودن» بی‌هوا حرکت کردن و بی‌حساب حرکت کردن نیست. [حرکت] انقلابی باید باشد، بنیانی باید حرکت بشود، در عین حال برخاسته از اندیشه و حکمت باشد. فرهنگ واقعاً زیربنا است؛ خیلی از این خطاهایی که ما در بخش‌های مختلف انجام می‌دهیم، ناشی از فرهنگ حاکم بر ذهن ما است. اگر ما اسراف داریم، اگر ما تقلید کورکورانه داریم، اگر ما سبک زندگی غلط داریم، اینها ناشی از مشکلات فرهنگی است؛ فرهنگ حاکم بر ذهن‌ها است که در عمل، این مشکلات را به وجود می‌آورد. زندگی‌های تقلیدی، زندگی‌های تجملاتی و اشرافی‌گری، غالباً منشأ و ریشه فرهنگی دارد. در واقع نرم‌افزار این حوادث، فرهنگ کشور و فرهنگ حاکم غلط و انحرافی‌ای است که بر بعضی ذهن‌ها مسلط است» [۸۸].

در تحول مدنظر رهبری می‌توان چند بعد را مدنظر قرار داد. اولاً منظور ایشان از بازسازی ساختار فرهنگ کشور، تغییر در دستگاه‌های اداری و سیستم بروکراسی فرهنگی نیست. بلکه منظور ایشان از تغییر در ساختار فرهنگی، تغییر ذهنیات افراد جامعه است. این امر بدان معناست که بسیاری از ساختارهای کلان مفهومی مانند «خودباوری ملی» در حکم بنیان‌های ذهنی برای اهداف جامعه اسلامی هستند و در صورتی که این بنیان‌ها اصلاح نشوند، دسترسی به اهداف مشکل خواهد بود.

منظور از بازسازی انقلابی در بیانات رهبری، بهره‌گیری از خصلت‌های انقلاب در تغییر بنیان‌های فکری جامعه است. همان‌گونه که انقلاب اسلامی بسیاری از بنیان‌های فکری جامعه را تغییر داد، پایه‌های فکری انقلاب اسلامی و روحیه انقلابی مردم می‌تواند در تغییر ساختارهای غلط فرهنگی کمک‌کننده باشد. جنبه دیگر این تحول استفاده از ابزار رسانه‌ای، فرهنگی و قشر جوان علاقه‌مند در روند این تحول است، به‌گونه‌ای که طرح‌های ابتکاری می‌تواند نوآوری رقم زده و تغییر ساختار فرهنگی را ممکن نماید [۸۸].

۶-۲. علم و فناوری

علم موضوعی است که پایه هر پیشرفت و اقتداری تلقی می‌شود [۸۹]. لذا می‌توان گفت مفاهیم مربوط به حوزه علم و دانشگاه از آن جهت که مربوط به موضوع پیشرفت هستند، مفاهیمی آینده‌شناسانه تلقی می‌گردند. از این‌روست که بسیاری از مطالب آینده‌شناسانه رهبری نیز در دیدار با دانشگاهیان مطرح می‌گردد. در دهه شصت دانشجو یک قشر پیشرو در انقلاب است که می‌تواند بر وضعیت عمومی جامعه اثرگذار باشد. اگرچه پیشرفت علمی توسط دانشجویان مطرح بوده است، اما وظیفه طراحی یک سیستم اسلامی برعهده روحانیون بوده است. همچنین تأکید می‌شود که علم ساحتی ارزش‌زده نیست و دانشگاه باید جهت‌یابی و انقلابی خود را حفظ کند [۹۰].

اهمیت علم اگرچه در دهه شصت و هفتاد مطرح بوده است، اما به‌صورت یک گفتمان اجتماعی از سال‌های پایانی دهه هفتاد آغاز می‌شود. پیشرفت‌های کشور در زمینه‌های صنعتی و زیرساختی، ایران را در جایگاه کشوری پیشرفته قرار داده بود و تداوم این پیشرفت یاری اهالی علم را می‌طلبید. همچنین مواجهه ایران با دیگری تمدنی خود ضرورت جهش علمی را ایجاب می‌کرد. این موضوع در مفاهیمی چون «جنبش نرم‌افزاری» و «نهضت تولید علم» متبلور گردیده است. سیر تاریخی اهمیت یافتن علم را می‌توان در شکل ذیل نشان داد:

شکل ۹. ایده‌های راهبردی و کلیدواژه‌های محوری عرصه علم و فناوری در نسبت با ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب



مأخذ: همان.

۱-۲-۶. جنبش نرم‌افزاری و تولید علم

جنبش نرم‌افزاری مفهومی است که در انتهای دهه هفتاد مطرح می‌شود، در تعریف جنبش نرم‌افزاری می‌توان به این بخش از بیانات رهبری استناد نمود: «من درباره تعبد علمی و تسلیم جزمی‌گری علمی در علوم مختلف شدن، این اشاره را کردم. به‌طور علمی معتقدم که یک خودآگاهی جمعی باید در همه محیط‌های علمی نسبت به فرهنگ وارداتی و تحکم‌آمیز و زورگویانه غربی به وجود آید. این مسئله تهاجم فرهنگی‌ای که ما مطرح کردیم، بعضی کسان به شدت از آن آزرده شدند و گفتند چرا می‌گویید تهاجم فرهنگی؟! درحالی‌که تهاجم فرهنگی، وسط میدان مشغول مبارز طلبیدن است، بعضی کسان سعی کردند آن را در گوشه و کنار پیدا کنند! ... این است که یک کشور گاهی به تفکر و ذائقه ترجمه‌ای دچار می‌شود. فکر هم که می‌کند، ترجمه‌ای فکر می‌کند و فرآورده‌های فکری دیگران را می‌گیرد. البته نه فرآورده‌های دست‌اول؛ فرآورده‌های دست‌دوم، نسخ شده، دستمالی شده و از میدان خارج شده‌ای را که آنها برای یک کشور و یک ملت لازم می‌دانند و از راه تبلیغاتی به آن ملت تزریق می‌کنند و به‌عنوان فکر نو با آن ملت در میان می‌گذارند. این برای یک ملت از هر مصیبتی بزرگ‌تر و سخت‌تر است. باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آنها در نظر بعضی مثل وحی منزل است و نمی‌شود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاه‌های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حل‌اجی کنند؛ روی آنها سؤال بگذارند؛ این جزمیت‌ها را بشکنند و راه‌های تازه‌ای بیابند؛ هم خودشان استفاده کنند و هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است؛ امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است... دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب‌ها و نوآوری‌های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزش‌های اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه این را می‌خواهد... [۲۷]»

لذا می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که جنبش نرم‌افزاری اساساً پدیده‌ای مربوط به هویت ملی و در مقابل تهاجم همه‌جانبه فرهنگی است که در آن به شکستن جزمیت‌های علمی و مرزهای علم توصیه می‌شود. این موضوع اگر چه در حوزه علوم انسانی توصیه می‌شود اما محدود به آن نیست و در حوزه علوم تجربی نیز توصیه به «تولید علم» برای شکستن مرزهای دانش و رسیدن به افق‌های نو می‌شود [۹۱]. در این خصوص توصیه به «جهاد علمی» برای مقابله با دشمنانی می‌شوند که نمی‌خواهند کشور به دستاوردهای علمی و پیشرفت دست یابد [۹۲].

یکی از تجربیاتی که در این خصوص بسیار محل ارجاع است، تجربه دستیابی به چرخه فناوری هسته‌ای توسط دانشمندان ایرانی است، در این تجربه هم مقابله با دیگری تمدنی مطرح است و هم مفاهیمی مانند هویت و اعتماد به نفس ملی [۹۳]. مسئله فناوری هسته‌ای را نیز می‌توان به عنوان یکی از عوامل شتاب‌دهنده در توصیه به جهش علمی کشور تلقی کرد. یکی از نکات واجد اهمیت در نگاه رهبری به دانش آن است که دانش و فناوری در هر صورت باید کسب شوند چرا که دانش باعث کسب قدرت می‌شود، این نگاه در برابر دیدگاهی است که منتقد تکنیک بوده و فناوری را در ضدیت با معنویت می‌داند.

در امتداد این مفاهیم، مفهوم «نخبگان» به عنوان یک مفهوم با اهمیت مطرح گردیده و تأسیس بنیاد ملی نخبگان ذیل مجموعه ریاست جمهوری در دستور کار قرار می‌گیرد [۹۴]. همچنین با طرح موضوعات مرتبط با پیشرفت و الگو شدن برای جهانیان مسئله مرجعیت علمی و مرجعیت زبان فارسی برای مباحث علمی در ۵۰ سال آینده مطرح می‌گردد [۹۵]. با پیگیری موضوع علم و شکل‌گیری نهضت علمی، مطالباتی در خصوص مفهوم «علم نافع» شکل می‌گیرد؛ بدین معنا که علم نباید در مرحله تحقیقاتی محدود بماند و باید از مرحله تحقیق به فناوری و از فناوری به صنعت تبدیل شود [۹۶]. این موضوع یک سیر مهم در سیاستگذاری علمی است، چرا که تبدیل علم به فناوری و صنعت نیازمند در نظر گرفتن مسائل اقتصادی است.

ضرورت نهضت علمی در طول زمان، یادآوری می‌شود. این موضوع یکی از پایه‌های کشور در پیشرفت و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد. اگر چه مفاهیم اولیه‌ای چون نهضت نرم‌افزاری تکرار نمی‌شوند، اما اهمیت رشد علمی گویای اهمیت موضوع علم تا حدی است که در بیانیه گام دوم انقلاب به رشد علمی با نگاهی تمدنی اشاره شده و بیان می‌شود که کشور همچنان از قله‌های علم و فناوری عقب است. ابر مفاهیم مرتبط با رشد علمی به شکل ذیل ترسیم می‌شود:

شکل ۱۰. کلیدواژه‌های مرتبط با رشد علمی در نگاه رهبر شهید انقلاب



مأخذ: همان.

۲-۶. محوریت علوم انسانی

جنبش نرم‌افزاری مفهومی بود که در ارتباط با علوم انسانی مطرح گردید و سپس با طرح مفهوم تولید علم به عرصه علوم پایه و علوم فنی پا گذاشت. در این جنبش مسئله اصلی امکان فراتر رفتن از وضعیت موجود علمی و نظریات ترجمه‌ای است. اگرچه در دهه شصت طراحی سیستم اسلامی برعهده روحانیون نهاده شده بود، اما در این جنبش، دانشگاهیان نیز برای حل مسائل نرم و مشکلات اخلاقی و آداب اجتماعی به فعالیت علمی دعوت می‌شوند. اولین نکته آن است که علم ساحتی دارای ارزش است و سکولار و فارغ از ارزش نیست. مسئله دوم آن است هدف صرفاً تحصیل علم نیست و تولید علم باید امکان فراتر رفتن از مرزهای موجود علمی را فراهم کند، چراکه علوم غربی بر مبنای جهان‌بینی نادرستی شکل گرفته‌اند و تحصیل آنان نمی‌تواند برای جامعه اسلامی مفید باشد، باید امکان فراتر رفتن از مبانی موجود، به نفع هویت ملی فراهم شود [۹۲].

اما در علوم انسانی مسئله اساسی تقلید و ترجمه است: «اما علوم انسانی. با این همه تأکیدی که بر علوم انسانی شده، تقریباً علوم انسانی هم به همان شکل علوم پایه اداره می‌شود و باز همچنان همان اشکال به قوت خودش باقی است. ما آغوش مان را باز کرده‌ایم

و حرف‌هایی که الان در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ و حتی فلسفه و ادبیات مطرح است، از خارج برای ما دیکته می‌شود! ما باید در زمینه علوم انسانی یک کار اساسی بکنیم و این حرف، حرفی نیست که امروز به ذهن کسی رسیده باشد؛ نه، این حرف، سال‌هاست که گفته شده و باید تحقق پیدا کند. چه کسانی باید این کار را بکنند [۹۷]؟»

اگرچه به‌نظر می‌رسد، در حل برخی مسائل نرم جامعه مثل اخلاقیات و رعایت قوانین علوم انسانی می‌تواند راهگشای حل مسائل باشد اما در حال حاضر کشور فاقد نیروهای کافی و معتقد به جهان‌بینی اسلامی برای تدریس علوم انسانی است [۹۸]. این وضعیت در حالی است که رهبری از اختلال در انتقال مبانی فکری انقلاب اسلامی در دوره بیداری اسلامی سخن می‌گویند [۷۸]. وظیفه‌ای که می‌تواند با تطور علوم انسانی به نتیجه برسد. همچنین مطالبه رهبری از نخبگان این است که در دوره افول کمونیسم و لیبرالیسم، به‌عنوان گفتمان‌های مسلط در گذشته جهان، ایران اسلامی می‌تواند حرف نویی را به بشریت عرضه کند. این مأموریت می‌تواند با تطور علوم انسانی به سرانجام برسد. در نگاه رهبری منظور از تحول علوم انسانی یافتن مبانی دینی برای آن است، و نیاز است تا برای علوم انسانی مبانی علمی و فلسفی تدوین گردد [۸۴].

جدول ۳. نسبت علوم انسانی با آینده ایران در نگاه رهبر شهید انقلاب

امکانات	چالش‌ها	بایسته‌ها
* حل مسائل نرم و مشکلات اخلاقی و آداب اجتماعی * انتقال مبانی فکری انقلاب اسلامی برای ملت‌های اسلامی * ارائه تفکر اسلامی به‌عنوان نسخه جایگزین کمونیسم و لیبرالیسم در جهان	* جهان‌بینی نادرست علوم انسانی موجود * تقلیدی و ترجمه‌ای بودن علوم انسانی در کشور * فقدان نیروی کافی معتقد به جهان‌بینی اسلامی برای تدریس علوم انسانی	* یافتن مبانی دینی برای علوم انسانی * تدوین مبانی علمی و فلسفی علوم انسانی

مأخذ: همان.

۳-۶. سیاست خارجه

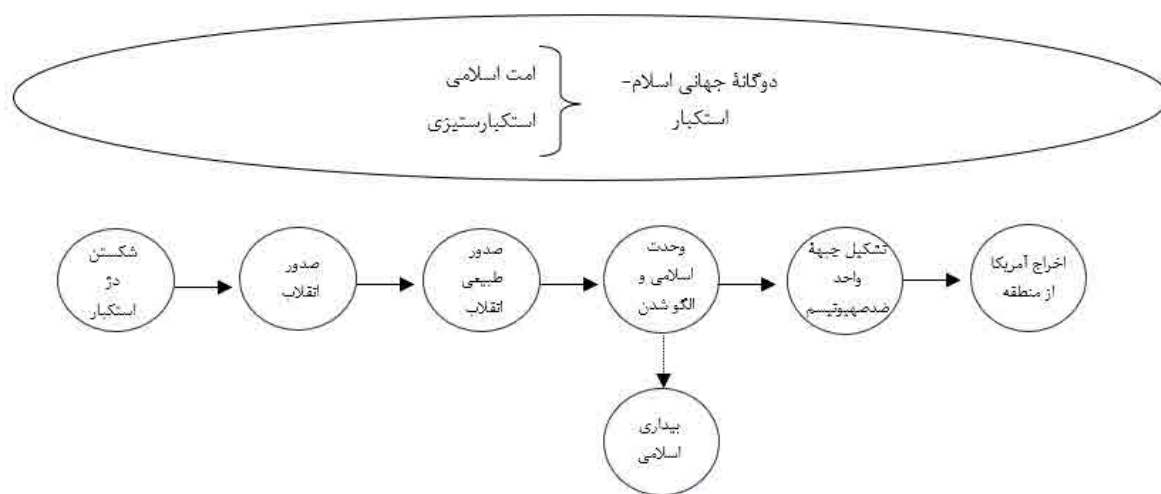
در مفاهیم مربوط به حوزه سیاست، می‌توان سیر تحول از آرمان‌های اولیه به سمت مسائل عینی و مشخص را مشاهده نمود. دلیل این امر آن است که آرمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی، اهدافی کلان‌اند که در سایه تداوم آرمان‌خواهی انقلابی قابل تحقق خواهند بود، امری که در کلیدواژه «نظریه نظام انقلابی» مشهود است. لذا در مقاطع مختلف تاریخی دو آرمان «استکبارستیزی» و «امت اسلامی» به‌صورت پرتکراری مطرح می‌شوند. ماحصل این دو آرمان کلان در شکل عام جهانی خود تحت عنوان «دوگانه اسلام - استکبار» در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مطرح گردیده است. شمای کلی مفاهیم آینده‌شناسانه در عرصه سیاست را می‌توان این‌گونه ترسیم نمود:

شکل ۱۱. ایده‌های راهبردی و کلیدواژه‌های محوری عرصه سیاست خارجه در نسبت با ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب



مأخذ: همان.

شکل ۱۲. سیر کلیدواژه‌ها و استعاره‌های سیاست خارجه در نگاه رهبر شهید انقلاب



مأخذ: همان.

۱-۳-۶. استکبارستیزی

بسیاری از مسائل تمدنی از جمله حوزه‌های فرهنگ و اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با حوزه سیاست و اهداف سیاسی قابل تحلیل‌اند؛ لذا مفاهیم آینده‌شناسانه و مبانی رفتار نظام اسلامی در سیاست باید مورد تحقیق قرار گیرد. انقلاب اسلامی در شرایطی رخ داد که یک کمر بند از کشورهای متحد با آمریکا، همسایگان متخاصم با رژیم صهیونیستی را احاطه کرده بودند. با وقوع انقلاب اسلامی این کمر بند آمریکایی با محوریت رژیم صهیونیستی شکسته شد و دژ مستحکم آمریکایی فرو ریخت. «دژ مستحکم» مفهومی ژئوپلیتیک است که در بیانات متعددی از رهبر انقلاب در سال‌های نخستین مطرح می‌گردد: «اما آینده چگونه است؟ اما آینده فلسطین و قدس چگونه است؟ من در این باره به شما مقداری آگاهی بدهم تا ملت ایران بداند همچنانی که یک طلسم شکست‌ناپذیر را در این منطقه شکست، یعنی بزرگ‌ترین دژهای مستحکم را در منطقه‌ی خاورمیانه بلکه در سراسر آسیا توانست متلاشی کند، دژ بزرگ و نیرومند امپریالیست؛ یعنی حکومت جبار و غاصب پهلوی را توانست در منطقه شکست بدهد، همچنین این طلسم دوم را که به صورت یک قدرت افسانه‌ای درآمده است، انقلاب ما خواهد شکست و از بین خواهد برد [۹۹]». لذا بر این مبنا فلسطین محور مبارزه با استکبار جهانی است و جمهوری اسلامی به صورت همه‌جانبه از آن حمایت می‌کند [۹۹].

استکبارستیزی مفهومی است که از ابتدای انقلاب اسلامی مطرح بوده است، به گونه‌ای که می‌توان یکی از ارکان هویت انقلاب اسلامی را نفی استکبار دانست. این موضوع در برهه‌های گوناگون نیز در ارتباط با مسائل داخلی و حتی خارجی ایران مطرح بوده است به گونه‌ای که ریشه بسیاری از مسائل حضور استکبار جهانی بوده است. اما این مفهوم در بیانات رهبری در دهه نود اهمیت بالاتری می‌یابد و به عنوان یک اصطلاح پرتکرار مطرح می‌شود، دلیل این تکرار نیز در بیان رهبر شهید انقلاب مشهود است: «اینکه ملاحظه می‌کنید بنده مرتب روی مسئله استکبار تکیه می‌کنم، روی مسئله آمریکا تکیه می‌کنم، [به خاطر] این نیست که از روی عادت، آدم دائم بخواهد یک حرفی را تکرار کند؛ نه، اینها احساس خطر است. اگر نظام اسلامی در قبال نظم منحط جهانی هویت خودش را از دست داد، شکست خواهد خورد [۲۶]».

در دهه نود با تشدید فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای موضوع مذاکره و ارتباط با دولت استکباری آمریکا مطرح گردید. این موضوع به نوعی در برابر هویت ضد استکباری انقلاب اسلامی مسائلی را برانگیخت. در این دهه این نظر مطرح شد که امکان صلح با آمریکا در مسئله هسته‌ای وجود دارد و نیازی به دشمنی بیشتر با استکبار جهانی نیست. رهبری در پاسخ به این موضوع می‌فرماید:



«یکی از کارهای آمریکایی‌ها در این سال‌های آخر، این است که کسانی را وادار کنند به بَزَک کردن چهره آمریکا؛ به اینکه این جور وانمود بکنند که آمریکایی‌ها اگر هم یک روزی دشمن بودند، امروز دیگر دشمنی نمی‌کنند؛ هدف این است. هدف این است که چهره دشمن برای ملت ایران پنهان بماند تا از دشمنی او غفلت بشود و او بتواند دشمنی خودش را اعمال کند و خنجر را از پشت فروکند؛ هدف این است. یک عده‌ای البته مغرضانه این کار را می‌کنند، یک عده‌ای هم از روی ساده‌لوحی این کار را می‌کنند. واقعیت قضیه این است که اهداف آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی هیچ تغییر نکرده است [۱۰۰].»

به موازات طرح دوستی با آمریکا، برخی نظرات اساساً آرمان‌خواهی را مورد سؤال قرار داده و آن را مانع می‌دانند. رهبری در برابر این تهدید نیز بر آرمان‌های بلند اسلامی تأکید کرده و در موارد متعددی بر حفظ اصول و آرمان‌ها تأکید می‌نمایند. در تشریح این مهم رهبری موضوعاتی از جمله «جبهه واحد ضدصهیونیست [۸۵]» و «خراج آمریکا از منطقه [۱۰۱]» را مطرح می‌نمایند. همچنین از دوگانه کلان اسلام و استکبار در سطح جهانی سخن می‌گویند [۲۲]. از جمله مسائلی که ذیل موضوع استکبارستیزی مورد تأکید رهبری قرار می‌گیرد تبیین اهمیت مقاومت و تسلیم نشدن است. در این مورد رهبری در موضوع اهمیت مقاومت می‌فرماید: «هزینه تسلیم در مقابل دشمن بیشتر است از هزینه مقاومت. وقتی شما در مقابل دشمن تسلیم می‌شوید، باید هزینه بدهید. رژیم پهلوی در مقابل آمریکا تسلیم بود - خیلی اوقات هم ناراحت بودند، ناراضی بودند اما تسلیم بودند، می‌ترسیدند - هم نفت می‌داد، هم پول می‌داد، هم باج می‌داد، هم توسری می‌خورد! امروز دولت سعودی هم همین جور است؛ هم پول می‌دهد، هم دلار می‌دهد، هم بر طبق خواست آمریکا موضع‌گیری می‌کند، هم توهین می‌شنود؛ به او می‌گویند «گاو شیرده»! هزینه سازش، هزینه تسلیم، هزینه عدم مقاومت، از هزینه مقاومت به مراتب بیشتر است؛ هزینه مادی هم دارد، هزینه معنوی هم دارد.» [۱۰۲]

۲-۳-۶. صدور انقلاب

از طرفی در طرح تمدنی ناشی از مبانی الهیاتی، مبارزه با دیگری استکباری تداوم خواهد داشت [۱۸]. چرا که انقلاب اسلامی محور تاریخ گردیده و آینده مستضعفان به آن وابسته است [۵۶]. در سال‌های اولیه صحبت از «صدور انقلاب» واضح‌تر بیان می‌گردد: «یک عامل، امپریالیسم آمریکا است که در منطقه در صورت دولت غاصب اسرائیل تجلی و تجسم پیدا کرده است. ما باید این دولت غاصب را - که مظهر سلطه و تجاوز آمریکایی است - مورد فشار قرار بدهیم و هدف به نابودی آن بگماریم. عامل دیگر، در روبه‌روی آن و در مقابل آن، ملت‌های مستضعف عرب‌اند. این ملت‌های مستضعف را ما باید برادران خود و هم‌جبهه‌گان خود بدانیم، باید اینها را دعوت کنیم به یک قیام عمومی و همگانی [۱۰۳].»

اما با وقوع جنگ و بروز مسائل سیاسی، هدف به‌جای تغییر نظام سیاسی کشورها، نوعی صدور فکر برای مبارزه مردمی، در برابر مکاتب مادی معرفی می‌شود. در این طرح ملت‌ها به نام اسلام به پا می‌خیزند و این خود نوعی دستاورد انقلاب اسلامی و مبنایی برای صدور انقلاب است [۱۰۴]. در جنگ ایران و عراق، آمریکا عراق را به عنوانی سپری در برابر انقلاب ایران قرار داد، اما این امر در افزایش جاذبه فرهنگی انقلاب ایران اثر مثبت گذاشت و رسماً بیان شد که هدف ایران، تحمیل رژیم سیاسی بر دولت عراق و هیچ کشور دیگری نیست: «اگر می‌خواستند با این جنگ موجب بشوند که ما سیستم سیاسی را به زور بر ملتی، بر دولتی، بر کشوری تحمیل نکنیم، باز هم اشتباه کردند؛ ما قصد چنین کاری را نداشتیم. ما کی خواسته بودیم سیستم سیاسی و حکومتی خودمان را بر یک کشور دیگری، اعم از عراق یا غیر عراق تحمیل کنیم؟ الان هم در ذهن ما و در نیت ما چنین چیزی نیست. دلیلش هم این است که شما می‌بینید همسایه‌های ما با سیستم‌های سیاسی گوناگون، نوع شرقی‌اش، نوع غربی‌اش، نوع میانه‌اش، نوع التقاطی‌اش، همه جورش اطراف ما هستند. در شمال ما، در شرق ما، در جنوب ما، کشورهای مختلفی هستند؛ ما با اینها روابط دوستانه داریم و هر کدام که خواستند با ما روابط سالمی داشته باشند، ما استقبال کردیم؛ روابط سالم برقرار کردیم [۱۰۳].»

لذاست که انقلاب اسلامی در طرح تمدنی خود به امت اسلامی نگاه دارد و این رابطه با امت را با ملاک نزدیک کردن دل‌ها [۱۰۵] دنبال می‌کند. یعنی صدور انقلاب را در روش‌های مرسوم نظامی نمی‌بیند و از ارتباطات فرهنگی و فکری برای صدور انقلاب بهره

می‌برد. لذا در پایان از صدور طبیعی انقلاب یاد می‌شود و منظور از صدور طبیعی انقلاب آن است که جمهوری اسلامی به دنبال صادر کردن آن نیست اما با وجود یک فکر که ریشه در مبانی اسلامی دارد و جاذبه آن برای ملت‌ها به صورت طبیعی صادر خواهد شد، اگرچه رژیم صهیونیستی و آمریکا درخصوص این صدور انقلاب به دنبال راه انداختن جنجال هستند [۱۰۶].

از طرفی استکبار جهانی نیز ساکت ننشسته و به مقابله با نظام اسلامی ادامه خواهد داد، چرا که مبنای آن بر باج‌خواهی بوده و تا لحظه‌ای که از قدرت دشمن خود مأیوس نشود به مبارزه ادامه خواهد داد [۱۰۷]. در این طرح قوی شدن ایران در رقابت با دولت‌های استکباری مبنایی برای توسعه نظامی و اقتصادی خود است. امری که در شروع دوره سازندگی ضروری می‌کند و در دستورکار قرار می‌گیرد: «تمام تلاش همه قشرها - آحاد مردم، مسئولین، بالا، پایین، رتبه‌های اول در نظام دولتی، رتبه‌های دوم و سوم، همه و همه - باید این باشد که بر اقتدار نظام جمهوری اسلامی اضافه کنند. این وسیله نهایی مأیوس کردن دشمن است: اقتدار سیاسی و اقتصادی و نظامی و این حاصل نمی‌شود مگر با سازندگی. تمام کسانی که نقشی در اداره کشور و در سازندگی کشور دارند، باید تلاش خودشان را چند برابر کنند. در صحنه تولید، تولیدگران باید تا آنجایی که می‌توانند تولید کشور را بالا ببرند؛ بخش‌های اداری و دولتی با حسن عمل، با جلب اعتماد مردم، با ارائه خدمات مخلصانه به مردم باید بر کیفیت کارشان بیفزایند؛ آن کسانی که در زمینه‌های فرهنگی برای مردم منبع الهام و ارشاد هستند تلاششان را اضافه کنند. اقتدار سیاسی و سازندگی درست کشور و احساس ثبات کامل در نظام جمهوری اسلامی، دشمن را مأیوس خواهد کرد» [۱۰۸].

۳-۳-۶. وحدت و تقویت کشورهای اسلامی

در ادامه می‌توان گفت نظریه صدور انقلاب به نظریه الگو شدن تبدیل می‌شود و تلاش بر آن است تا نظام اسلامی از نظر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به درجه‌ای برسد که فکر اسلامی برای سایر ملت‌ها جاذبه داشته باشد. در چارچوب نگاه امتی انقلاب اسلامی و طرح نظام اسلامی به عنوان یک الگو، ایده وحدت اسلامی دنبال می‌شود؛ چراکه برای انتشار ارزش‌های اسلامی، وحدت، امری بایسته است [۱۰۶]. این طرح در کنفرانس سران کشورهای اسلامی، ایده‌های بلند خود از وحدت را با یادآوری تمدن اسلامی گذشته، مطرح می‌کند:

«میهمانان عزیز! بیایید به حول و قوه الهی، از این فرصت‌ها بهره بگیریم، به یکدیگر نزدیک‌تر شویم و مرکز و نقطه اتصال میان خود را تقویت کنیم. کنفرانس اسلامی باید قطعنامه‌های خود را تا اجرای کامل، پیگیری کند تا این اجلاس‌ها برای ملت‌های ما، دستاوردی داشته باشد. به علاوه باید بتواند پارلمان بین‌المجالس کشورهای اسلامی را تأسیس کند، بازار مشترک اسلامی را از صورت یک آرزوی دور، به یک واقعیت تبدیل کند، دیوان داوری اسلامی را پی‌ریزی نماید و بالاخره به نمایندگی از پنجاه و پنج کشور اسلامی و یک میلیارد و چند صد میلیون نفر، یکی از اعضای ثابت شورای امنیت سازمان ملل متحد باشد و تا وقتی حق «وتو» باقی است، ششمین عضو دارای حق «وتو» در آن شورا باشد. این است آفاق آینده این کنفرانس و همین است که می‌تواند آفاق آینده امت اسلامی را ترسیم کند» [۱۰۹].

همچنین در این کنفرانس بر وحدت حول محور فلسطین تأکید می‌شود و افزایش تجارت بین کشورهای اسلامی نیز به عنوان یکی از راهکارهای وحدت مطرح می‌گردد. این اهداف بیانگر اهداف کلان نظام در حوزه منطقه و کشورهای اسلامی از دیدگاه رهبری است. از دیدگاه رهبری مسئله هلال شیعی برای شکستن وحدت و در جهت اختلاف‌افکنی میان شیعه و سنی مطرح می‌شود، همچنین موضوع جزایر سه‌گانه نیز توسط استکبار برای اختلاف‌افکنی به عنوان راهبردی در برابر وحدت مطرح می‌گردد [۱۱۰].

اما موضوع الگو شدن انقلاب اسلامی، تحقق خود را در پدیده بیداری اسلامی نشان می‌دهد. در این پدیده بسیاری از دولت‌های دیکتاتوری وابسته با انقلاب مردمی سرنگون می‌شوند، رهبری حمایت ایران از حرکت‌های مردمی ضد استبدادی را اعلام کرده و خط قرمز حمایت را حضور آمریکا در کشورهای اسلامی می‌دانند [۱۱۱]. همچنین موضوعی روایتی از این جنبش‌ها در کشورهای اسلامی ارائه می‌دهند که با مبانی انقلاب اسلامی سازگار است: «انتخابات تونس و مصر و شعارها و رویکردهای مردم یمن و بحرین و



سایر سرزمین‌های عربی، علامت می‌دهد که همه می‌خواهند «مسلمان معاصر» بدون افراط خشکسرانه و تفریط غرب‌گرایانه باشند و با شعار «الله اکبر» می‌خواهند مسلمانانه، با ترکیب «معنویت»، «عدالت» و «عقلانیت»، و با روش «مردم‌سالاری دینی»، از پس تحقیر و استبداد و عقب‌ماندگی و استعمار و فساد و فقر و تبعیض صدساله‌های یابند؛ و این، درست‌ترین راه است [۱۱۲]. منظور از مفهوم «مسلمانان معاصر» هویتی است که فارغ از تحجر و غرب‌گرایی به اسلام ناب معتقد است و تحت تأثیر شعارهای دموکراتیک یا سلفی قرار نمی‌گیرد. این روایت هویتی از انقلابیون امکان ارتباط با انقلاب اسلامی ایران را فراهم می‌کند. این مفهوم همراه با این نکته است که برنامه استکبار جهانی معرفی ایران به عنوان عنصری تفرقه‌افکن [۱۱۱] و به دنبال شیعه کردن مسلمین [۱۱۲] است.

۴-۳-۶. جبهه واحد جهانی ضد صهیونیستی

سال‌های ابتدایی دهه هشتاد به دلیل شروع مسئله هسته‌ای، وضعیتی است که در آن مسئله نبود دشمنی آمریکا با ایران مطرح می‌گردد، رهبری در برابر این موضوع موضع قویاً ضد استکباری گرفته و همچنین به نقد طرح «خاورمیانه بزرگ» که در آن آمریکا به دنبال تسلط بر منطقه با محوریت رژیم صهیونیستی است می‌پردازند [۱۱۳]. از آنجاکه دهه هشتاد، بسیاری از پیشرفت‌ها به وقوع پیوسته و صحبت از الگو شدن ایران اسلامی است، رهبری موضوع بیدار شدن امت اسلامی با الگوگیری از انقلاب اسلامی را طرح می‌کنند [۱۱۴]. همچنین صحبت از ایجاد یک «هویت بین‌المللی ضد صهیونیستی، مؤمن و خستگی‌ناپذیر» است که غرب و سرمایه‌داری را به چالش بکشد، این هویت باید بر قدرت خود دائماً بیفزاید و متکی بر این قدرت که پایه آن علم است، بتواند ضامن رخدادهای بین‌المللی مانند پیمان‌های جهانی شود: «باید اینها را به چالش کشید. چه کسی می‌تواند؟ یک هویت جمعی بین‌المللی زنده خسته نشو، متکی به ایمان قلبی و دینی؛ این است که نمی‌گذارد انسان خسته شود. هر چیز دیگری قابل خسته شدن است، جز ایمان با طراوت دینی. این می‌تواند آن قدرت‌ها را به چالش بکشد و تعدیل کند و در نهایت آنها را از بین ببرد [۴۱]». در دهه نود، از طرفی در موضع آرمان‌خواهانه این دهه طرح «جبهه واحد ضد صهیونیست [۸۵]» و «اهمیت اخراج آمریکا [۱۰۱]» از منطقه به عنوان دو راهبرد میان‌مدت مطرح می‌گردد. نتیجه این بحث در نگاه رهبری بالا آمدن دوگانه اسلام-استکبار در سطحی جهانی است؛ این موضوع در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد تأکید قرار می‌گیرد.

۴-۶. اقتصاد

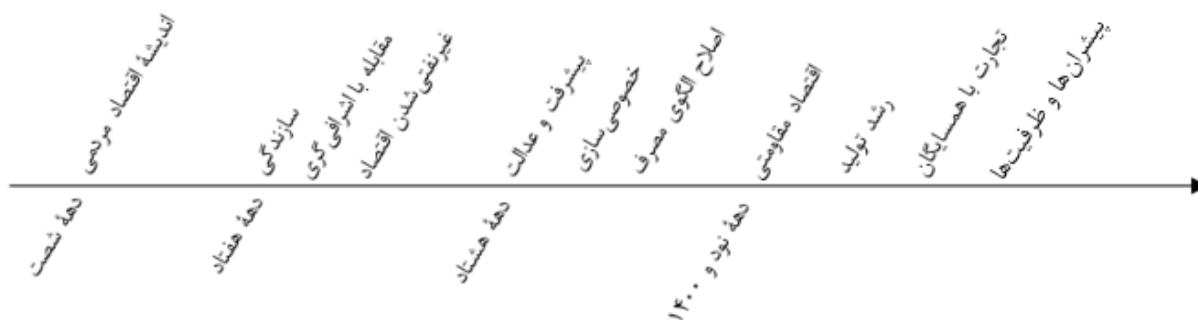
اگر چه اقتصاد برای جامعه اسلامی نقش ابزار و وسیله در جهت رسیدن به هدف را دارد، اما اقتصاد ضعیف ابزار سلطه است. پس می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که تقویت اقتصاد یکی از دستور کارهای اساسی نظام اسلامی در مقابله با نظام سلطه و برقراری انسجام اجتماعی خاص خود است که در آن عدالت و مبارزه با فساد از امور واجب است [۲۲]. صحبت از آینده اقتصاد و مفاهیم آینده‌شناسانه آن در اندیشه رهبری با بحث از مبانی و اصول اقتصادی قابل طرح است. این مبانی در دهه شصت تا دهه نود همگی بنا بر اقتضائات خاص جامعه مطرح شده‌اند، ولی در عین حال بیانگر صورت مطلوب اقتصاد در جامعه ایران هستند. همچنین با پیشرفت کشور و گذار از مراحل تاریخی، به فراخور، برخی اصول اقتصادی مورد تأکید قرار می‌گیرند که نشان‌دهنده دیدگاه رهبری نسبت به آینده اقتصادی ایران هستند. سیر تحول مفاهیم آینده‌شناسانه حوزه اقتصاد را در شکل ذیل می‌توان خلاصه کرد.

شکل ۱۳. ایده‌های راهبردی و کلیدواژه‌های محوری عرصه اقتصاد در نسبت با ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب



مأخذ: همان.

شکل ۱۴. سیر کلیدواژه‌ها و استعاره‌های اقتصادی در نگاه رهبر شهید انقلاب



مأخذ: همان.

۱-۴-۶. اقتصاد مقاومتی

کلان‌ایده رهبر شهید انقلاب در عرصه اقتصاد را می‌توان با استعاره «اقتصاد مقاومتی» درک کرد. برای فهم بهتر ابعاد این ایده راهبردی و تکوین آن، باید مروری تاریخی بر نگرش اقتصادی رهبری در دهه‌های مختلف داشته باشیم. در دهه ۶۰، از نظر گفتمانی، فضای اقتصاد چپ و سوسیالیستی بر جامعه غلبه دارد، هم سیاست‌های دولت حاکم ناشی از نگاه چپ به اقتصاد است. رهبری اما در این دوران نگاه خاص خود به اقتصاد را ارائه می‌دهند که بیانگر نسبت دولت با اقتصاد است. در این نگاه که در ادامه مباحث مربوط به آزادی در نماز جمعه تهران مطرح شده است؛ آزادی اقتصادی نباید منجر به قدرت مانور اقتصادی عده‌ای در جامعه شود و آحاد مردم باید توانایی بهره‌مندی در اقتصاد را داشته باشند و این آزادی باید با کنترل، هدایت و نظارت دولت همراه



باشد تا مانع از بروز فساد در جامعه گردد [۱۱۵]. لذا می‌توان نتیجه گرفت که نگاه رهبری، عدم مداخله دولت در اقتصاد نبوده و ایشان شأن دولت را حاکمیت در اقتصاد می‌دانند؛ اما در برابر دیدگاه چپ حاکم بر گفتمان اقتصادی، حضور مردم و سرمایه‌های آنها در فعالیتهای اقتصادی را ضروری می‌دانند:

«در اقتصاد آزاد اسلامی به مقتضای آزادی اقتصادی، مسئولیت امور اقتصادی جامعه و سنگینی بار امور اقتصادی جامعه هم بر دوش مردم است. در کشورهای سوسیالیستی این‌جوری نیست؛ در کشورهای سوسیالیستی و در نظام دولت‌سالاری که دولت همه کارخانجات، زمین‌ها و دستگاه‌های تولید ثروت را و تولید را در اختیار دارد، مردم کارمندان دولت هستند، از مردم توقعی نمی‌شود داشت. مردم برای کار مثلاً جنگ یا ویرانی یا زلزله یا بیماری اگر در جامعه به وجود آمد، کارمندان دولت‌اند، چه کار می‌توانند بکنند؟ مگر تن خودشان را بیاورند مصرف کنند. اما در نظام اسلامی این‌جوری نیست، اتفاق و دادن مال و اداره امور نیازهای اقتصادی و پر کردن خلأهای اقتصادی مستقیماً بر دوش ملت و مردم است و آحاد مردمی است که کارهای اقتصاد جامعه و فعالیت آزاد اقتصادی را در جامعه دارا هستند [۱۱۵].»

انقلاب در نگاه خود به حیات طیبیه هم سازندگی زندگی مادی و هم سعادت زندگی معنوی را مدنظر داشت بنابراین باید از ابتدا به سازندگی کشور و رفع محرومیت‌ها همت می‌گماشت. وقوع جنگ تحمیلی نیز ضرورت بازسازی را ایجاب می‌کرد این موضوع خود سبب پیگیری ایده سازندگی شد. سازندگی دارای معنای خاص خود در ابتدای دهه هفتاد است: «مسئله، سازندگی درونی ما است. ما اگر نتوانیم کشورمان را و ملتمان را و درون خودمان را درست بسازیم، ملت‌های مسلمان از ما مأیوس خواهند شد؛ دشمن هم نسبت به ما جری خواهد شد؛ بدگویان زبانشان دراز خواهد شد؛ خواهند گفت این‌ها که خودشان را نتوانستند اصلاح کنند و بسازند، کشور خودشان را نتوانستند آباد کنند، چه می‌گویند؟ لذا این یکی از دو بزرگ‌ترین هدف‌های ما است؛ سازندگی. سازندگی یعنی چه؟ سازندگی یعنی سازندگی طبیعت این کشور، سازندگی شهرهای این کشور، سازندگی اقتصاد این کشور، سازندگی صنعت این کشور، رونق دادن به زندگی و به اقتصاد در این کشور، از بین بردن محرومیت و فقر در این کشور، رسیدگی به زندگی محرومین و فقرا و طبقاتی که در فشار زندگی به سر می‌برند با آباد کردن کشور؛ و سازندگی معنوی و درونی خود ما؛ و سازندگی علمی [۳۹].» سازندگی راهی برای مقابله با دیگری استکباری است و معنایی در جهت رفع محرومیت و اختصاص امکانات در گستره تمام آحاد مردم دارد. بنابراین توجه به محرومین در مرکز آن توصیه‌های سازندگی قرار دارد. اولویت سازندگی با تأمین رفاه اقشار کمتر برخوردار است [۱۱۶]. اما مسئله اساسی آن است که در دوران سازندگی، سیاست‌های نوسازی حاکم گردیده و افزایش نقدینگی و تورم سبب شکل‌گیری فاصله طبقاتی و بهره‌مندی طبقات خاصی از جامعه می‌گردد. این موضوع تحت عنوان «خطر دنیاطلبی در دوران بازسازی» یاد شده و موضوع اشرافی‌گری و افزایش فاصله طبقاتی مطرح می‌گردد: «اسلام از ما خواسته است که روی زمین را آباد کنیم و به ثروت جامعه بیفزاییم. این درست؛ اما در عین حال اسلام خواسته است که در جامعه، فاصله میان دو قشر از جامعه - قشر فقیر و قشر غنی - فاصله زیاد و دره عمیقی نباشد و شکاف به وجود نیاید. این‌طور نباشد که در جامعه، عده‌ای دچار فقر و تنگدستی و تیره‌روزی باشند، اولیات زندگی به دست آنها نرسد؛ اما عده‌ای ثروت‌های افسانه‌ای درست کنند. این را اسلام نمی‌خواهد. این، خلاف عدالت است. این، همان چیزی است که اگر در جامعه به وجود آمد و به آن میدان داده شد، آن وقت دیگر تأمین عدالت اجتماعی در جامعه، شکل افسانه‌واری به‌خود خواهد گرفت. دیگر نمی‌شود امیدوار بود که جامعه به عدالت اجتماعی خواهد رسید. باید جلو این را گرفت [۳۸].»

در این دوران زندگی ساده و حرکت جامعه به‌سوی زهد یک توصیه عمومی است که مردم و مسئولان را شامل می‌شود [۱۱۷]. همچنین تذکرات زیادی در خصوص تبرز و دنیاطلبی داده می‌شود. یکی از مشکلات اشرافی‌گری آن است که در صورت رواج آن اعتماد عمومی مردم از بین رفته [۶۶] و انسجام اجتماعی به خطر می‌افتد. در این دهه با توجه به نگاه خاص رهبر شهید به اقتصاد مردمی، توصیه‌هایی به دولت صورت می‌گیرد که از آنها لزوم نظارت و کنترل دولت بر قیمت‌ها منتج می‌شود؛ چراکه برخی از

افزایش قیمت‌ها ناشی از اسراف و اجحاف‌هاست و قیمت نباید به منزله وحی منزل و ناشی از مکانیزم اقتصادی تلقی شود [۱۱۶]. دهه هشتاد، دورانی است که پیشرفت‌های دوره سازندگی به ثمر نشسته است و کشور از نظر زیرساختی به وضعیت مطلوبی رسیده است. این دهه متأثر از سیاست‌های نوسازی مستعد وجود فاصله طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی است؛ لذا مطالبه عدالت که پیش از این بیشتر در مفاهیم دنیاطلبی، اشرافی‌گری و رفع محرومیت‌ها مطرح شده بود، در این دوره به یک مفهوم محوری تبدیل می‌شود: «آن نسخه اقتصادی که امروز کشورهای غربی برای مردم دنیا می‌پیچند و ارائه می‌دهند که طبقاتی را مرفه می‌کند و رونق اقتصادی را بالا می‌برد و به قیمت ضعیف شدن و فقیر شدن و زیر فشار قرار گرفتن طبقاتی از جامعه تمام می‌شود؛ این را اسلام نمی‌پسندد. رفاه اقتصادی همراه با عدالت، همراه با روح مواسات و همراه با روح برادری، باز در سایه اسلام به دست می‌آید [۱۱۸].» مطالبه عدالت البته در بیان رهبری مطالبه‌ای نیست که امکان تحقق آن به صورت دفعی ممکن باشد اما سیاست‌هایی برای عدالت و مواجهه با فساد برای نظام اسلامی ضروری است. این دهه که در سال‌های پایانی خود دهه «پیشرفت و عدالت» نام می‌گیرد، دهه‌ای است که در آن به اهمیت ظرفیت‌های درونی و به کارگیری سرمایه‌های مردمی تأکید می‌شود [۱۱۹]. اما این مهم در دهه بعد و با بروز برخی مشکلات اقتصادی به صورت یک گفتمان در می‌آید.

در دهه نود نظام اسلامی با چالش‌های اقتصادی از سوی دشمنان مواجه است. این چالش‌ها بستر اصلی‌شان آسیب‌پذیری اقتصاد ایران از برخی نواحی از جمله وابستگی به نفت، تولید ملی، فرهنگ مصرفی و ... است. جمهوری اسلامی ایران که پس از انقلاب اسلامی با چالش‌ها و تهدیدات سیاسی، نظامی و فرهنگی متعددی روبه‌رو بوده است، در دهه نود با چالش اقتصادی مواجه می‌شود به حدی که این چالش گستره و عمق زیادی دارد و نوعی خطر وجودی برای نظام اسلامی تلقی می‌شود. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در چنین بستری ابلاغ می‌شوند. ماهیت این سیاست‌ها علاوه بر آنکه در حکم نقشه راه برای اقتصاد ایران است، واجد برخی شاخص‌های ارزیابی نیز است. این سیاست‌ها از سوی رهبر شهید برای آینده ایران ترسیم شده‌اند: «مجموعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است [۲۱].»

اقتصاد مقاومتی واجد ده شاخص برجسته است که در بیانات تبیینی رهبر شهید به آن اشاره شده است:

۱- ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، از قبیل تولید ملی، از قبیل اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی و از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی.

۲- توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا.

۳- تکیه بر ظرفیت‌های داخلی... چه ظرفیت‌های علمی، چه انسانی، چه طبیعی، چه مالی، چه جغرافیایی و اقلیمی.

۴- رویکرد جهادی... همت جهادی، مدیریت جهادی. با حرکت عادی نمی‌شود پیش رفت؛ با حرکت عادی و احیاناً خواب‌آلوده و بی‌حساسیت نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد.

۵- مردم‌محوری است که در این سیاست‌ها ملاحظه شده. تجربه هم به ما نشان می‌دهد، بیانات و معارف اسلامی هم تأکید می‌کند که هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. **يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ**؛ (۵) هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست.

۶- امنیت اقلام راهبردی و اساسی است؛ در درجه اول غذا و دارو.

۷- مسئله اصلاح الگوی مصرف است؛ مسئله صرفه‌جویی، پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌گردهای زائد. البته در این زمینه خطاب اول من متوجه به مسئولان است.

۸- فسادستیزی است؛ ما اگر می‌خواهیم مردم در صحنه اقتصاد باشند، باید صحنه اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر امنیت را می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوءاستفاده‌چی و دورزننده قانون و شکننده قانون بسته بشود.



۹ مسئله دانش محوری که این هم یک مشخصه بسیار مهمی است. خوشبختانه وضع علمی امروز کشور این اجازه را به ما می‌دهد که این بلندپروازی را داشته باشیم که بخواهیم اقتصادمان را اقتصاد دانش‌بنیان کنیم [۲۱].»

ده موضوع فوق را می‌توان خلاصه‌ای از تجربیات نظام اسلامی در عرصه اقتصاد، طی دوران‌های متمادی دانست. مسئله عدالت اجتماعی از ابتدای انقلاب اسلامی، در دهه هفتاد و هشتاد مورد تأکید رهبری بوده است و در این سیاست‌ها در بخش ارتقای شاخص‌های کلان مورد توجه ایشان واقع شده است. این موضوع پیش‌ازین در کنار مسئله فسادستیزی مطرح می‌شد. موضوع تکیه بر ظرفیت‌های داخلی نیز در از ابتدای انقلاب اسلامی جزو شعارهای اصلی انقلاب بوده است. این موضوع در دوران نهضت علمی مورد نیز مورد توجه قرار گرفته است. حضور مردم در اقتصاد نیز اصلی است که در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) مورد تأکید قرار گرفته بوده است و در این سیاست‌ها به عنوان اصلی محوری برای آینده اقتصاد ایران ترسیم می‌شود.

در تبیین اهمیت این الگو می‌توان یک روند جهانی را نیز مد نظر قرار داد. بروز بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری جهانی، به خصوص بحران مالی ۲۰۰۸ و بحران اقتصادی ۱۹۹۷ آسیای شرقی بر بسیاری از اقتصادهای جهانی تأثیرگذار بوده و اندیشه مقاومت‌سازی اقتصاد را در دنیا رواج داد. ساختار اقتصاد سرمایه‌داری جهانی به گونه‌ای است که به علت وابستگی به سرمایه‌داران بسیار شکننده بوده و فرصت استقلال را از ملت‌ها می‌گیرد. این مهم سبب رشد اندیشه اقتصاد مقاومتی می‌گردد. این در شرایطی است که نظام اسلامی به دلیل سیاست ضد استکباری خود با فشار بیشتر از سوی استکبار جهانی مواجه است.

۲-۴-۶. غیرنفتی شدن اقتصاد

در دهه هفتاد با بروز دستاوردهای سازندگی و بهره‌برداری از امکانات کشور، بحث غیرنفتی شدن اقتصاد به میان می‌آید. این مهم اگرچه در سال‌های اولیه مشهود نبود [۱۲۰] اما از همان ابتدا مسئله رشد صادرات غیرنفتی مطرح گردید [۱۲۱]. مطالبه افزایش صادرات غیرنفتی و کاهش وابستگی به نفت که از دهه هفتاد شروع شد، در دهه‌های بعد نیز محل مطالبه است. در دهه هفتاد دلیل عمده‌ای که سیاست اقتصاد منهای نفت مطرح می‌شود این مسئله است که نفت سرمایه‌ای است که سیاستگذاری آن در دست دیگران است و این موضوع امکان استقلال تصمیم‌گیری را از کشور می‌گیرد، لذا می‌توان گفت دلیل عمده این سیاست در ابتدا دستیابی به استقلال سیاسی بوده است: «ما باید کاری کنیم که ملت و دولت ایران، وابسته به نفت خود نباشند. چون متأسفانه، امروز در دنیا نفت به سیاست‌های بین‌المللی، کمپانی‌ها و غارتگران بزرگ و جهان‌خواران و مستکبران وابسته است. در حقیقت، نفت در مشت آنهاست. هر گاه بخواهند، قیمتش را پایین می‌آورند، تولید را کم یا زیاد دور می‌کنند، یکی را از دور خارج یا وارد دور می‌کنند! نفت مال ماست؛ اما سیاستش در دست دیگران است [۶۳].»

در دهه هشتاد علاوه بر اهمیت سیاسی اقتصاد منهای نفت، با اهمیت یافتن مسئله هسته‌ای ایران، مسئله آینده انرژی در دنیا مطرح می‌گردد. در بیانات رهبر شهید، نفت چون تحت مالکیت دولت‌های استعماری نیست، در بازارهای جهانی به ثمن بخش معامله می‌شود و خود آنها نیز سعی در استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و بدون آلودگی را دارند. در آینده‌ای نزدیک منابع نفتی دنیا با بحران مواجه خواهند شد و نیاز به انرژی هسته‌ای بیش‌ازپیش حس می‌شود. بنابراین استقلال اقتصادی از نفت لازم به نظر می‌رسد: «من یک وقت گفتم که اگر نفت در اختیار آنها بود و ما احتیاج به نفت داشتیم، یک بطری نفت را به قیمت پدر و مادرشان به ما می‌فروختند. این طور نبود که یک بشکه نفت را مثلاً فرض کنید بیست، سی یا سی و پنج دلار و در واقع مفت! که ما الان داریم می‌فروشیم، بفروشند. ولی می‌بینید که کشورهای دارای نفت، سرمایه تجدیدنشدنی خودشان را تبدیل می‌کنند به یک پول ناقابل. اینها می‌خواهند همین معادله را در مسئله سوخت اتمی به وجود بیاورند؛ یعنی کاری کنند که اگر ما نیروگاه اتمی هم داریم، برای سوختش محتاج آنها باشیم [۹۲].»

در دهه نود با تشدید فشارهای اقتصادی مسئله نفت به ابزاری سیاسی در دست قدرت‌های استکباری تبدیل شده است، به این گونه که آنها با اعمال محدودیت‌های مختلف سعی در تأثیر بر بازارهای ایران را دارند؛ لذا در این دهه مسئله نفتی بودن اقتصاد ایران

مشکلات خود را به صورت عینی نشان می‌دهد. در این دهه به عنوان یکی از الزامات اقتصاد مقاومتی مسئله عدم وابستگی به نفت مطرح می‌شود [۱۲۲] چراکه یکی از ابزارهای اعمال فشار بر ملت ایران، نفت است: «امروز شما ملاحظه کنید، وقتی روی نفت ما فشار می‌آورند، ما دچار مشکل می‌شویم، این ناشی از چیست؟ ناشی از این است که ما تکیه‌مان را به نفت از بعد از دوره جنگ و پایان جنگ تا امروز، نتوانستیم کم کنیم، اگر ما تکیه‌مان را به نفت کم می‌کردیم، فشار بر روی نفت این قدر برای ما سخت تمام نمی‌شد [۱۲۳].»

۳-۴-۶. خصوصی سازی

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا پیش از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، همواره رشد تصدی‌گری دولت در اقتصاد فزاینده بوده و این امر سبب بروز مشکلاتی از جمله فربه شدن دولت شده است. در نگاه رهبری اقدامات صورت گرفته در جهت افزایش تصدی دولت در دهه شصت و امتداد آن در دهه هفتاد مخالف مصالح کشور بوده است: «ما در دهه اول انقلاب به خاطر مسائل دفاع مقدس و جنگ و گرفتاری‌های گوناگون و محاصرات عجیب و غریب اقتصادی و غیره، اقداماتی را کردیم که به مالکیت گسترده‌ی دولت منتهی شد؛ بیش از آن مقداری که در این اصل قانون اساسی ذکر شده بود... مالکیت دولتی به شکلی فراتر از آنچه که در اصل (۴۴) دیده شده بود، گسترش پیدا کرد، اما در دهه دوم و سوم، یعنی بعد از جنگ تا امروز، ما نباید با گسترش شرکت‌های دولتی غیرضروری - که چند هزار شرکت دولتی وجود دارد که تعداد مهمی از اینها حقیقتاً غیرضروری بودند - موافقت می‌کردیم؛ یعنی تشکیل آنها به وسیله دولت، یا واگذار نکردن بنگاه‌های ذیل اصل (۴۴) به مردم، عمل موافق مصلحت نبود [۱۲۴].» دیدگاه رهبری از دهه شصت توجه به نقش مردم به اقتصاد بوده است. تحقق این امر در سیاست‌های اصل (۴۴) قانون اساسی مشاهده می‌شود. رهبری در ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی موارد ذیل را جزء اهم دلایل این سیاست‌ها ذکر می‌نمایند:

- شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی.
- گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی.
- ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی، و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری.
- افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی.
- افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی.
- کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی.
- افزایش سطح عمومی اشتغال.
- تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها.

محور اصلی این سیاست‌ها افزایش نقش مردم در اقتصاد بوده است. از دیدگاه رهبری اصل (۴۴) قانون اساسی در زمان طراحی نیز سعی در انتخاب مسیری میانه داشته است. بدین معنا که سعی بر آن بوده است که در این اصل نه بر اقتصاد چپ‌گرای سوسیالیستی تأکید شود و دولت تصدی‌گر تمامی بخش‌های اقتصاد باشد، نه بر حاکمیت اقتصاد آزاد صحه گذاشته شود؛ این امر با تأیید مالکیت بخش خصوصی، دولتی و تعاونی شکل گرفته است. تفسیر سیاست‌های اصل ۴۴ نیز سعی در فراهم آوردن مشارکت هر چه بیشتر مردم در اقتصاد را دارد به گونه‌ای که مدیریت اقتصادی نیز توسط مردم صورت بگیرد [۱۲۵].

در ابلاغ این سیاست‌ها در ابتدای دهه هشتاد، تأکید فراوانی بر مسئله عدالت‌محوری صورت گرفته است، به گونه‌ای که این تأکید ناشی از مشی میانه‌ای است که اقتصاد اسلامی در میانه دیدگاه‌های چپ و راست اتخاذ می‌کند: «ما هم توسعه‌محوریم، هم عدالت‌محور. ما طبق برخی از سیاست‌هایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است



که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متنافی نیستند... این نکته باید در همه موارد؛ هم در کاهش حجم دولت، هم در مسئله خصوصی‌سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود [۱۲۶].

لذا یکی از اموری که از ابتدا مورد تأکید رهبری بوده است تأکید بر عدالت‌محوری در واگذاری‌هاست به‌طوری‌که اموال دولت به هدر نرود [۱۲۶]، رانت‌خواری و ویژه‌خواری به وجود نیاید و اطلاعات برای سرمایه‌گذار خصوصی شفاف باشد [۱۲۷]. همچنین با اجرای این سیاست‌ها در دهه هشتاد و نود توصیه‌های رهبری در جهت‌دهی به این امر بیشتر می‌شود؛ یکی از این توصیه‌ها این است که بخش دولتی با بخش خصوصی به رقابت نپردازد [۱۲۸]. تأکید دیگر رهبری که منجر به خلق اصطلاح «دانش‌بنیان» می‌گردد، حمایت از بخش خصوصی در زمینه‌های نوآور و فناور است. در کنار این موضوع فراهم‌آوردن شرایط لازم برای سرمایه‌گذاری مردم در اقتصاد یکی از تأکیدات دیگر رهبری در چارچوب سیاست‌های اصل (۴۴) است.

۴-۴-۶. اصلاح الگوی مصرف

موضوع صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف ضمن موضوع پرهیز از تجمل و اشرافی‌گری در دهه هفتاد مورد تأکید بوده است. سیاست‌های دوره سازندگی و رشد طبقه متوسط در این دوره، اهمیت این موضوع را دوچندان کرده بود. در دهه هشتاد نیز طبقه متوسط بسط پیدا کرده است و مصرف آن بیشتر گردیده است. در این دوره است که موضوع اصلاح الگوی مصرف یکی از موارد پرتکرار در بیانات رهبر شهید است. این مسئله دارای ابعاد مختلفی است که در این دهه توسط رهبری تشریح می‌شود. یکی از ابعاد مصرف‌گرایی از نگاه رهبری، نقش آن در ایجاد شکاف طبقاتی است: «مصرف‌گرایی برای جامعه بالای بزرگی است. اسراف، روزبه‌روز شکاف‌های طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیق‌تر می‌کند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است [۱۲۹].» در تشریح این دیدگاه می‌توان گفت، مصرف‌گرایی و اسراف نوعی سبک زندگی را ترویج می‌کند که در پی خود جامعه را به طبقات و گروه‌هایی براساس امکان یا عدم تمکن مالی تقسیم می‌کند. با رشد این سیر برخی از امور اجتماعی کاملاً به صورت منفک از هم درآمد و شکاف طبقاتی شکل می‌گیرد.

در نگاه رهبری اسراف امری صرفاً مربوط به آحاد ملت نیست، بلکه مسئولین نیز در امور ملی نیز دچار اسراف می‌شوند. برای مثال رهبری در بیانات خود می‌فرماید: «اسراف فقط در زمینه فردی نیست؛ در سطح ملی هم اسراف می‌شود. همین برق و انرژی که گفتیم اسراف می‌شود، بخش مهمی از این اسراف در اختیار مردم نیست؛ در اختیار مسئولین کشور است. این شبکه‌های ارتباطاتی، شبکه‌های انتقال برق، سیم‌های برق، اینها وقتی فرسوده بشود، برق هدر می‌رود. برق را تولید کنیم، بعد با این شبکه فرسوده آن را هدر بدهیم که بخش مهمی هدر می‌رود. یا شبکه‌های انتقال آب اگر فرسوده باشد، آب هدر می‌رود. اینها اسراف‌های ملی است؛ در سطح ملی است؛ مسئولین آن، مسئولین کشورند. اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می‌افتد. رؤسای سازمان‌های گوناگون مصرف شخصی نمی‌کنند، اما مصرف بی‌رویه در مورد سازمان خودشان اتفاق می‌افتد؛ تجملات اداره، اتاق کار، تزییناتش، سفرهای بی‌هوده، مبللمان‌های گوناگون؛ باید با مراقبت و نظارت از این کارها جلوگیری کرد. هم در سطح دولت، هم در سطح آحاد مردم، هم در سطح سازمان‌ها بایستی نگاه عیب‌جویانه به اسراف وجود داشته باشد [۴۴].»

همچنین موضوع فرهنگ عمومی مصرف نیز در این دوره مورد تأکید رهبری قرار دارد. رهبری در بیاناتی از مصرف و ضایعات بی‌رویه نان گلایه می‌نماید. همچنین مصرف بی‌رویه آب و انرژی نیز از جمله تأکیدات دیگر رهبری است [۴۴]. در این خصوص می‌توان به نقش آداب و سنن در مصرف‌گرایی نیز اشاره کرد: «مردهای ما، زن‌های ما، جوان‌های ما، پیرهای ما، اسراف را، اسراف در لباس، اسراف در خوراک، اسراف در تجملات زندگی، اسراف در زینت‌ها و آویزه‌های گوناگون کنار بگذارند. یا چشم‌وهم‌چشمی که در این عروسی، در این مهمانی، این خانم این‌جوری پوشیده، این‌جوری زینت آویخته به خودش، از این نشانه آرایش و مانند اینها استفاده کرده، من نباید عقب بمانم، اینها همان خطاها و خطرهای بسیار بزرگ است. همین‌ها است که زندگی را خراب می‌کند، همین‌ها است که در جامعه بی‌عدالتی به وجود می‌آورد، و در نهایت همین‌ها است که اقتصاد را نابود می‌کند [۱۳۰].»

اهمیت موضوع اصلاح الگوی مصرف به حدی است که به عنوان شعار سال ۱۳۸۸ انتخاب می‌شود و در سرفصل‌های سیاست اقتصاد مقاومتی دهه نود نیز یکی از موضوعات اساسی است.

۵-۴-۶. رشد تولید

یکی از نقاط اتکای سیاست اقتصاد مقاومتی رشد تولید است. دلیل اهمیت تولید برای اقتصاد ایران این است که تولید می‌تواند پایه‌ای برای خودکفایی و استقلال اقتصادی باشد. از آنجاکه اقتصاد نفتی دارای معضلاتی است که به آنها اشاره شد، همچنین سایر راهکارهای درآمدی نیز نمی‌تواند تضمین‌کننده استقلال اقتصادی باشد. تولید جریان مبادلات و تعاملات گسترده‌ای را در کشور شکل می‌دهد و ثروت جامعه را بالاتر می‌برد. رهبری در بیانات متعددی در دهه نود به موضوع تولید اشاره می‌نمایند. در نگاه رهبری تولید عاملی است که شکوفایی پایدار به وجود می‌آورد: «برای اقتصاد یک کشور، مهم‌ترین بخشی که می‌تواند یک شکوفایی پایدار را به وجود بیاورد، تولید است [۱۳۱].»

موضوع تولید امری همه‌جانبه است و ابعاد مختلف جامعه را درگیر می‌کند. رهبری نیز برای امر تولید توصیه‌های متعددی می‌نمایند. ایشان دستگاه‌های دولتی را به رفع موانع تولید توصیه می‌کنند. همچنین در موضوع سرمایه‌گذاری داخلی توجه به سرمایه‌گذاری توسط عموم مردم داشته و از هدایت نقدینگی عظیم کشور به سمت تولید یاد می‌کنند: «هر چه علم دارید و هر چه درس خوانده‌اید، آن را به کار بیندازید برای اینکه این نقدینگی عظیم سنگین را هدایت کنید به سمت تولید، یعنی همه هنرتان این باشد [۱۳۲].» مسئله سرمایه‌گذاری برای تولید تا آنجا مورد تأکید رهبری قرار گرفته که ایشان این موضوع را به عنوان شعار سال ۱۴۰۴ انتخاب نموده‌اند.

یک بعد دیگر از موضوع تولید توجه به کارگران در امر تولید است: «کارگر درستکار نقش دارد. کارگری که سختی‌های کار را تحمل می‌کند - کار سخت است دیگر؛ کار جسمانی یکی از امور سخت در زندگی است - کارگری که عمر خود را، وقت خود را، نیروی خود را صرف می‌کند تا کار را تمیز از آب در بیاورد، دارد عبادت می‌کند؛ این حسنه است. من مکرر در این دیدارهای با شما عزیزان، این روایت را از قول پیغمبر اکرم نقل کرده‌ام که: رَحِمَ اللَّهُ اِمْرًا عَمِلَ عَمَلًا فَاتَّقَنَهُ؛ (۱) رحمت خدا بر آن آدمی که کاری را که انجام می‌دهد، محکم‌کاری می‌کند [۱۳۳].»

۷. پیش‌بینی آینده جهان

رهبر شهید انقلاب براساس دیدگاه‌های الهیاتی و سیاسی خود در مواردی به پیش‌بینی آینده ایران و جهان پرداخته‌اند. در این خصوص به اهم موارد پیش‌بینی شده توسط ایشان پرداخته می‌شود.

شکل ۱۵. مهم‌ترین پیش‌بینی‌های رهبر شهید انقلاب



مأخذ: همان.



۱-۷. نهضت معنویت‌خواهی در جهان

منظور از نهضت معنویت‌خواهی در جهان صرفاً یک وضعیت سیاسی یا مطالبه اجتماعی توسط گروهی از مسلمانان یا جوانان جهان نیست، بلکه منظور از این مهم برتری معنویت‌خواهی بر تفکرات مادی است، لذا است که این موضوع در دیدگاه رهبری امری تاریخی و کلان است. وضعیت کنونی تاریخ وضعیتی ناشی از حداقل دویست سال سلطه «تمدن صنعتی» بر جهان است. این تمدن همراه با پیشرفت‌های تکنولوژیک خود، فرهنگ و سبک زندگی نیز به همراه آورده است و وجه عمده فرهنگ آن ضدیت با معنویت و دین است. در این وضعیت مادی‌نگری آسیبی است که هم تمدن صنعتی سرمایه‌داری و هم منتقدان چپ آن گرفتار آن‌اند [۱۳۷]. در نگاه رهبری، تمدن صنعتی با سرمایه‌داری و شبکه صهیونیستی عجین‌اند و هم اینان‌اند که استعمار را در کشورهای مسلمان گسترانده‌اند و برای هدف خود سعی در قلب دین و معنویت‌خواهی داشته‌اند چنانچه که در اسلامی‌ترین سرزمین‌ها، از جمله هندوستان و شاخ آفریقا موفق شده‌اند، رحل اقامت خود را بگسترنند. این تمدن مادی در دهه‌های اخیر می‌رفت تا اوج خود را رقم بزند و در این اوج اثری از دین و معنویت باقی نگذارد. در آستانه انقلاب اسلامی، هژمونی تفکرات مادی شرقی و غربی و سیطره این افکار بر عالم، جاذبه ذهنی و عینی بسیاری را برای مردم ایجاد نموده بود، تا آنکه با وقوع انقلاب اسلامی ورق برگشته و تداوم اوج‌گیری تمدن مادی قطع گردید [۱۳۷].

انقلاب اسلامی این لحظه تاریخی است که مشروط بر تداوم قاطعیت، اراده و تصمیم می‌تواند نویدبخش آیه «ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ» باشد. رهبر شهید انقلاب درباره آینده معنویت‌خواهی در جهان می‌فرماید: «وضع دنیا عوض خواهد شد و معنویت، حق خودش از اقتدار جهانی را در دنیا به دست خواهد آورد؛ این را بدانید، هیچ تردیدی در این نیست. این امکان ندارد که دیگر قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا و غیره فرض کنند که این حرکت شتابنده معنویت را در دنیا از بین خواهند برد؛ این دیگر امکان ندارد [۱۳۷].»

در نگاه رهبری محور این تحول جهانی در معنویت‌خواهی، انقلاب اسلامی است چراکه انقلاب معنویت‌خواهی را در سطحی جهانی مطرح نمود. این مهم در شرایطی رخ داد که با غیرمعنوی شدن روزافزون جهان بحران‌های بشر رو به ازدیاد بود [۱۳۸]. ارتباط معنویت‌خواهی و انقلاب اسلامی موضوعی است که مورد اشاره بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز است.

یکی از مقاطعی که نهضت معنویت‌خواهی در جهان نمایان می‌گردد، بازه مربوط به بیداری اسلامی است. در این دوران بسیاری از جوانان مسلمان که پیش‌ازین با تکیه بر دیدگاه‌های مارکسیستی به مبارزه می‌پرداختند، براساس آرمان‌های اسلامی در براندازی دولت‌های دیکتاتوری وابسته نقش ایفا کردند. لذا یکی از مخاطبان رهبری در این دوران جوانان کشورهای اسلامی هستند. در نگاه رهبری، قیام علیه دیکتاتورهای وابسته، مقدمه‌ای برای قیام علیه دیکتاتوری جهانی و شبکه خبیث صهیونیستی است. پس از این امر، آزادی ملت‌ها و حاکمیت ارزش‌های اسلامی رخ خواهد داد، امری که نوید عصری جدید را می‌دهد: «این قرن، قرن اسلام است. این قرن، قرن معنویت است. اسلام عقلانیت را و معنویت را و عدالت را با یکدیگر به ملت‌ها هدیه می‌دهد؛ اسلام عقلانیت، اسلام تدبر و تفکر، اسلام معنویت، اسلام توجه و توکل به خدای متعال، اسلام جهاد، اسلام کار، اسلام اقدام؛ اینها تعالیم خدای متعال و تعالیم اسلامی است به ما [۱۳۹].»

۲-۷. نظم نوین جهانی: جهان چندقطبی

نظم جهانی از ابتدای انقلاب بر دو رکن بلوک شرق و غرب استوار بود، اما پس از مدتی نظم تک‌قطبی با محوریت آمریکا بر جهان حاکم شد. پیش‌بینی رهبر شهید در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی افول آمریکا در ساختار نظم نوین جهانی است. اما این نظم نوین، دارای مشخصاتی است که می‌توان آن را در سه محور فروپاشی اسرائیل، افول آمریکا و جهان چندقطبی بیان نمود. در زمان پیروزی انقلاب اسلامی جهان به دو قطب بلوک شرق و غرب تقسیم گردیده بود. باوجود ثبات قطب شرق و محوریت دائمی شوروی

در آن، این بلوک دچار فروپاشی گردید. این مهم خود نشان‌دهنده آن بود که نظم حاکم بر جهان امری دائمی نیست و امکان تغییر در نظم مستقر وجود دارد [۱۴۰]. از آن پس به عقیده آمریکا نظم نوین در جهان حاکم گردید. نظمی که با محوریت آمریکا شکل گرفته و در آن ایالات متحده با سرکوب سایر کشورها بر هژمونی خود افزود.

اما همان‌طور که بحث شد، قطب سرمایه‌داری نیز در حال فروپاشی و احتضار است و در پی این وضعیت نظم جدید سر بر خواهد آورد. اولین موضوعی که در نظم جدید اهمیت دارد دوقطبی اسلام و استکبار است: «در مصاف دو قطب مبارز که الان نوزده سال یا بیست سال است که در صحنه سیاسی عالم، مبارزه می‌کنند - قطب استکبار از یک طرف، و قطب اسلام از طرف دیگر؛ قطب استکبار به رهبری آمریکا، و قطب اسلام به محوریت نظام جمهوری اسلامی که تابه‌حال هم گسترش و پیشرفت، متعلق به قطب اسلام بوده است [۱۴۱].»

قطب مهمی که در برابر استکبار جهانی سر برآورده قطب اسلام است. این قطب با محوریت جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است اما در اهداف خود در پی اتحاد کشورهای اسلامی است؛ لذا یکی از محورهای بیانات رهبر انقلاب در کنفرانس سران کشورهای اسلامی تشکیل بازارهای مشترک، بانک مشترک، گسترش همکاری‌ها و گرفتن حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل متحد است [۱۰۹]. اما در پی فروپاشی نظم پیشین انتظار می‌رود قطب‌های جدیدی در جهان ظهور نمایند. رهبری در این خصوص از قطب‌های جدید اقتصادی چون روسیه، چین و هند و لزوم ارتباط با آنان یاد می‌کند [۱۴۲]. در نگاه رهبری همان‌طور که بلوک شرق دچار فروپاشی شد، آمریکا نیز رو به افول بوده و در پس آن قطب‌های دیگر سر بر می‌آورند. یک قطب قطعی در نظم آینده قطب کشورهای اسلامی است که با محوریت جمهوری اسلامی در حال پیشرفت بوده است [۱۴۱] سایر قطب‌های صحنه بین‌الملل شامل چین، روسیه، آمریکا و اروپا خواهند بود.

۳-۷. فروپاشی اسرائیل

موضوع فروپاشی اسرائیل یکی از پیش‌بینی‌های رهبر شهید از سال‌های آغازین انقلاب اسلامی است؛ در آن دوران رژیم در کمربندی از کشورهای هم‌پیمان با آمریکا محصور شده بود و در مواردی که از سوی همسایگان هم‌مرز خود حمایت می‌شد، از کمک متحدین آمریکا برخوردار بود. انقلاب اسلامی این دژ مستحکم را شکست، درحالی‌که پشتوانه آن صرفاً مردم بود. رهبری فروپاشی اسرائیل را براساس وعده الهی قطعی الوقوع می‌دانند: «[علاوه بر فروپاشی رژیم پهلوی، ملت ایران] این طلسم دوم [رژیم اسرائیل] را که به‌صورت یک قدرت افسانه‌ای درآمد است، انقلاب ما خواهد شکست و از بین خواهد برد. این را باید ما از وعده خدا بیاموزیم. خدای متعال در سوره بنی‌اسرائیل خطاب به بنی‌اسرائیل می‌کند: «لَتُفْسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَรْتِنِیْنِ وَ لَتَعْلَنَ عَلَیْکُمَا کَبِیرَا» ای فرزندان اسرائیل! شما دو روز و دو بار در تاریخ فساد ایجاد می‌کنید و بزرگی در زمین به وجود می‌آورید و استعلا و استکبار به خرج می‌دهید، اما در هر دو بار کسانی از بندگان خدا، از جنود پروردگار پیدا می‌شوند که شما را به سزای فساد و علو و استکبارتان برسانند و این قضیه همیشه زنده تاریخ است [۹۹].»

این موضوع در طی تاریخ انقلاب اسلامی تداوم می‌یابد تا آنکه پیش‌بینی رهبری مبنی بر فروپاشی رژیم اسرائیل در طی ۲۵ سال مطرح می‌شود [۱۴۳]. بستر طرح این پیش‌بینی در وضعیتی بوده است که مذاکرات هسته‌ای به نتیجه رسیده و توافق هسته‌ای منعقد شده است. مقامات رژیم اسرائیل براساس این توافق بیان می‌دارند که برجام خطر ایران را لااقل برای ۲۵ سال دور کرده است. رهبری در پاسخ به این موضوع در بیانات خود فرمودند که با مجاهدت رزمندگان مسلمان، ان شاء الله، اسرائیل ۲۵ سال آینده را نخواهد دید و در آن صورت اساساً تهدید بودن ایران مطرح نیست.

پس از طرح موضوع فروپاشی رژیم صهیونیستی، رهبری در چندین مورد از بیانات خود، این امر را مبتنی بر شواهد عینی مطرح می‌نماید. یکی از این شواهد، عدم بازدارندگی رژیم صهیونیستی است که مبتنی بر دیدگاهی تاریخی مطرح می‌شود. در این نگاه،



رژیم در تاریخ خود توانسته تهدیدات را سریعاً پاسخ دهد، به‌عنوان مثال در ۲ روز علیه دو کشور عملیات کرده و بخش‌هایی از خاک آنان را به تصرف درآورده است، اما در حال حاضر در برابر مقاومت مردمی لبنان و غزه در موارد متعددی از جمله جنگ ۳۳ روزه شکست می‌خورد [۱۴۴].

موضوع عدم بازدارندگی از آن‌جهت نشانه فروپاشی اسرائیل است که در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی، بازدارندگی اهمیت ویژه‌ای دارد. رهبری به استناد توصیه‌های بن‌گورین برای امنیت ملی اسرائیل، می‌فرماید: «شاید حدود شصت سال قبل از این، بن‌گوریون — یکی از مؤسسين اصلی رژیم صهیونیستی و نخست‌وزیر این رژیم — هشدار داد. او گفت که هر وقتی قدرت بازدارندگی ما به پایان برسد، رژیم ما مضمحل خواهد شد. قدرت بازدارندگی الان به پایان رسیده یا نزدیک به پایان است. خودشان هم می‌دانند، خودشان هم می‌فهمند که اضمحلال و انحلالشان نزدیک است، اگر اتفاقی رخ ندهد؛ این به برکت مقاومت است؛ این به برکت این است که جوان فلسطینی توانست قدرت بازدارندگی دشمن خودش را مدام ضعیف کند، کم کند، کم کند، نابود کند [۱۴۵].»

موضوع فروپاشی بازدارندگی رژیم در اوج خود در عملیات طوفان الاقصی مطرح می‌گردد. در این عملیات، بازدارندگی امنیتی رژیم صهیونیستی زیر سؤال رفته و بنا بر دیدگاه رهبری «شکستی غیرقابل ترمیم» بر رژیم تحمیل شد [۱۴۶]. یکی دیگر از شواهد عینی مبنی بر فروپاشی قریب‌الوقوع رژیم صهیونیستی، بروز اختلافات داخلی در دولت آن است امری که سبب نگرانی صهیونیست‌ها نیز بوده است [۱۴۷].

۴-۷. افول آمریکا

رهبری در بیانات متعددی آمریکا را رو به افول دیده و آن را در حال احتضار [۲۲] می‌دانند. درخصوص افول آمریکا، همچنان می‌توان نگاه کلان تاریخی را مشاهده نمود؛ در این نگاه آمریکا در آستانه انقلاب اسلامی از هیمنه زیادی برخوردار بوده و چه از نظر مادی، چه از نظر نفوذ در ذهنیت عمومی، در جهان هژمونی داشته است. اما پس از انقلاب اسلامی هر چه قدر سال‌ها پیش می‌رود از هیمنه آمریکا کاسته می‌شود، به‌طوری‌که ملت‌ها به آمریکا دشنام داده و با آن به مخالفت برمی‌خیزند [۱۴۸].

یکی از نشانه‌های بارز افول آمریکا وقایع بیداری اسلامی است. در این وقایع ملت‌ها برخلاف خواست آمریکا، دیکتاتورهای دست‌نشانده را کنار زده و سعی در ایجاد دولت مردمی داشته‌اند؛ به‌عنوان مثال در مصر مردم با حسنی مبارک که گزینه آمریکا بوده است به مخالفت برخاستند. این امر نشان‌دهنده منزوی بودن آمریکا [۱۴۹]. افول آمریکا امری صرفاً فیزیکی و در ارتباط با حکومت‌ها نیست، بلکه این دولت در اذهان مردم نیز افول پیدا کرده است.

یکی دیگر از نشانه‌های افول آمریکا در اذهان، ضعف آن در منطق و ارائه افکار است. در مقابل، این دولت استکباری سعی در استفاده از زور و ارباب برای به کرسی نشاندن حرف خود دارد [۱۱۲]. مسئله شکست آمریکا در اذهان عمومی، فقط امری مربوط به سیاست و مذاکرات نبوده، بلکه ایدئولوژی لیبرال سرمایه‌داری، به‌عنوان یک ایده کلان در جهان با بحران و ضعف جدی روبه‌روست. درخصوص افول و شکست آمریکا، ابعاد متعددی را می‌توان برشمرد. این شکست شامل بحران اقتصادی، انزوای سیاسی، بحران‌های امنیتی، شکست‌ها در منطقه غرب آسیا و ... است.

«بسیاری از تحلیلگران سیاسی دنیا معتقدند که آمریکا دارد رو به افول می‌رود، ذره‌ذره دارد آب می‌شود. این را نه اینکه ما بگوییم؛ البته عقیده ما هم همین است اما تحلیلگران سیاسی دنیا هم این را دارند می‌گویند. نشانه‌هایش هم واضح است؛ مشکلات داخلی آمریکا بی‌سابقه است؛ هم مشکلات اقتصادی‌شان، هم مشکلات اجتماعی‌شان، هم مشکلات اخلاقی‌شان در داخل آمریکا؛ اختلاف‌شان، دودستگی‌های خونین‌شان، خطاهای محاسباتی‌شان در مسائل دنیا... خب یکی از چیزهایی که حالا این را من می‌گویم؛ بعضی‌های دیگر هم در دنیا ظاهراً گفته‌اند این حرف را، به‌نظر من یکی از نشانه‌های انحطاط آمریکا، بر سرکار آمدن کسانی مثل رئیس‌جمهور فعلی و رئیس‌جمهور قبلی است [۱۵۰].»



صورت بنیادین نگاه به آینده الهیاتی است. این بدان معنا است که معانی شکل گرفته در الهیات جامعه هم در نقطه شروع باعث تحرک در جامعه می‌گردند و هم در ادامه راه و در عمل اجتماعی آحاد جامعه تأثیر دارند همچنین الهیات صورتی از جامعه آرمانی ارائه می‌دهند که ترسیم‌کننده ایده‌های عینی و به‌روز جامعه می‌گردند؛ لذا یکی از پایه‌های آینده‌پژوهی مطالعه الهیات جامعه است، چرا که فهم صورت الهیاتی جامعه رهنمون‌کننده به آینده جامعه است. یکی از پایه‌های مطالعه الهیات جامعه، مطالعه نحله‌های الهیاتی و دیدگاه آنان در خصوص آینده است. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای الهیات در برابر آینده نقشی فعال دارند و صحبت از ساختن آینده است، حال آنکه برخی نحله‌های الهیاتی بر منتظر ماندن تأکید می‌کنند که این خود سبب رکود در جامعه می‌شود. نگاه الهیاتی در تمامی دهه‌های انقلاب اسلامی حضور دارد و مفاهیم آن در هر عصری سایه انداخته است. دهه شصت هجری شمسی، عصر بیان جامع الهیات است، اما در دهه هفتاد مفاهیمی چون ساده‌زیستی و مقابله با اشرافی‌گری نمودی الهیاتی دارند و در دهه هشتاد نیز مفهوم جهاد علمی مفهومی الهیاتی است. در همین نظام الهیاتی است که دیگری استکباری که در واقعیت تاریخی انقلاب نمود عینی در رژیم شاهنشاهی و حمایت دولت آمریکا یافته است، به‌عنوان یک مواجهه حاد ایمانی و سپس تمدنی مطرح می‌شود. این دیگری برای شکل‌گیری انسجام اجتماعی کمک‌کننده است، چرا که در آینده دیگری می‌توان خود را شناخت و بدین واسطه یک کل واحد مسنجم را ترسیم کرد. پس می‌توان ترسیم هندسه الهیاتی را مبنای مطالعه آینده دانست.

صورت الهیاتی عینی‌تر شده و به تمدن می‌رسد که ظهور عینی دیدگاه‌های مادی و معنوی است. در مسیر تبدیل الهیات به تمدن، می‌توان بروز برخی از مسائل را دید؛ دیدگاه‌های مربوط به ترسیم نظام اسلامی برای اداره جامعه از این مسیر می‌گذرند. فقه حکومتی و جستجوی مسائل روز در آفاق اندیشه اسلامی از جمله مسائلی هستند که از ابتدای انقلاب تاکنون مورد تأکید بوده‌اند اما نمی‌توان آنان را مسیرهای طی شده‌ای دانست که دستاوردهای معتنا بهی داشته‌اند. از طرفی به‌دلیل اهمیت بنیاد الهیاتی جامعه نمی‌توان این مسیر را طی نمود؛ لذا به‌نظر می‌رسد بهتر است خط‌مشی‌گذار به حل این موضوع که در دست حوزه علمیه و روحانیون است، توجه نماید، چرا که تبدیل معانی الهیاتی به صورت‌هایی عینی و دستوراتی برای اداره جامعه امری ضروری به‌خصوص برای ترسیم تصویر آینده جامعه است.

از طرفی جامعه با مسائل عینی در بعد سخت و نرم خود مواجه است که نه صرفاً با تکنولوژی و هزینه اقتصادی قابل حل است و نه به‌واسطه تبدیل معانی الهیاتی به صورت‌های عینی مرتفع می‌گردد، بلکه چاره کار در روی آوردن به علوم انسانی است. مسائل نرم جامعه مثل اخلاقیات جامعه، هویت ملی، رعایت قوانین، شیوه‌های برقراری نظم اجتماعی و... از جمله مسائلی هستند که در طول انقلاب مورد تأکید بوده‌اند، اما با طی زمان دائماً وضعیت حادث‌تری پیدا کرده‌اند. چاره کار در آن است که اندیشه‌ورزان حوزوی و دانشگاهی در علوم انسانی، ضمن بهره‌مندی از مبانی اسلامی به توسعه علوم انسانی برای حل مسائل خاص جامعه دست زنند. این موضوع نیز مورد مطالبه دائمی رهبری بوده است که بدان وقعی نهاده نشده است.

داشتن یک طرح نظری مبتنی بر تجربه گذشته و معطوف به ترسیم آینده، مطالبه‌ای است که از دهه هشتاد شکل گرفته است. این موضوع هم در ترسیم آینده ایران نقش اساسی دارد و هم در الگوسازی انقلاب اسلامی برای ملت‌های منطقه و جهان مؤثر خواهد بود. فقدان چنین طرحی باعث شده تا در مواقع حساس تاریخی، فرصت صدور اندیشه انقلاب اسلامی از دست برود. از جمله این موارد می‌توان سال‌های بیداری اسلامی در منطقه اشاره کرد؛ فقدان طرح نظری و عدم ارائه کاربست مردم‌سالاری دینی به ملت‌های منطقه سبب شد تا علمای دینی و شخصیت‌های اسلامی به‌عنوان حاکمان دولت‌های انقلابی روی کار نیایند و آمریکا نفوذ خود را تقویت نماید. این مورد در وقایع پس از عملیات طوفان الاقصی نیز مشاهده شد؛ در شرایطی که ملت‌های جهان علاقه‌مند مطالعه مبانی اسلامی بودند، نبود طرح نظری به‌روز سبب شد فرصت گرویدن به هویت اسلامی به‌طور کامل مورد استفاده قرار نگیرد. بدیهی است تجربه الگوسازی‌های صورت گرفته همچون مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مطمحن نظر آینده‌پژوهان است.

پرسش اساسی اینجاست که این چنین طرح‌های نظری برای الگوسازی و ترسیم آینده از چه آرایش نهادی میان دانشگاه و مراکز تحقیقاتی شکل می‌گیرند و آیا می‌توان با تأسیس مراکز الگوسازی به این مهم دست یافت؟ به نظر می‌رسد مباحثه متراکم نخبگان دانشگاهی و حوزوی در نهادهای دانشگاه و حوزه و همچنین مراکز تحقیقاتی راهگشای این مسئله باشد.

یک پایه دیگر ترسیم آینده، مردم و انسجام اجتماعی است. اهمیت این موضوع به حدی است که موفقیت کلی تصویر آینده منوط به همراهی مردم است. بدین منظور باید سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی با نگاه مردمی، حفظ هویت جمعی، کاهش فاصله طبقاتی و افزایش همدلی و وفاق بین مردم طراحی شوند. از آنجاکه حضور مردم در انقلاب اسلامی و رأی آنان به جمهوری اسلامی بیانگر هویت اسلامی مردم ایران است، تقویت عناصر اسلامی که می‌تواند هویت‌بخش و انسجام دهنده گروه‌های مردمی باشد، یکی از عوامل شکل‌دهی به هویت مردمی است. این موضوع هم در مباحث نظری می‌تواند رهگیری شده و هم در تولیدات فرهنگی می‌تواند دنبال شود. بدیهی است نقش علوم انسانی در این حوزه نیز نقشی اساسی است؛ چراکه علوم انسانی می‌تواند به گفتمان‌سازی منجر شده که خود یکی از پایه‌های جهاد تبیین است.

شکل‌دهی به وحدت اسلامی و موضوع بیداری اسلامی که پایه تصویر سیاست جمهوری اسلامی برای آینده است، امری است که علاوه بر عوامل سخت نیازمند بسترهای نرم است. این بسترهای نرم هم شامل تولیدات فرهنگی و رسانه‌ای می‌شود و هم مشتمل بر طرح‌های نظری است که می‌تواند براساس مسائل روز به ذهنیت مشترک میان ایران و ملت‌های دیگر شکل دهد. همچنین طرح اقتصادی مطرح شده برای ایران که در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی متبلور گشته، علاوه بر عوامل مادی و اقتصادی نیازمند بستری اجتماعی و فکری است که در آن آحاد مردم به مشارکت اقتصادی پرداخته و از استعدادهای علمی در شکل‌دهی به اقتصاد دانش‌بنیان بهره‌برداری شود.

۸-۱. پیشنهادهای راهبردی

در بیانات رهبر شهید، دو بخش کلی را می‌توان یافت که ناظر به آنان می‌توان پیشنهادهای راهبردی ارائه داد. بخش اول مربوط به پیشران‌ها و ظرفیت‌ها و بخش دوم چالش‌ها و مسئله‌هاست. در این قسمت به بحث در مورد این دو حوزه پرداخته می‌شود.

پیشران‌ها و ظرفیت‌ها

ظرفیت‌های موجود جامعه تکیه‌گاه اساسی رهبر شهید انقلاب در طرح‌های آینده‌شناسانه ایشان بوده است. این ظرفیت‌ها در بیانات و پیام‌های مهمی چون بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد اشاره بوده است. پیشران‌ها و ظرفیت‌های کشور به دو حوزه کلی نیروی انسانی و غنای سرزمینی قابل تقسیم است. در زمینه غنای سرزمینی می‌توان به سه ظرفیت اساسی از جمله ظرفیت معادن، دریاها و موقعیت جغرافیایی اشاره نمود.

شکل ۱۶. نمودار مهم‌ترین پیشران‌ها و ظرفیت‌ها برای ساخت آینده ایران در نگاه رهبر شهید انقلاب



نیروی انسانی

رهبر شهید در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مهم‌ترین ظرفیت کشور را نیروی انسانی آن می‌دانند: «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجادشده در دهه ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد» [۲۲].

این موضوع از منظر تاریخی حائز اهمیت است. انقلاب اسلامی در شرایطی به پیروزی رسید که وضعیت کشور از نظر نیروی انسانی و توسعه آموزش عالی مطلوب نبوده و کشور با فقر نیروی انسانی کارآمد مواجه بود [۱۵۱]. توسعه دانشگاه‌ها و رشد جمعیت جوان از وقایعی است که در دوران پس از انقلاب اسلامی رخ داده است و کشور را از نیروی جوان متخصص و کارآمد بهره‌مند ساخته است [۱۵۲]. یک موضوع مهم درخصوص ظرفیت نیروی انسانی جوان در کشور آن است که در صورت بی‌توجهی به موضوع ازدیاد جمعیت، کشور در سال‌های نه‌چندان دور این امتیاز اساسی را از دست خواهد داد [۲۱]. براساس بیانات ایشان، بعد انسانی پیشران‌های پیشرفت در دیدگاه رهبری از سایر ابعاد واجد اهمیت بیشتری است. امری که در خط‌مشی‌گذاری و برنامه‌ریزی باید نسبت به سایر موارد در اولویت قرار گیرد.

غناي سرزمینی

در نگاه رهبری، پس از ظرفیت نیروی انسانی، ظرفیت‌های مربوط به غناي سرزمینی مورد توجه قرار می‌گیرد. ایشان در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، یکی از ارکان این سیاست‌ها را توجه به ظرفیت‌های داخلی با تأکید بر ظرفیت‌های سرزمینی می‌دانند. اهمیت این ظرفیت‌ها در اقتصاد مقاومتی آن است که وجود ظرفیت‌های سرزمینی امکان طرح موضوع اقتصاد مقاومتی و مقابله با وابستگی اقتصادی را ممکن کرده است. از این ظرفیت‌ها سه حوزه معادن، دریا و موقعیت جغرافیایی دارای اهمیت بیشتری است و مورد توجه رهبری در موارد متعددی بوده است:

● **معادن عظیم:** در نگاه رهبری، موضوع معادن هم از جهت منابع عظیم نفت و گاز کشور مطرح است، هم از جهت منابع گسترده معدنی مثل فلزات و کانی‌های کمیاب و قیمتی [۲۱]. این مهم که مکرراً در بیانات رهبری بازتاب دارد در مقایسه‌ای با جمعیت کشور قرار می‌گیرد: «معادن عظیم کشور؛ نه فقط نفت، نه فقط گاز. من یک‌وقتی گفتم جمعیت ما حدود یک‌صد میلیون است، اما معادن اساسی و مهم‌مان چهار پنج صد میلیون است؛ یعنی چند برابر اندازه جمعیت؛ این ظرفیت است دیگر؛ از اینها باید استفاده کرد» [۱۵۳]. معادن یکی از ظرفیت‌های اساسی کشور در راستای نیل به خودکفایی و اهداف اقتصادی هستند. اما یکی از چالش‌های عمده بر سر این موضوع چالش‌های عدم شناخت است: «به‌نظر من مهم‌ترین چالش کشور ما یک چالش ذهنی است، یعنی همین که افکار عمومی نمی‌دانند چقدر ثروت در اختیار کشور هست؛ بعضی از مسئولین ما هم متأسفانه نمی‌دانند چقدر ثروت انسانی و ثروت طبیعی در اختیار کشور هست؛ دشمن هم از همین دارد استفاده می‌کند. دشمن می‌خواهد بگوید که شما نمی‌توانید یا ندارید؛ بنده اصرار دارم به مردم بگویم که ما می‌توانیم و ما دارا هستیم و امکانات‌مان فراوان است» [۵۲].

● **دریا داشتن و اتصال به آب‌های آزاد جهانی:** یکی از ظرفیت‌های اساسی کشور مرز طولانی با آب‌های آزاد است. این مهم هم از جهت ارتباطات تجاری برای کشور حائز اهمیت است و هم از آن‌جهت که کشور در موقعیت جغرافیایی خاصی قرار دارد مورد تأکید قرار می‌گیرد. اهمیت این موضوع به حدی است که جزو اولین مطالبات رهبری در دیدار با هیئت دولت چهاردهم



است: «از لحاظ سواحل طولانی دریای آزاد، ما این فرصت را داریم؛ جزایرمان، سواحل‌مان، همه فرصت است. همین منطقه مکران که حالا خوشبختانه آقای رئیس‌جمهور که راجع به این قضیه با من صحبت می‌کردند، چند بار اسم آوردند و روی این قضیه حساس‌اند، یک فرصت بزرگی است. از این قبیل فرصت‌ها ما زیاد داریم؛ اینها فرصت‌های طبیعی است... شمال [کشور] ما به مجموعه‌ای از کشورها وصل است که به اروپا و به جاهای دیگر منتهی می‌شود، جنوب‌مان هم دریا است و اقیانوس هند است و مجموعه آسیای با آن عظمت است. ما این وسط قرار داریم؛ این یک اولویت زیرساختی است؛ نمی‌شود از این صرف‌نظر کرد، باید دنبال کرد این را. ما از این قبیل اولویت‌های زیرساختی داریم [۱۵۴].» در نگاه رهبری توسعه ظرفیت‌های ساحلی جنوب کشور یکی از اولویت‌های زیرساختی است، بدان معنا که از اولویت‌های کشور در کنار امور فوری است و هر چه قدر در توسعه آن غفلت صورت گیرد کشور عقب خواهد ماند.

● **موقعیت جغرافیایی:** یکی از استعاره‌های پرتکرار در بیانات رهبر شهید، استعاره «چهارراه جهانی» است. در این استعاره ایران کشوری است که بر سر این چهارراه قرار دارد و این مهم برای کشور علاوه بر مزیت‌های اقتصادی، مزیت‌های مهم فرهنگی و سیاسی را به بار می‌آورد. اهمیت موقعیت جغرافیایی ایران از نظر فرهنگی در شکل‌گیری ارتباطات میان فرهنگی در جغرافیای ایران است. از نظر سیاسی نیز برخورد راه‌های شرق و غرب و شمال و جنوب، برای کشور قدرت سیاسی کنترل بر راه‌های اساسی تجاری را به ارمغان می‌آورد. در نگاه رهبری، موقعیت جغرافیایی اهمیت تاریخی دارد؛ از دیرباز وضع جغرافیایی ایران حائز اهمیت بوده است، به طوری که می‌توان یکی از عوامل حضور استعماری انگلستان را این وضعیت جغرافیایی دانست [۱۵۵]. در بیانات رهبری علاوه بر اهمیت زمینی این چهارراه، وضعیت هوایی آن نیز حائز اهمیت است، ضمن اینکه با وجود دسترسی ایران به آب‌های آزاد، وضع جغرافیایی آن اهمیتی بیشینه می‌یابد [۱۵۶].

اهمیت مزیت جغرافیایی ایران به حدی است که یکی از اولویت‌های طرح‌شده توسط رهبری در اولین دیدار با اعضای دولت چهاردهم است: «(لان دولت طرح‌هایی دارد در زمینه مسیر «شمال-جنوب» و «شرق-غرب» که البته «شمال-جنوب» مهم‌تر است؛ این خیلی مهم است. شمال کشور ما به مجموعه‌ای از کشورها وصل است که به اروپا و به جاهای دیگر منتهی می‌شود، جنوب‌مان هم دریا و اقیانوس هند است و مجموعه آسیای با آن عظمت است. ما این وسط قرار داریم؛ این یک اولویت زیرساختی است؛ نمی‌شود از این صرف‌نظر کرد، باید دنبال کرد این را. ما از این قبیل اولویت‌های زیرساختی داریم [۱۵۴].»

دین و دانش

از پیشران‌های اساسی مورد تأکید رهبری دو مفهوم «دین» و «دانش» است. ایشان این موارد را پس از جنگ دوازده‌روزه به عنوان دو عنصر بنیادینی که سبب مخالفت و دشمنی استکبار جهانی مطرح شده است بیان می‌نمایند: «آنچه مهم است، این است که توجه داشته باشیم که ایران اسلامی براساس «دین» و «دانش» بنا شده و به وجود آمده. در بنای جمهوری اسلامی دو عنصر «دین» و «دانش» عمده‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده هستند؛ به همین دلیل هم دین مردم و دانش جوانان ما، توانسته‌اند در بسیاری از میدان‌های مختلف دشمن را وادار به عقب‌نشینی کنند. بعد از این هم همین جور خواهد بود. آنچه استکبار جهانی و در رأس آن، آمریکای جنایت‌کار با آن مخالف است، همین دین شما و دانش شما است؛ با دین شما مخالف‌اند، با این ایمان گسترده مردم مخالف‌اند، با این اتحاد در زیر سایه اسلام و قرآن مخالف‌اند؛ و با دانش شما مخالف‌اند [۱۵۷].»

تأکید رهبری بر دینی بودن هویت مردم ایران امری است که مسبوق به سابقه بوده است و در موارد متعددی مورد تأکید رهبری قرار گرفته است. اهمیت این تأکید در آن است که دین به عنوان محور انسجام اجتماعی قرار می‌گیرد. هر جامعه برای برقراری پیوند اجتماعی میان انسان‌های پراکنده نیازمند نرم‌افزار مشترکی است که دین این مهم را فراهم می‌آورد. به واسطه دین است که باورهای مشترکی درباره امور کل جهان، انسان و جامعه شکل می‌گیرد و نظامی درهم‌تنیده از نهادها، روابط و هنجارها به جامعه صورت می‌بخشد.

دانش نیز نظامی از ایده‌های ذهنی است که امکان تسلط انسانی بر عینیت را فراهم می‌آورد. دانش به فناوری و فناوری با تبدیل به صنعت امکان تسلط بر طبیعت را فراهم می‌آورد و این مهم تولید قدرت می‌نماید. پس هر آنچه جامعه از دانش غنی‌تر باشد امکان تولید قدرت آن بیشتر خواهد بود و قدرت بستری است که سبب ثبات نظام سیاسی می‌گردد. طرح رهبر شهید، تلفیق این دوگانه و تأکید بر پیوستگی این دو است. به گونه‌ای که دین و دانش دوروی یک سکه‌اند و هر دو در فرایندهایی برای کشور تولید قدرت می‌نمایند. دین از طریق ایجاد انسجام اجتماعی و دانش از طریق تولید فناوری مولد قدرت‌اند. این الگو درست در برابر ایده‌هایی است که دین و دانش را در برابر یکدیگر می‌دانند.

چالش‌ها و مسئله‌ها

در این بخش به چالش‌ها و مسائل عمده‌ای که در نگاه رهبری بر سر راه آینده ایران وجود دارد پرداخته می‌شود. این چالش‌ها را می‌توان در چهار مورد خلاصه نمود: جمعیت، ناتوانی در حل مسئله، ناامیدی، خودکم‌بینی. این چالش‌ها، به جز موضوع جمعیت، عمدتاً مسائلی هستند که به بعد ذهنی جامعه برمی‌گردند و می‌توان آنها را در راستای هم دید. در ادامه به تشریح هر یک از این موارد پرداخته می‌شود.

شکل ۱۷. مهم‌ترین چالش‌ها و موانع ناظر به ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب



مأخذ: همان.

پیری جمعیت

موضوع جمعیت مسئله‌ای است که در دهه نود به صورت پرتکرار توسط رهبر شهید مطرح شده است. این موضوع در پی سیاست‌های تحدید نسل در دهه ۷۰ آغاز شده است، به عقیده رهبری موضوع کنترل جمعیت در آغاز کار درستی بوده است، لکن این موضوع رها شده و بعد از چند سال باید متوقف می‌گردید. جمعیت مطلوب از نگاه رهبری نه ۷۰ میلیون نفر بلکه تا ۱۵۰ میلیون نفر است [۱۵۸]. در نگاه رهبری، همان‌طور که در بخش ظرفیت‌ها اشاره شد، نیروی انسانی جوان جایگاه والایی در پیشرفت کشور دارد. این نیروی جوان می‌تواند در امور بسیاری ثروت‌آفرینی نماید. حال اگر مسئله جمعیت در حال حاضر حل نگردد، در آینده‌ای نه‌چندان دور کشور نمی‌تواند تولید ثروت نماید [۱۵۹]. به عقیده ایشان، کشور بیست سال فرصت دارد تا از جمعیت جوان استفاده نماید [۱۶۰]. ایشان در بیاناتی با اتکا به آیه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» یکی از پایه‌های قدرت و قوت جامعه را جمعیت جوان جامعه می‌دانند [۱۶۱].



موضوع جمعیت در نگاه رهبری به عنوان یکی از فرصت‌های کشور مطرح بوده است. وجود جمعیت جوان که می‌تواند در پیشرفت کشور مؤثر باشد از دهه هفتاد و با آغاز جنبش علمی کشور مورد تأکید رهبری بوده است. اما موضوع افزایش جمعیت و نقد سیاست‌های تحدید نسل از آغاز دهه نود مورد تأکید رهبری قرار گرفت. این سیاست‌ها در نگاه رهبری اگرچه در آغاز لازم به نظر می‌رسید اما در ادامه باید متوقف می‌شد [۱۶۲]. مشکل عمده مسئله تحدید نسل، معضل پیری جمعیت و خلأ نسل جوان برای پیشرفت کشور است. همچنین بعد از مدتی جمعیت کشور کاهش خواهد یافت، چرا که امکان زاد و ولد کم می‌شود [۱۲۲]. موضوع خانواده از جمله مسائلی است که همواره مورد توجه رهبری بوده است. خانواده در ارتباط با مسئله پیشرفت یکی از ضروریات است چرا که سلول جامعه است. تحکیم بنیان‌های خانواده، توجه به زنان در چارچوب دیدگاه‌های اسلامی، مسئله سن ازدواج، تهیه شغل و مسکن جوانان و... از جمله مواردی است که مورد تأکید رهبری در موضوع خانواده بوده است [۱۶۳].

برخلاف دیدگاه‌های غربی و توصیه‌های اقتصاد جهانی، رهبری جمعیت را نقطه مهمی برای پیشرفت کشور می‌دانند و برای مثال یکی از نقاط قوت کشورهایی مانند چین و هند را جمعیت آنها می‌دانند، به طوری که این امر به عنوان ارزشی سیاسی و اجتماعی در صحنه بین‌المللی درآمده است [۱۶۴]. اهمیت موضوع جمعیت در نگاه رهبری به حدی است که ایشان این امر را یکی از فرائض فوری مسئولان و آحاد مردم می‌دانند: «تلاش برای افزایش نسل، و جوان شدن نیروی انسانی کشور و حمایت از خانواده، یکی از ضروری‌ترین فرائض مسئولان و آحاد مردم است. این فریضه درباره افراد و مراکز اثرگذار و فرهنگ‌ساز، تأکید بیشتر می‌یابد. این یک سیاست حیاتی برای آینده بلندمدت کشور عزیز ما است. کاوش‌های صادقانه علمی نشان داده است که این سیاست را می‌توان با پرهیز از همه آسیب‌های محتمل یا موهوم پیش برد و آینده کشور را از آن بهره‌مند ساخت. به دست‌اندرکاران این حسنه ماندگار توصیه می‌کنم که در کنار تدابیر قانونی و امثال آن، به فرهنگ‌سازی در فضای عمومی و نیز در نظام بهداشتی اهمیت دهند [۱۶۵].»

چالش حل مسئله

چالش حل مسئله در نگاه رهبری را با یک مثال از بیانات ایشان می‌توان توضیح داد: «گاهی اوقات انسان احساس می‌کند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها دچار اختلال‌اند، دچار تعطیل‌اند؛ حالا مثلاً فرض بفرمایید این همه ما مسئله فرهنگی در کشور داریم... [اما] ناگهان می‌بینید، اینکه فلان آهنگ قبل از افطار پخش بشود یا نشود، می‌شود مسئله اصلی؛ نامه‌نگاری می‌کنند! پیدا است که این دستگاه اختلال پیدا کرده که مسئله اصلی را از مسئله فرعی تشخیص نمی‌دهد و یک مسئله اصلاً بی‌اعتبار بی‌اهمیت فرعی را به عنوان یک مسئله اصلی، درشت می‌کنند. وقتی این جوری دستگاه‌های مرکزی اختلال دارند، آن وقت اینجا جای همان آتش به اختیاری است که عرض کردم [۱۶۶].»

یکی از چالش‌های مورد تأکید رهبری چالش حل مسئله است. در بیانات رهبری، جنبه مهمی از این چالش به عدم تمرکز بر مسائل اصلی برمی‌گردد. در نگاه رهبری یکی از چالش‌های حکمرانی تقدم حواشی و پیشامدهای فرعی بر مسائل اصلی است. این موضوع امری است که از نگاه رهبری در بسیاری از دوران‌ها گریبان‌گیر حکمرانی ایران بوده است [۱۶۷]. در نگاه رهبری، هر دوره یک مسئله محوری دارد که همه امور تابع آن قرار می‌گیرد، در دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مبارزه با رژیم طاغوت مسئله اساسی جامعه بوده است و مسئله اساسی کنونی جامعه اقتصاد است.

به نظر می‌رسد در چالش حل مسئله، اختلال در دستگاه شناختی حکمرانی مطرح است به طوری که امر فرعی بر امر اصلی اولویت می‌یابد. همچنین به نظر می‌رسد برخی حواشی سیاسی بر فضای حل مسئله سایه می‌افکند. در نگاه رهبری در هر صورت، یکی از موانع پیشرفت سرگرمی به موضوعات گمراه‌کننده است که در برخی موارد سبب بروز اختلافات کوچک و بزرگ می‌گردد [۸۲].

تأکیدات رهبری در موضوع تمرکز بر حل مسئله مکرر است. ایشان یکی از شاخص‌های نماینده مجلس انقلابی را تمرکز بر حل مسائل اساسی کشور می‌دانند [۱۶۸]. همچنین یکی از راهبردهای اساسی را نگاه حل مسئله می‌دانند: «یک راهبرد مهم، تمرکز بر حل مسائل و سرگرم نشدن و مشغول نشدن به حواشی است. حواشی ایجاد می‌شود؛ همیشه هم دشمن نیست که حاشیه ایجاد

می‌کند؛ گاهی از روی غفلت و با عوامل گوناگون و انگیزه‌های گوناگون، یک حواشی‌ای در اطراف یک کاری، یک حرکتی، یک شخصی، یک مدیری ایجاد می‌شود؛ سرگرم این حواشی نباید شد. نه مردم به این حواشی اهمیت بدهند، نه مسئولان خودشان را مشغول کنند؛ همه متمرکز بشوند روی مسائل اساسی کشور [۱۶۹].»

ناامیدی

از نظر رهبر شهید، یکی از طراحی‌های دشمن برای جامعه ایران، تزریق روحیه ناامیدی است [۱۷۰]. پیش از این، رهبری بر احساس اعتماد به نفس ملی و عزت ملی مورد تأکید کرده‌اند. مفاهیم مذکور بر حفظ انسجام اجتماعی هم در شرایط حساس و همچنین برای پیشرفت جامعه ضروری بوده و حفظ آنها مورد تأکید بوده است. رهبری نیز در بیاناتی مکرر، دستاوردهای انقلاب اسلامی را با مفاهیم مرتبط با اعتماد به نفس و امید، مرتبط دانسته‌اند.

مسئله امید در جامعه از ابعاد مختلف قابل بررسی است. امید در انسان‌ها ناظر بر مثبت بودن تصویر آینده و امکان دسترسی به آن تصویر است؛ لذا در این مهم نبود فهم آینده‌شناسانه‌ای که بتوان تصویری از آینده را ترسیم کند، سبب ناامیدی می‌گردد. نکته اساسی آنجاست که ترسیم آینده تا حد زیادی وابسته به فهم و ترسیم تصویر گذشته است؛ لذا در این مورد فهم هویت تاریخی بسیار اهمیت پیدا می‌کند. درست در همین موقف استعمار جهانی به دنبال ارائه تصویری منفی از گذشته تاریخی است و این امر سبب ازدیاد ناامیدی می‌گردد.

آنچه که از ناامیدی منتج شده و آن را خطری بنیادین برای آینده جامعه ایرانی می‌سازد، بی‌عملی و ممانعت از حرکت است: «مواظب باشید نگاهتان به آینده، نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه بدبینانه و نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه و بدبینانه شد، نگاه «چه فایده‌ای دارد» شد، به دنبالش بی‌عملی، بی‌حرکی و انزوا است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همان چیزی است که دشمن می‌خواهد [۵۸].» لذا ناامیدی سبب سست کردن اراده ملت می‌گردد و توانایی کنش را در عرصه‌های گوناگون از جامعه می‌گیرد. یکی از راهبردهای مهم برای مقابله با ناامیدی در جامعه، ارائه تصویر آینده در ارتباط با ظرفیت‌های موجود است. بدان معنا که در ابتدا تصویر آینده برای مردم ایجاد انگیزه و میل نماید، ثانیاً این تصویر برای مردم دست‌یافتنی دیده شود. این امر در بیانات متعددی از رهبر شهید دیده می‌شود، جایی که ایشان بر ظرفیت‌ها و امکانات موجود برای ساخت آینده تأکید می‌نمایند.

خودکم‌بینی

خودکم‌بینی چالشی ذهنی است که در آن تأکید بر نتوانستن و دارا نبودن امکانات لازم برای طی مسیر می‌شود؛ از این حیث می‌توان چالش خودکم‌بینی را ریشه مسئله ناامیدی دانست. رهبر شهید انقلاب در این خصوص می‌فرمایند: «به نظر من مهم‌ترین چالش کشور ما یک چالش ذهنی است، یعنی همین که افکار عمومی نمی‌دانند چقدر ثروت در اختیار کشور هست؛ بعضی از مسئولین ما هم متأسفانه نمی‌دانند چقدر ثروت انسانی و ثروت طبیعت در اختیار کشور هست؛ دشمن هم از همین دارد استفاده می‌کند. دشمن می‌خواهد بگوید که شما نمی‌توانید یا ندارید؛ بنده اصرار دارم به مردم بگویم که ما می‌توانیم و ما دارا هستیم و امکانات مان فراوان است [۵۲].»

موضوع خودکم‌بینی مسئله‌ای تاریخی است که در سال‌های متمادی توسط استعمارگران القا شده است: «سال‌های متمادی روی این قضیه کار شد. از حدود صد و پنجاه سال پیش که به تدریج فرهنگ غربی، روش غربی، نمودارهای تمدن غربی و پیشرفت فناوری غربی وارد کشور شد، به تدریج این مسئله جا افتاد؛ هم گفته شد و تأکید شد، هم در عمل این جور معلوم شد که از ایرانی کاری بر نمی‌آید. فراموش کردند که تاریخ ما، میراث گذشته ما سرشار از افتخارات علمی است. آن روزی که در دنیای غرب خبری نبود، آن روزی که آنجا اگر یک پیشرفت علمی به وجود می‌آمد، یک کشف علمی می‌شد، کاشف را به جرم جادوگری آتش می‌زدند، آن روزی که تاریکی علمی مطلق بر منطقه اروپا حاکم بود - که در این زمینه حرف‌ها هست - آن روز کشور ما پیشرو کشورهای اسلامی بوده. این پیشرفت‌ها مال دنیای اسلام است، اما ایران پیشانی کشورهای اسلامی بود در پیشرفت‌های گوناگون علمی [۱۷۱].»



این مسئله که بنیادی‌ترین چالش بر سر آینده ایران است، به اشکال گوناگون توسط رهبری پاسخ داده شده است. در نگاه ایشان هویت تاریخی ایرانی و تمدن اسلامی گذشته یکی از نشانه‌های توانایی ایرانیان برای ساخت آینده است. همچنین وقوع انقلاب اسلامی و کوتاهی‌ای بیگانه سبب ایجاد حس عزت و اعتمادبه‌نفس ملی گردیده و خودباوری را در ایرانیان ایجاد کرده است [۱۷۲]. پیشرفت‌ها و دستاوردهای متعدد انقلاب اسلامی با وجود مشکلات فراوان، از دیگر نشانه‌های باور «ما می‌توانیم» است؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که یکی از راهبردهای مقابله با چالش خودکم‌بینی تأکید بر هویت تاریخی و فرهنگی ایرانیان و بر دستاوردهای انقلاب اسلامی است.

منابع و مأخذ

- [۱] شیداییان، ح.، الزامات آینده انقلاب اسلامی: از نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری حصون، ۱۳۸۶ (۱۱).
- [۲] جاودانی‌مقدم، م.؛ ع. برجویی‌فرد، آینده اسرائیل؛ بقا یا فروپاشی، در چارچوب نظریه آینده‌پژوهی پیتر شوارتز با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۱۳۹۴ (۸): ص ۱۳۲-۱۰۷.
- [۳] پیروزمند، ع.؛ م. زنگنه، آینده انقلاب اسلامی با نظر داشت به وضعیت فرهنگ غرب براساس منظومه فکری مقام معظم رهبری. آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۱۴۰۳. سال پنجم (۱): ص ۸۴-۵۷.
- [۴] بختیاری، ح.؛ ع. قاسم‌آقا، الگوی ارزش‌های اسلامی - انقلابی برای نسل‌های آینده انقلاب (بر مبنای دیدگاه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری). پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳ (۱۰): ص ۱۱۹-۹۵.
- [۵] نیکویه، م.، ص. فضلی، چارچوب یکپارچه ارزیابی آینده محور سیاست‌های کلی نظام ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله العالی با رویکرد مدیریت پروژه. مطالعات راهبردی بسیج، ۱۳۹۸. سال بیست و دوم (۸۲): ص ۶۲-۳۳.
- [۶] افطاری، ب.؛ ج. آبرومند، و م. عرب‌باقرانی، فراترکیب مشخصات حکمرانی مطلوب آینده از منظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و با محوریت بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۱۴۰۴. سال ششم (۱): ص ۶۲-۱۱.
- [۷] گندمی، ا.؛ س. سواری، مؤلفه‌های مدیر تراز آینده انقلاب اسلامی بر اساس سیره مدیریتی شهید رئیسی در منظومه بیانات مقام معظم رهبری به روش تحلیل مضمون. آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۱۴۰۳. سال پنجم (۳): ص ۳۷-۱۱.
- [۸] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مردم کرج. ۱۳۷۶/۷/۲۴.
- [۹] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با خبرنگاران رهبری. ۱۳۸۹/۰۶/۲۵.
- [۱۰] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اقشار مردم. ۱۳۷۶/۰۹/۲۵.
- [۱۱] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مسئولان و نخبگان استان همدان. ۱۳۸۳/۰۴/۱۹.
- [۱۲] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مسئولان نظام. ۱۳۹۷/۰۳/۰۲.
- [۱۳] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مردم اصفهان. ۱۴۰۱/۰۸/۲۸.
- [۱۴] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اعضای گردان عاشورا. ۱۳۷۱/۰۴/۲۲.
- [۱۵] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با خبرنگاران رهبری. ۱۳۹۷/۰۶/۱۵.
- [۱۶] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در نماز جمعه. ۱۳۶۲/۰۵/۱۴.
- [۱۷] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری. ۱۳۶۸/۰۵/۱۲.
- [۱۸] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در مراسم سالگرد شهادت آقا مصطفی خمینی. ۱۳۵۸/۰۷/۳۰.

- [۱۹] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مردم خرم‌آباد. ۱۳۷۰/۰۵/۳۰.
- [۲۰] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانشجویان. ۱۳۹۶/۰۳/۱۷.
- [۲۱] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی. ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.
- [۲۲] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
- [۲۳] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اعضای انجمن اسلامی دانش‌آموزان. ۱۳۹۵/۰۲/۰۱.
- [۲۴] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان. ۱۳۹۵/۰۹/۲۳.
- [۲۵] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانشجویان. ۱۳۹۸/۰۳/۰۱.
- [۲۶] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با حوزویان. ۱۳۹۴/۱۲/۲۵.
- [۲۷] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر. ۱۳۷۹/۱۲/۰۹.
- [۲۸] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با آزادگان. ۱۳۶۹/۰۶/۲۶.
- [۲۹] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. دیدار با اعضای حوزه هنری. ۱۳۶۸/۰۸/۲۱.
- [۳۰] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با میهمانان خارجی سالگرد ارتحال امام خمینی (ره). ۱۳۷۲/۰۳/۱۲.
- [۳۱] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با طلاب مشهد. ۱۳۶۸/۰۴/۲۰.
- [۳۲] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با قاریان و حافظان قرآن. ۱۳۶۸/۰۸/۲۱.
- [۳۳] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اقشار مردم. ۱۳۶۸/۰۳/۲۶.
- [۳۴] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. خطبه‌های نماز جمعه. ۱۳۵۹/۰۴/۰۶.
- [۳۵] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در اجتماع زائران رضوی. ۱۳۷۰/۰۱/۲۹.
- [۳۶] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. ۱۳۷۳/۰۳/۲۹.
- [۳۷] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اقشار مردم. ۱۳۶۸/۰۴/۱۸.
- [۳۸] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در اجتماع زائران رضوی. ۱۳۷۶/۰۱/۰۱.
- [۳۹] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اقشار مردم. ۱۳۶۸/۰۴/۰۳.
- [۴۰] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مردم کرمان. ۱۳۸۴/۰۲/۱۱.
- [۴۱] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با تشکل‌های دانشجویی. ۱۳۸۴/۰۷/۲۴.
- [۴۲] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اساتید سمنان. ۱۳۸۵/۰۸/۱۸.
- [۴۳] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. ۱۳۸۶/۰۲/۲۵.
- [۴۴] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در اجتماع زائران رضوی. ۱۳۸۸/۰۱/۰۱.
- [۴۵] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با جوانان خراسان شمالی. ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.
- [۴۶] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه علم و صنعت. ۱۳۸۷/۰۹/۲۴.
- [۴۷] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در کنفرانس بیداری اسلامی. ۱۳۹۲/۰۲/۰۹.
- [۴۸] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با بسیجیان. ۱۳۹۷/۰۷/۱۲.
- [۴۹] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با کارگزاران نظام. ۱۳۹۲/۰۴/۳۰.
- [۵۰] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در اجتماع زائران رضوی. ۱۳۹۲/۰۱/۰۱.
- [۵۱] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با نخبگان. ۱۳۹۲/۰۷/۱۷.
- [۵۲] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در اجتماع زائران رضوی. ۱۳۹۷/۰۱/۰۱.

- [۵۳] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با تولیدکنندگان اقتصادی. ۱۳۹۸/۰۸/۲۸.
- [۵۴] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با معلمان. ۱۳۶۸/۰۳/۲۶.
- [۵۵] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در کنگره نهج‌البلاغه. ۱۳۶۰/۰۲/۲۹.
- [۵۶] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در اجتماع مقابل لانه جاسوسی. ۱۳۵۸/۰۹/۰۹.
- [۵۷] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در نماز جمعه. ۱۳۶۱/۰۳/۱۴.
- [۵۸] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانشجویان و نخبگان علمی. ۱۳۸۸/۰۶/۰۴.
- [۵۹] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری. ۱۳۸۰/۰۵/۱۱.
- [۶۰] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اقشار مردم. ۱۳۶۸/۰۴/۲۵.
- [۶۱] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اقشار مردم. ۱۳۶۸/۰۴/۱۹.
- [۶۲] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با خانواده شهدا و جانبازان. ۱۳۶۹/۰۳/۰۲.
- [۶۳] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در اجتماع زائران رضوی. ۱۳۷۵/۰۱/۰۴.
- [۶۴] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مردم آذربایجان شرقی. ۱۳۹۴/۱۱/۲۸.
- [۶۵] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مردم تبریز. ۱۳۸۶/۱۱/۲۸.
- [۶۶] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با کارگزاران نظام. ۱۳۷۰/۰۵/۲۳.
- [۶۷] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. پیام به مناسبت آغاز به کار مجلس پنجم. ۱۳۷۵/۰۳/۱۱.
- [۶۸] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در اجتماع زائران رضوی. ۱۳۷۹/۰۱/۰۶.
- [۶۹] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با پاسداران، جانبازان، دانش‌آموزان و دانشجویان. ۱۳۷۹/۰۸/۱۱.
- [۷۰] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مردم اصفهان. ۱۳۸۰/۰۸/۰۸.
- [۷۱] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در نماز جمعه. ۱۳۷۸/۰۹/۲۶.
- [۷۲] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در مراسم عزاداری شهادت امام رضا(ع). ۱۴۰۴/۰۶/۰۲.
- [۷۳] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با جوانان استان اصفهان. ۱۳۸۰/۰۸/۱۲.
- [۷۴] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در نماز جمعه. ۱۳۶۰/۰۴/۰۵.
- [۷۵] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۷۶/۱۱/۰۴.
- [۷۶] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با روحانیون. ۱۳۸۳/۰۴/۱۵.
- [۷۷] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان. ۱۳۸۷/۰۹/۲۴.
- [۷۸] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری. ۱۳۹۰/۰۶/۱۷.
- [۷۹] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه افسری امام حسین(ع). ۱۳۹۵/۰۳/۰۳.
- [۸۰] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانشجویان. ۱۳۹۲/۰۵/۰۶.
- [۸۱] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در سالگرد رحلت امام خمینی(ره). ۱۳۹۵/۰۳/۱۴.
- [۸۲] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانشجویان. ۱۳۹۷/۰۳/۰۷.
- [۸۳] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با بسیجیان کرمانشاه. ۱۳۹۰/۰۷/۲۲.
- [۸۴] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار اعضای شورای انقلاب فرهنگی. ۱۳۹۲/۰۲/۱۹.
- [۸۵] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانشجویان. ۱۳۹۵/۰۴/۱۲.
- [۸۶] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با خبرگان رهبری. ۱۴۰۰/۱۲/۹.

- [۸۷] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران کنگره شهدای قم. ۱۴۰۱/۰۸/۰۸.
- [۸۸] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت. ۱۴۰۰/۰۶/۰۶.
- [۸۹] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در نماز جمعه. ۱۳۷۸/۰۷/۱۹.
- [۹۰] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانشجویان. ۱۳۶۸/۰۳/۲۳.
- [۹۱] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها. ۱۳۸۳/۰۹/۲۶.
- [۹۲] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مسئولان جهاد دانشگاهی. ۱۳۸۳/۰۴/۰۱.
- [۹۳] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در نماز جمعه. ۱۳۸۳/۰۸/۱۵.
- [۹۴] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با نخبگان علمی. ۱۳۸۳/۰۷/۰۵.
- [۹۵] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مخترعان. ۱۳۸۴/۰۱/۳۰.
- [۹۶] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در اجتماع زائران رضوی. ۱۳۸۵/۰۱/۰۱.
- [۹۷] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۸۴/۱۰/۱۳.
- [۹۸] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها. ۱۳۸۸/۰۶/۰۸.
- [۹۹] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در نماز جمعه. ۱۳۵۹/۰۵/۱۷.
- [۱۰۰] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانشجویان. ۱۳۹۴/۰۸/۱۲.
- [۱۰۱] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با کارگران. ۱۳۹۷/۰۲/۱۲.
- [۱۰۲] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره). ۱۳۹۸/۰۳/۱۴.
- [۱۰۳] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در نماز جمعه. ۱۳۶۵/۰۷/۰۴.
- [۱۰۴] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در نماز جمعه. ۱۳۶۴/۰۱/۳۰.
- [۱۰۵] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اقشار مردم. ۱۳۶۸/۰۳/۳۱.
- [۱۰۶] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون. ۱۳۶۸/۰۴/۰۴.
- [۱۰۷] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با کارکنان وزارت اطلاعات. ۱۳۶۸/۰۳/۳۰.
- [۱۰۸] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با جمعی از معلمان. ۱۳۶۸/۰۳/۲۶.
- [۱۰۹] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در کنفرانس سران کشورهای اسلامی. ۱۳۷۶/۰۹/۱۸.
- [۱۱۰] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در نماز جمعه. ۱۳۸۵/۰۷/۲۱.
- [۱۱۱] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره). ۱۳۹۰/۰۳/۱۴.
- [۱۱۲] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در نماز جمعه. ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
- [۱۱۳] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری. ۱۳۸۳/۱۲/۲۷.
- [۱۱۴] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان کنفرانس وحدت اسلامی. ۱۳۸۵/۰۵/۳۰.
- [۱۱۵] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در نماز جمعه. ۱۳۶۶/۰۷/۲۴.
- [۱۱۶] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت. ۱۳۷۱/۰۵/۳۱.
- [۱۱۷] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات پس از اقامه نماز جماعت روز ۲۹ رمضان. ۱۳۷۰/۰۱/۰۱.
- [۱۱۸] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با شرکت‌کنندگان سالروز رحلت امام خمینی (ره). ۱۳۷۸/۰۳/۱۲.
- [۱۱۹] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت. ۱۳۸۳/۰۶/۰۴.
- [۱۲۰] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با کارگران و معلمان. ۱۳۷۳/۰۲/۱۳.



- [۱۲۱] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت. ۱۳۷۴/۰۶/۰۸.
- [۱۲۲] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با کارگزاران نظام. ۱۳۹۱/۰۵/۰۳.
- [۱۲۳] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری. ۱۳۹۲/۰۶/۱۴.
- [۱۲۴] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی. ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.
- [۱۲۵] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با هیئت دولت. ۱۳۸۹/۰۶/۰۸.
- [۱۲۶] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با هیئت دولت. ۱۳۸۳/۰۶/۰۴.
- [۱۲۷] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با فعالان اقتصادی. ۱۳۹۰/۰۵/۲۶.
- [۱۲۸] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با فعالان اقتصادی. ۱۴۰۱/۱۱/۱۰.
- [۱۲۹] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر. ۱۳۸۱/۰۹/۱۵.
- [۱۳۰] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اقشار مردم. ۱۳۹۵/۰۶/۳۰.
- [۱۳۱] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه. ۱۳۹۰/۰۱/۰۸.
- [۱۳۲] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با هیئت دولت. ۱۳۹۵/۰۶/۰۳.
- [۱۳۳] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با کارگران. ۱۳۹۴/۰۲/۰۹.
- [۱۳۴] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان. ۱۳۹۸/۰۸/۱۲.
- [۱۳۵] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با کارگران. ۱۳۹۲/۰۲/۱۰.
- [۱۳۶] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت چهاردهم. ۱۴۰۳/۰۵/۰۷.
- [۱۳۷] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با روحانیون و ائمه جمعه و جماعات مازندران. ۱۳۶۹/۰۲/۲۲.
- [۱۳۸] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در سالگرد رحلت امام خمینی (ره). ۱۳۷۴/۰۳/۱۴.
- [۱۳۹] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با شرکت‌کنندگان اجلاس جوانان و بیداری اسلامی. ۱۳۹۰/۱۱/۱۰.
- [۱۴۰] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مسئولان وزارت خارجه. ۱۳۷۱/۰۵/۱۹.
- [۱۴۱] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در نماز جمعه. ۱۳۷۶/۱۰/۲۶.
- [۱۴۲] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مسئولان ارشد سه قوه. ۱۴۰۴/۰۱/۲۶.
- [۱۴۳] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اقشار مردم. ۱۳۹۴/۰۶/۱۸.
- [۱۴۴] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در سخنرانی تلویزیونی روز قدس. ۱۳۹۹/۰۳/۰۲.
- [۱۴۵] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی. ۱۴۰۲/۰۲/۰۲.
- [۱۴۶] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری. ۱۴۰۲/۰۷/۱۸.
- [۱۴۷] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مسئولان نظام. ۱۴۰۲/۰۱/۱۵.
- [۱۴۸] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان. ۱۳۸۹/۰۸/۱۲.
- [۱۴۹] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مردم گیلان غرب. ۱۳۹۰/۰۷/۲۳.
- [۱۵۰] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانش‌آموزان. ۱۴۰۱/۰۸/۱۱.
- [۱۵۱] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در فرماندهان و کارکنان سپاه پاسداران. ۱۳۹۲/۰۶/۲۶.
- [۱۵۲] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مردم کرج. ۱۳۷۶/۰۷/۲۴.
- [۱۵۳] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار مردمی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری دوره چهاردهم. ۱۴۰۳/۰۴/۰۵.
- [۱۵۴] (آیت‌الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت. ۱۴۰۳/۰۶/۰۶.

- [۱۵۵] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با بسیجیان. ۱۴۰۱/۰۹/۰۵.
- [۱۵۶] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مردم آذربایجان. ۱۳۹۳/۱۱/۳۰.
- [۱۵۷] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در مراسم بزرگداشت شهدای جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی. ۱۴۰۴/۰۵/۰۷.
- [۱۵۸] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مسئولان نظام. ۱۳۹۷/۰۳/۰۲.
- [۱۵۹] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با کارآفرینان، تولیدکنندگان و کارآفرین‌ها. ۱۴۰۱/۱۱/۱۰.
- [۱۶۰] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی. ۱۳۹۸/۰۸/۲۸.
- [۱۶۱] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در سخنرانی نوروزی. ۱۳۹۹/۰۱/۰۳.
- [۱۶۲] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با مردم بجنورد. ۱۳۹۱/۰۷/۱۹.
- [۱۶۳] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی. ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.
- [۱۶۴] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با زوج‌های جوان. ۱۳۹۸/۰۱/۱۶.
- [۱۶۵] (آیت الله) خامنه‌ای، س. پیام به فعالان حوزه جمعیت. ۱۴۰۱/۰۲/۲۸.
- [۱۶۶] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان. ۱۳۹۶/۰۳/۱۷.
- [۱۶۷] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت. ۱۳۹۸/۰۵/۳۰.
- [۱۶۸] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس. ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.
- [۱۶۹] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر. ۱۴۰۲/۰۲/۰۲.
- [۱۷۰] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با دانشجویان. ۱۴۰۲/۰۱/۲۹.
- [۱۷۱] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با نخبگان و برگزیدگان کرمانشاه. ۱۳۹۰/۰۷/۲۶.
- [۱۷۲] (آیت الله) خامنه‌ای، س. بیانات در دیدار با نخبگان. ۱۳۹۵/۰۷/۲۸.



عنوان: ایران آینده در نگاه رهبر شهید انقلاب؛ درآمدی راهبردی به «نظریه آینده» آیت الله سیدعلی
خامنه‌ای (ره)

DOI: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21781>

Permanent Link:

Publisher: Islamic Parliament Research Center of Iran

گزیده سیاستی

رهبر شهید انقلاب در دوران زعامت خود براساس پیشران‌ها و ظرفیت‌های موجود به قدرت‌آفرینی در جمهوری اسلامی اقدام کردند. بیشترین ظرفیت هویت مردم ایران است که در برابر استکبار جهانی ایستاده‌اند.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir